



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

داستان هایی از پوشش و حجاب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داستانهایی از پوشش و حجاب

نویسنده:

علی میرخلف زاده

ناشر چاپی:

انتشارات محمد و آل محمد (ص)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	داستانهایی از پوشش و حجاب
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	مقدمه
۱۲	حجاب فرمان خداست
۱۲	حجاب در کتاب آسمانی
۱۳	حجاب در قرآن
۱۴	حجاب و عفت
۱۴	حجاب از نظر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
۱۵	حجاب از نظر علی علیه السلام
۱۶	حجاب از نظر ائمه
۱۶	عذاب زنان
۱۷	مسیحی که مسلمان شد
۱۷	حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)
۱۸	گرسنه شکم و شهوت
۱۸	سئوال پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم
۱۹	دختر شجاع
۱۹	مفاسد بی حجابی یا بدحجابی
۲۰	بی حجابی یا بدحجاب و بای اجتماع
۲۰	مقایسه بین بی حجابی یا بدحجابی و حجاب اسلامی
۲۰	حجاب و آرامش
۲۱	بی حجابی یا بد حجابی یعنی بدبختی و نکبت و گرفتاری
۲۱	بی حجابی یا بد حجابی باعث سقط جنین

- بی‌حجابی یا بدحجابی عامل خودکشی‌ها ۲۲
- آزیرهای خطر ۲۲
- بدحجابی و قتل ۲۳
- بدحجابی و کشتار ۲۳
- تمثیلات حجاب ۲۳
- رمز زیبایی ۲۳
- سیم خاردار ۲۴
- حجاب و سلامتی ۲۴
- حجاب عامل استحکام خانواده‌ها ۲۴
- حجاب همچون سدی آهنین ۲۵
- بی‌حجابی یا بدحجابی باعث فشارهای روانی ۲۶
- بی‌حجابی یا بدحجابی یعنی کمبود شخصیت ۲۶
- بی‌حجابی یا بدحجابی باعث از هم گسیختگی جامعه است ۲۷
- آمار فساد ۲۷
- زن با حجاب مانند گوهر در صدف ۲۷
- بی‌حجابی یا بدحجابی یعنی تنزل شخصیت زن ۲۸
- حجاب یعنی شکوفایی استعدادها ۲۹
- ایرادهای مخالفان حجاب ۲۹
- پاسخ به اشکالات ۲۹
- دخترک مسیحی در رشت ۳۱
- خاطره ای از آیت الله مروارید ۳۱
- خاطره حجاب زنی از کشمیر ۳۱
- طاغوتی‌ها از حجاب میترسند ۳۲
- حجاب زن آلمانی ۳۲

- ۳۲ بهترین خدمت به نسل جوان
- ۳۳ خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب
- ۳۳ نصاب خانم مجتهد امین
- ۳۴ سخنی از حجۀ الاسلام قرآنی در مورد حجاب
- ۳۴ مقابله با بی حجابی
- ۳۴ چادر نورانی
- ۳۵ حجاب در اجتماع
- ۳۵ حجاب و نماز
- ۳۵ الگوی زنان
- ۳۵ زن در اجتماع
- ۳۶ اعتراض شدید زینب سلام الله علیها به یزید
- ۳۶ شهادت آیت الله آقا زاده در راه
- ۳۷ چند فراز از گفتار شهید مطهری پیرامون حجاب
- ۳۷ عوامل بی حجابی یا بدحجابی
- ۳۸ رضاخان مامور کشف حجاب
- ۳۸ زن بی حجاب
- ۳۹ علت شکست سپاه موسی علیه السلام
- ۴۰ حقیقت زن
- ۴۰ هتاک و خشونت برای مبارزه حجاب
- ۴۱ چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد
- ۴۱ انهدام خانواده
- ۴۱ جنایتهای خاندان پهلوی
- ۴۲ پر طاووس
- ۴۲ ارزش چادر

- ۴۳ بخشنامه ضد حجاب
- ۴۳ ارزشهای گرانقدر حجاب
- ۴۴ توصیه چارلی چاپلین به دخترش
- ۴۴ نتیجه
- ۴۵ فساد و سقوط اجتماع
- ۴۵ شکست مسلمانان وزوال اسلام در اندلس
- ۴۵ گفته ها
- ۴۶ حجاب پیام عاشورا
- ۴۷ تاریخچه، اهداف و شیوه
- ۴۷ تاریخچه بی حجابی
- ۴۸ اهداف استعمار از کشف حجاب
- ۴۹ شیوه های استعمار در انتشار فساد
- ۵۰ بحران روسری نشانه وحشت غرب
- ۵۰ رعایت حجاب
- ۵۱ بی حجابی و فساد
- ۵۱ آیا فاطمه را شناخته ایم
- ۵۱ امام خمینی و رعایت حجاب در خانواده
- ۵۱ چهل سال او را ندیده
- ۵۲ کیفیت پوشش اسلامی یا حد حجاب
- ۵۲ لباس زنان
- ۵۳ حجاب از دیدگاه احادیث
- ۵۳ اختلاط زن و مرد
- ۵۳ دست دادن (مصافحه) بانامحرم
- ۵۴ خلوت بانامحرم

۵۴	شوخی با نامحرم
۵۴	تشبیه زن به مرد و بالعکس
۵۴	ترفندهای استعمار
۵۴	فروش زن
۵۵	شوهر عاشق
۵۵	حجاب گل باز نشده
۵۵	زنی شوهر را داغ کرد
۵۵	قتل در خواب
۵۶	چینیها
۵۶	لباسهای جلف
۵۷	مثل این باشید
۵۷	پند
۵۷	نتیجه بدحجابی
۵۸	حجاب و عفت در کربلا
۵۸	پدر حجاب
۵۸	چادر نیمه
۵۸	شهید راه ولایت و حجاب
۵۹	الگوی تقوی
۵۹	ظاهر سازی
۵۹	ملاک برتری
۶۰	مسئله
۶۱	ناپاکی، شکست جامعه
۶۱	زنا و زنان
۶۲	محرم و نامحرم

۶۳	بقیه مسئله
۶۳	هشدار
۶۴	موعظه
۶۴	اثر کتابهای دینی
۶۵	انواع بدحجابها
۶۵	خانم س، ص بانوی تازه مسلمان آمریکایی ساکن آمریکا
۶۶	خانم ن، ق، ز دانشجو تهران
۶۷	خانم ب، الف خانه دار تبریز
۶۷	خانم ر، ح معلمه تهران
۶۷	خانم م بانوی تازه مسلمان انگلیسی الاصل خانه دار مشهد
۶۸	خانم ب، ث متخصص مامایی از آمریکا دانشگاه مشهد
۶۸	خانم الف، ب متخصص بیولوژی از آمریکا دانشگاه مشهد
۶۹	خانم س، الف مدرّس دانشگاه تهران
۶۹	خانم ل، ق معلمه تهران
۷۰	خانم ز، ف معلمه تهران
۷۰	خانم ن، خ دبیر دینی تهران
۷۱	خانم م، ز دانشجو تهران
۷۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

داستانهایی از پوشش و حجاب

مشخصات کتاب

سرشناسه: میرخلف زاده علی ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور: داستانهایی از پوشش و حجاب / تالیف علی میرخلف زاده مشخصات نشر: قم انتشارات محمد و آل محمد صل الله علیه و آله ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۳۱۹ ص. شابک: ۸۵۰۰ ریال ۹۶۴-۵۶۹۷-۰۹-۳ : ۳۲۰۰۰ ریال (چاپ سوم) یادداشت: چاپ دوم ۱۳۸۰. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: داستان‌های مذهبی موضوع: حجاب رده بندی کنگره: BP۹/۱۵د۹۳ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۸ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۵۳۵۴۵

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم خداوند متعال دین مقدس اسلام را برای سعادت و خوشبختی انسانها نازل فرموده و عفت و پاکدامنی را با آفرینش زن به هم آمیخته و با آفرینش او صلاح و خیر جامعه را در نظر گرفته و طبعاً برای او سهم به سزایی مقرر فرموده بلکه گاهی به او نظر ویژه ای عنایت کرده و قوانین مخصوصی برایشان وضع نموده و یک سوره خاصی را به نام سوره نساء در قرآن کریم نازل فرموده است. در سوره های دیگر قرآن، نیز کراراً به مسائل حیاتی بانوان پرداخته و به خاطر اختلاف میان دو جنس زن و مرد از نظر روحی و جنسی، قوانین ویژه ای بیان فرموده و مسئله حجاب و پوشش در رأس و پیشاپیش آن قانون قرار گرفته شده تا عفت برونی زن با عفت درونی او هماهنگ گردد و بنیان خانواده مستحکم گردیده و زیبایی و دلرایی زن از آن همسرش باشد و دیگران از آن بهره نگیرند. در قرآن مجید بسیار به مسأله پوشش و حجاب اشاره فرموده و این همه سفارش و تأکید به خاطر اهمیت داشتن حجاب و پوشش در زندگی زن است. مطلب قابل توجه این است که اسلام دشمنان بسیاری دارد و به خاطر از بین بردن این دین حاضر، دست به هر توطئه و کشتاری بزند تا اجتماع اسلام را از آن منحرف نماید. مردم مذهبی ما باید آگاه باشند که توطئه های استعمارگران و دشمنان اسلام همیشه به یک نحو نبوده و به خاطر تأمین منافع خودشان گاهی به قتل و غارت و گاهی با اشغال نظامی و زمانی به تاراج اقتصادی دست میزد، ولی امروز استعمار جدید و نو دین و عقاید و آداب و فرهنگ ملتها را مورد هدف قرار داده و در صدد تحقیر و از هم پاشی آن بر آمده و به این صورت فرهنگ مبتذل خودش را بر مردم تحمیل نماید، و در صورت موفقیت علاوه بر بردگی فرهنگی و سلطه سیاسی و تاراج اقتصادی و عوارض نامطلوب اجتماعی و در یک کلام سلطه همه جانبه استعمار مردم را از خدا و دین و ولایت منحرف نماید. دشمنان اسلام به قانون حجاب ایراد گرفته اند و در پوشش طرفداری از مقام زن، حجاب را نوعی تحقیر و پائین آوردن شخصیت زن قلمداد نموده اند و گفته اند که زن در حجاب نوعی محدودیت است و نمی گذارد آنطور که شایسته است به کمال و رشد و ترقی برسد. این یاوه سرائیها از این افراد منحرف عجیب نیست، زیرا که این به صلاح طرفداران آزادی زنان، به عمق و حکمت قانون حجاب پی برده اند، ولی به علت داشتن سوء نیت خواسته اند که با جلوه دادن نظریات پلیدشان زنان را از داشتن حجاب بر کنار نمایند که ما به فضل و عنایات خدا و امام زمان علیه السلام آنها را در این کتاب رسوا کرده ایم. آنها میکوشند در وسائل ارتباط جمعی مختلف، از قبیل مجلات، رادیو و تلویزیون و ماهواره و غیره... پوشش و حجاب زنان را زیر سؤال قرار دهند و توجیح نمایند و آئین حجاب را زشت جلوه دهند و در نتیجه زنان را به فساد و تباهی بکشانند، لیکن در برابر این نوع تبلیغات زهر آگین بر زنان مسلمان واجب است که به حجاب پایبند باشند، و این دستور مقدس اسلام را قولاً و عملاً در همه جا تبلیغ نمایند. مردم مسلمان ایران هوشیار و بیدار باشند و عمق فاجعه را متوجه گردند، زیرا استعمار از هر طریقی که خواست به این نظام مقدس اسلامی ضربه وارد کند همانطوری که عرض کردم با جنگ و فشارهای اقتصادی و... با شکست مواجه گردید ولی امروز استراتژی استکبار جهانی با ترویج فرهنگ فساد و بدحجابی در بین زنان و دختران بدین وسیله

میخواهد جوانان ما را از معنویت و روح ایمان دور و زمینه گرایش به مظاهر مبتذل غرب را به ما تحمیل نماید تا به تدریج جامعه اسلامی را از درون بپوشاند. این کتاب کوشش مختصری از منافع و خوبیهای پوشش و حجاب و زیانهای مفاسد بی حجابی و بدحجابی را به صورت داستان بیان میکند تا رفع شبهات و روشنگری بانوان تحصیل کرده گردد. این اوراق را به ساحت قدس عالم امکان امام زمان (عج) هدیه مینمایم و ثواب آن را به روح شهدا و علماء دین و خدمتگزاران به دین و قرآن و مملکت و امام راحل (ره) و برادر شهیدم شیخ احمد میرخلف زاده نثار مینمایم. و سلامتی امام زمان و ملت ولایی و رهبر عزیز انقلاب اسلامی را از خداوند متعال خواستارم. قم مقدسه: ۱۴/۱۲/۷۸ حقیر در گاه حق علی میرخلف زاده

حجاب فرمان خداست

حجاب فرمان خداست و پروردگار متعال در قرآن کریم در مورد واجب بودن حجاب و حدود آن در پنج آیه صریحا دستور فرموده، ولی در مورد حفظ عفت و پاسداری از حریم آن در قرآن بیش از ده آیه وجود دارد. (که در کتاب حجاب و عفاف بحث خواهد شد، انشاءالله). آیاتی که به طور صریح اصل حجاب را برای زنها واجب و لازم و ضروری دانسته پنج آیه میباشند که عبارتند از آیه ۳۰ سوره نور، و آیه ۵۹ و ۵۳ و ۳۳ و ۲۳ سوره احزاب که به ترتیب به بررسی آنها میپردازیم. در آیه ۳۰ سوره نور میخوانیم: ای پیامبر! به بانوان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه کردن به نامحرمان) فرو بندند و عورتهای خود را بپوشانند، و زینت های خود را جز آن مقداری که نمایان است، آشکار ن سازند و با روسری و چادر، سر و گردن و سینه و اندام خود را بپوشانند و زینت و (برجستگیهای اندام) خود را هم از زیر چادر ظاهر نکنند، مگر برای شوهرانشان و پدرانشان و پدرشوهرانشان و پسرانشان و پسران همسرانشان و برادرانشان و پسر برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان هم مذهبشان و کنیزانشان و مردانیکه به هر دلیل تمایلی به زن ندارند و کودکانی که از امور جنسی بی اطلاعند (غیر از ممیزین). و پاهای خود را به زمین نکوبند تا زینتهای پنهانشان ظاهر شود و همگی به سوی خدا توبه کنید ای مؤمنان، باشد که رستگار شوید. (۱)

حجاب در کتاب آسمانی

دومین آیه ای که بر وجوب رعایت حجاب برای زنان در برابر نامحرمان، دلالت صریح میکند، آیه ۵۹ سوره احزاب است که میخوانیم: ای پیغمبر! به همسران و دختران و بانوان مومن بگو: با روپوشها و روسری ها و چادرها و جلبابها خود را بپوشانند. زیرا این کار (چادر پوشیدن) موجب میشود که بهتر به عفت شناخته شوند، و مورد آزار و تعرض هوسرانان قرار نگیرند. (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند، زیرا) خدا همواره آمرزنده، و مهربان است. این آیه نیز به اصل وجوب حجاب برای بانوان، تصریح نموده است و در پایان به یکی از فلسفه های حجاب که عدم آزار از ناحیه مزاحمها است اشاره کرده است. می توان گفت: این آیه در قرآن جامع ترین آیه در حفظ حجاب و حریم عفت است، به خصوص با توجه به آیه قبل از خود، و آیه بعد که شدیدترین هشدارها را به متجاوزین حریم عفت داده است. در این آیه دو مطلب در مورد حجاب هست که با بررسی آن دو حقیقت مطلب آشکار میگردد، یکی آنکه منظور کلمه یدنین چیست و دوم آنکه منظور از جلباب چه میباشد؟ یدنین در اصل از دُنُو به معنی نزدیک کردن است، منظور از آن در این آیه این است که زنان باید لباس حجاب مثلاً چادر را از خود دور ن سازند، و صورت و بدن خود را به وسیله آن بپوشانند. علامه شهید مطهری در توضیح این مطلب مینویسد: استفاده: زنان از روپوشهای بزرگ که بر سر افکنده اند، دو جور بوده است، یک نوع صرفا جنبه تشریفاتی و اسمی داشته است، همانگونه که در عصر حاضر بعضی از بانوان چادری را میبینیم که چادر داشتن آنها صرفا جنبه تشریفاتی دارد، با چادر هیچ جای بدن خود را نمی پوشانند، بلکه آن را رها میکنند، وضع چادر بر سر کردنشان نشان میدهد که اهل پرهیز از معاشرت با مردان نامحرم نیستند، و از اینکه مورد بهره برداری

چشمها قرار بگیرند، امتناعی ندارند. نوع دیگر بر عکس بوده و هست، زن آن چنان با مراقبت لباسها و چادر خود را میگیرد و آن را رها نمی کند که نشان میدهد که اهل عفاف و حفاظ است، و این کار نیز خود به خود آثر دور باشی برای دزدان ناموس ایجاد میکند و ناپاک دلان را مایوس میسازد) نتیجه اینکه جمله یدنین بیانگر آن است که از پوششش باید به صورت صحیح استفاده شود، و آن را جیدی گرفت، نه صوری و تشریفاتی، و گرنه چه بسا بعضی از پوششها حتی مثل چادر به خاطر رها نمودن آن، همچون ویتریهای مغازه ها، هیجان انگیزتر شده، و نبودش بهتر از بودنش است. جمله جلباب جامه گشادی است که از روسری بزرگتر و از عبا کوچکتر است. و یا پیراهن و یا جامه ای گشاد و بزرگی است که از ملحفه، (ملافه یا روپوش بزرگی همانند چادر است) که زنان به وسیله آن (بنا به تفسیر المیزان) صورت و گردن و جامه های خود را میپوشانند... نتیجه اینکه آیه مذکور میگوید: زنان باید با پوششی گشاد و وسیع سر و سینه خود را (تا پا) به خوبی بپوشانند، به گونه ای که موجب تهیج هوسبازان، و به دنبال آن مورد مزاحمت آنها قرار نگیرند، بنابر این زنان مسلمان، براساس این آیه، نباید با لباسهای چسبان، در برابر چشم مردم ظاهر شوند. (۲) اصلاً: فلسفه حجاب و پوشش، بیشتر از اینرو است که باعث تهیج مردان و جوانان و فساد و گسترش فحشا نگردد.

حجاب در قرآن

سومین آیه ای که حجاب را برای عموم بانوان واجب و ضروری دانسته آیه پنجاه و سه سوره احزاب است که فرموده: هر گاه از زنان (پیامبر) متاعی یا چیزی را از وسایل زندگی خواستید از پس پرده و حجاب بخواهید زیرا این کار برای قلبهای شما و ایشان پاک و پاکیزه و بهتر است. این آیه نیز اختصاص به زنان پیامبر دارد زیرا یکی از فوائد حجاب عدم ارتباط غیر ضروری زن و مرد را متذکر میشود. چهارمین آیه حجاب، آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب است که میخوانیم: ای همسران پیامبر شما مثل زنهای معمولی نیستید، تقوا پیشه کنید، و به طور هوس انگیز حرف نزنید تا بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه های خود بمانند و مثل دوران جاهلیت میان مردم ظاهر نشوید. دو آیه فوق گرچه خطاب به زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی بانوان دیگر نیز در حکم و معنا با آنها شریک هستند، و راز خطاب به آنها به خاطر الگو قرار دادن آنها است و بخاطر تاکید بیشتر است. مثلاً بقول خودمان به در میگویند که دیوار بشنود، والا بانوان پیغمبر مبرا هستند... در آیه نخست به یکی از دستورهای حفظ حریم عفت دستور داده شده که زنان با ناز و کرشمه و صدای نرم و تهیج انگیز سخن نگویند، تا کسانی که دلشان بیمار است به طمع هوسهای جنسی بیفتند، بلکه به خوبی و شایستگی سخن بگویند. در آیه دوم سخن از حجاب و پوشش به میان آمده و بیانگر آن است که برهنگی و رعایت نکردن حجاب از شئون عصر جاهلیت بوده و شما باهتک حریم حجاب، جاهلیت دیگری بوجود نیاورید. واژه تبرج در گفتار اهل لغت به معنی (خود نمایی و جلوه گری است. در لغتنامه مصباح المنیر آمده: تبرج زن یعنی: زن زینتها و زیباییهای خود را برای نامحرمان ظاهر سازد و در لغتنامه العین آمده: زنی که زیباییهای گردن و چهره اش را به نامحرمان نشان دهد تبرج نموده است. منظور اینکه این آیه به بانوان تاکید میکند که حریم حجاب و عفت خود را حفظ و زیباییهای اندامشان را ظاهر نسازند، و از خودنمایی و جلوه گری به طور جدی خود داری نمایند و جاهلیت دیگری همچون جاهلیت عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را که زنان در آن هنگام رعایت حجاب نمی کردند و با جلوه گری در برابر دیدگان هوس آلود مردان ظاهر میشدند به وجود نیاورند. بنابر این در منطق قرآن، بی بند و باری زنان، و بی حجابی و بدحجابی آنها، نه تنها تمدن و نشانه ترقی و رشد نیست، بلکه یک نوع واپس گرایی و جاهلیت و پستی است و باید به شدت با آن مبارزه نمود. نتیجه اینکه زن مسلمان و پیرو قرآن و شیعه و اهل بیت و ولایتی، در گفتار و رفتار و لباس پوشیدن، نباید در نزد نامحرمان خود را برجسته نشان دهد و موجب جلب توجه آنها به خود گردد، و اگر خود را برجسته و جالب نشان دهد، مثل زنان جاهلیت رفتار کرده که در کوچه و بازار به گونه ای راه میرفتند که نامحرمان را به سوی خود جلب کرده و به دنبال خود میکشاندند. (۳)

حجاب و عفت

در قرآن، غیر از این پنج آیه ای که صراحتاً بر وجوب حجاب داشت و ذکر شد، آیات متعدد دیگری وجود دارد که مفهوم آنها بر واجب و ضروری و لازم بودن حجاب دلالت میکند و در مورد آنانکه حریم حجاب و عفاف را رعایت نمی کنند و یا زمینه ساز برای تهیج هوسهای آلوده و هر گونه بی عفتی هستند هشدار میدهد و اخطار میکند، و به طور کلی پیام دهنده آن است که هر گونه بدحجابی که موجب فساد و انحراف جنسی و آلودگی، چشم چرانی و امور خلاف عفت گردد، از نظر اسلام ممنوع است. مثلاً خداوند متعال در سوره ۳۱ سوره نور به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمان میدهد که به زنان با ایمان بگو حجاب خود را رعایت کنند و میفرماید *وَلَا يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ* باید بانوان، طوری راه نروند تا زینت پنهانیشان آشکار شود. منظور از این آیه، این است که نباید بانوان در هنگام راه رفتن، پاهای خود را چنان بر زمین بکوبند که صدای خلخالهایشان به گوش برسد و همچنین به گونه ای با (طق و طوق) راه نروند که زینت های مخفی آشکار گردد این باریک بینی اسلام برای حفظ حریم عفاف جامعه است. این مطلب بیانگر آن است که اسلام به قدری در مورد حفظ حریم عفت، پافشاری میکند که حتی اجازه چنین کاری را نمی دهد، بنابر این به طریق اولی انجام هر گونه عواملی را که آتش شهوت جوانان را شعله ور میسازد اجازه نخواهد داد. نتیجه اینکه: هر گونه نشر عکسها، رمانهای عشقی و فیلمهای تحریک آمیز و نشان دادن صورت و دستهای آرایش شده و بزک کرده و لاک مالیده ممنوع است، و مردان و زنان باید از هر گونه عواملی که در آن (ریبه) است یعنی ترس سوق دادن به سوی انحراف جنسی و تهیج هوسهای آلوده است پرهیز نمایند. بنابر این اگر چهره زنان هم در بعضی از موارد موجب برانگیختن هوسهای آلوده گردد، باید از آشکار کردن آن پرهیز نمود. (۴)

حجاب از نظر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ضمن گفتاری فرمود: دو دسته اهل دوزخ هستند و حتی بوی بهشت (که تا پانصد سال راه به مشام میرسد) به مشام آنها نخواهد رسید. ۱-ستمگران تازیانه به دست که با تازیانه مردم را بی خودی میزنند. ۲-زنان بدحجاب و برهنه ای هستند که با زرق و برق، خود را به مردم نشان داده و هوسهای آنها را به سوی خود جذب میکنند، موهای سرشان همچون کوهانهای شتر سبکسر عربی است. (۵) و فرمود: زنی که از خانه اش در حالی که خود را آراسته و بزک کرده و عطر زده (بی آنکه پوشش اسلامی را رعایت کند) خارج گردد، و شوهرش به این کار راضی باشد. (گناه آن به قدری بزرگ است که) برای هر گامی که آن زن در بیرون خانه برمی دارد، خانه ای در دوزخ برای شوهرش ساخته میشود. (۶) و نیز فرمودند: زن بی حفاظ، آسیب پذیر است، هر گاه از خانه (بدون حجاب) خارج شد، شیطان او را احاطه میکند و در چشم انداز نفوذ شیطان قرار میگیرد. (۷) و نیز فرمودند: با خواندن سوره نور (و توجه و عمل به دستورهای آن) زنان خود را (از بی عفتی و دوری از حریم حجاب) حفظ کنید. (۸) و نیز فرمودند: زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند او خود در آتش است و ننگ محسوب میگردد. (۹) و نیز فرمودند: وقتی زنی در جایی بنشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۰) و نیز فرمودند: هر کس با زنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود خریده است. (۱۱) و نیز فرمودند: هر کس بطور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت درغل و زنجیر بسته و سپس به آتش انداخته خواهد شد. (۱۲) و نیز فرمودند: برای زن سزاوار نیست که هنگام بیرون رفتن از خانه اش لباسهایش را به خودش بچسباند که برجستگی های اندامش از بیرون ظاهر گردد. (۱۳) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: یا فاطمه هر زنی که خود را زینت کند و لباسهای زیبایش را بپوشد و از خانه خارج شود که مردم به او نگاه کنند، ملائکه آسمانها و زمینهای هفتگانه او را لعنت

میکنند و پیوسته مورد غضب الهی است و اگر بمیرد دستور داده میشود او را بسوی آتش جهنم ببرند. (۱۴) و نیز فرمودند: ای سلمان در آخر زمان مردها به مردها وزنها به زنها بسنده کنند، لواط رایج میشود و هم جنس بازی فراوان گردد و آثار شوم آن مانند مرض ایدز دنیا را فرا میگیرد و مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردها میشوند و زنان و دختران سوار زین (مانند دوچرخه و موتور) میشوند، بر اینگونه زنان از امت من لعنت خدا باد. (۱۵) و نیز فرمودند: در آخر زمان زنها پوشیده و برهنه هستند (لباسی میپوشند که در ایجاد فساد با برهنه بودن تفاوتی ندارند، یعنی برجستگی های اندامشان از زیر لباس ظاهر است). روسری هایشان را مثل کوهان شتر درست میکنند، لعنت کنید ایشان را که آنها ملعونند. (۱۶) حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به حواء همسر عطاره، میفرمایند: ای حواء زینت خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن و برای زن جایز نیست میچ و پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شد. اول اینکه: خداوند سبحان همیشه او را لعنت میکند. دوم اینکه: دچار خشم و غضب خداوند بزرگ میشود. سوم اینکه: فرشتگان الهی هم او را لعنت میکنند. چهارم: عذاب دردناکی برای او در روز قیامت آماده میشود. ای حواء هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد زینتش را برای غیر شوهرش ظاهر نمی کند و همچنین موی سر و میچ خود را نمایان نمی سازد و هر زنی که این کار را برای غیر شوهرش انجام دهد دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت بخود خشمگین نموده است. (۱۷)

حجاب از نظر علی علیه السلام

حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام در ضمن فرمایشاتشان به فرزندش علیه السلام میفرماید: در مورد حجاب بانوان سختگیر باش، چرا که رعایت حجاب به طور جدی و محکم، زنان را به سالمتر و پاکیزه، حفظ خواهد کرد. (۱۸) و نیز فرمودند: پوشیدن لباس ضخیم بر شما لازم است، زیرا کسی که لباسش نازک و بدن نما باشد، دینش نیز ضعیف و نازک است. (۱۹) و نیز فرمودند: شوهری که از همسرش اطاعت کند، خداوند او را از جانب صورت به طور ویژه گونه وارد دوزخ گرداند. شخصی پرسید: این اطاعت که موجب چنین مجازاتی است کدام اطاعت است حضرت فرمودند: زن از او میخواهد که با لباس نازک (به مراکز پر جمعیت مانند) حمامها و عروسیها و مجالس ترحیم برود، و شوهرش، به او اجازه دهد و از سخن او اطاعت کند. (۲۰) (زیرا عدم کنترل این قبیل مراکز عمومی با موازین شرعی و اخلاقی، جایگاهی برای فساد خواهد شد) و نیز فرمودند: پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی کرد، زنی را که برای غیر شوهرش آرایش نماید و اگر چنین کند بر خداوند سزاوار است که او را در آتش دوزخ بسوزاند. (۲۱) امیرمومنان علی علیه السلام در یکی از فرمایشاتشان به همین مطلب اشاره و نیز فرمودند: در آخرالزمان که بدترین زمانها است، زنان بی حجاب و برهنه آشکار میشوند که با زینت و آرایش بیرون میآیند، آنان از مرز دین خارج شده اند و در فتنه ها وارد گشته اند و به سوی شهوتها تمایل و شتاب دارند، حرامها را حلال میکنند و سرانجام در جهنم و دوزخ گرفتار آتش و عذاب ابدی خواهند شد. (۲۲) از این فرمایشات هشدار دهنده شش مطلب مهم زیر فهمیده میشود: ۱- آن زمانی که زنان رعایت حریم حجاب و عفاف نکنند، بدترین زمانها است. ۲- زنانی که با آرایش و نمایش از خانه بیرون میآیند و سنگر عفت را بشکنند، از دین خارج شده اند و در مقابل دین قرار گرفته اند. ۳- این گونه زنان در فتنه ها وارد شده اند و موجب فتنه ها و انحرافها و گناهان خواهند شد. ۴- این گونه زنان گرایش به هوسهای شهوت انگیز دارند، شهوت پرستی بر آنها حاکم است نه عقل و منطق. ۵- این گونه زنان حرامهای الهی را حلال کرده و با بی بند و باری خود، حدود الهی و مرزهای دینی را زیر پا میگذارند، و موجب افزایش فساد میشوند. ۶- سرانجام این گونه بانوان، عذاب ابدی در دوزخ خواهد بود. آری آنانکه حریم حجاب و عفت اسلامی را رعایت نمی کنند، این گونه موجب انحرافها و پلیدیها شده، و موجب گسترش دامنه فساد میگردند و سرانجام، خود نیز در میان دنیای جهنمی خود میسوزند و زندگی پوچشان، به عذاب ابدی الهی میپیوندد. (۲۳)

حجاب از نظر ائمه

امام صادق علیه السلام فرمود: برای زن هنگام خروج از خانه شایسته نیست که لباسش را خوشبو کند. (۲۴) امام موسی بن جعفر علیه السلام بنقل از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: هر کسی به خدا و روز قیامت ایمان دارد، هرگز در جانی نمی ماند که نفس زن نامحرمی را بشنود. (۲۵) امام باقر علیه السلام فرمودند: جایز نیست زن خود را شبیه مرد نماید. زیرا پیامبر مردانی را که مشابه زنان میشوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار میدهند لعنت کرده است. (۲۶)

عذاب زنان

آقا سیدالمظلومین امیرالمومنین حضرت علی علیه السلام فرمود: یکرز من و سیده زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) بر حبیب خدا حضرت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وارد شدیم و آن بزرگوار را در حالی دیدیم که شیدا گریه میکرد. به آن حضرت عرض کردم: پدر و مادرم فدایت شوند، یارسول الله، چه شده! چه چیزی شما را به گریه درآورده آن حضرت فرمود: یا علی شب معراج وقتیکه به آسمان رفتم، زنان امتم را در عذاب شدید مشاهده کردم. بخاطر آن شدت عذابها گریان و نالان شده ام. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود: مگر چه دیدید که اینقدر متأثر و گریان شده اید؟! حضرت رحمه للعالمین صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ۱- زنی را دیدم که بمویش آویزان کرده بودند، در حالیکه مغزش میجوشید. ۲- زنی را مشاهده کردم که به زبانش آویزان کرده بودند، و از حمیم جهنم در حلقش میریختند. ۳- زنی را دیدم که به دو پستانش آویزان کرده بودند. ۴- زنی را مشاهده کردم که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط کرده بودند. ۵- زنی را دیدم که گوشت بدنش را با قیچی میچیدند و مجبورش میکردند که آن را بخورد، و آتش از زیر آن زبانه میکشید. ۶- زنی را مشاهده کردم که به صورت کر و لال و کور است، در حالی که در تابوتی از آتش میباشد و مغز سرش از دماغش خارج میشود و بدن او به صورت جذام و برص است. ۷- زنی را دیدم که به دو پایش آویزان کرده اند، در حالیکه در تنوری از آتش بود. ۸- زنی را مشاهده کردم که گوشت بدنش را از قسمت جلو و عقب به وسیله مقرضهایی از آتش جدا میکردند. ۹- زنی را دیدم که صورت و دستهایش آتش گرفته، در حالی که روده هایش را میخورد. ۱۰- زنی را مشاهده کردم که سرش مثل سر خوک، و بدنش مثل بدن الاغ و به انواع عذابها شکنجه اش میدادند. ۱۱- زنی را دیدم که به صورت سگ بود، و آتش از عقبش خارج میشد و ملائکه با گرز آهنی از آتش، بر سر و بدنش میکوبند. بی بی دو عالم فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمودند: ای حبیب من و ای نور چشم من، ای پدر بزرگوارم به من بفرمائید که این زنان چه عملی داشته اند و به چه جهت به این عذابها گرفتار شده اند و راه و روششان چه بوده که پروردگار متعال آنها را به چنین شکنجه هایی مبتلا نموده! آقا رئیس اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ۱- آن زنی را که به موهایش آویزان شده بود، آن زنی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی پوشانید. ۲- آن زنی را که به زبانش آویزان کرده بودند، آن زنیست که شوهرش را با زبانش اذیت میکرد. ۳- آن زنی را که به دو پستانش آویزان بود، آن زنی بود که از همبستر شدن با شوهرش خودداری مینمود. ۴- آن زنی را که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها را بر او مسلط کرده بودند، آن زنی بود که بدون اجازه شوهرش از خانه خارج میشد. ۵- آن زنی را که از گوشت بدنش با قیچی میچیدند و به او میخورانیدند، زنی بود که خودش را برای مردان نامحرم زینت میکرد و بدنش را به آنها نشان میداد. ۶- آن زنی را که کر و کور و لال بود، آن زنی بود که از راه زنا بچه دار میشد و به گردن شوهرش میانداخت. ۷- آن زنی را که به پاهایش آویزان کرده بودند، زنی بود که در حال نجاست وضو میگرفت یعنی رعایت نجس و پاکی را نمی کرد، و در وقت جنابت و حیض غسل نمی نمود، و در نمازش سستی میکرد. ۸- آن زنی را که از گوشت جلو و عقب بدنش با مقرض از آتش جدا میکردند، زنی بود که

خود را از راه نامشروع به مردان عرضه میداشت. ۹- آن زنی که صورت و دستهایش آتش گرفته و روده هایش را میخورد، آن زنی بود که قوادی میکرد، یعنی واسطه حرام بود. ۱۰- آن زنی که سرش مثل سر خوک و بدنش مثل بدن الاغ بود، آن زنی بود که سخن چینی میکرد و زیاد دروغگو بود. ۱۱- آن زنی که به صورت سگ بود آن زنی بود که آوازه خوان (و صدایش را برای نامحرم با ناز و کرشمه و مهیج رها میکرد) و حسود بود. (۲۷)

مسیحی که مسلمان شد

یکی از علماء اسلام مینویسد: روزی یک زن مسیحی با شوهرش پیش من آمد و گفت: من از اسلام مسائلی را فهمیده ام و از دستورات و قوانین آن که مترقی است در شگفت و حیرتم و به آن علاقه مندم، ولی بخاطر یکی از دستورات آن، من هنوز به اسلام گرایش پیدا نکرده ام، و درباره آن با شوهرم و عده ای از مسلمانان بحث و گفتگو نموده ام که متاسفانه پاسخ قانع کننده ای نشنیده ام، اگر شما بتوانید مرا قانع کنید من به دین اسلام مشرف شده و مسلمان خواهم شد. من گفتم: آن دستور کدام است! زن مسیحی گفت: دستور حجاب است. چرا اسلام حجاب را برای زن لازم دانسته و چرا به او اجازه نمی دهد که مثل مرد بدون حجاب از خانه بیرون بیاید؟ سپس بنا کرد به ایراد و انتقاد کردن، که حجاب مانع رشد و ترقی زنان، و سبب عقب ماندگی در جامعه است. من پس از شنیدن ایرادها و انتقادهای آن زن، چنین پاسخ دادم: آیا شما تا بحال به بازار جواهر فروشی رفته اید؟ گفت: آری، گفتم: چرا جواهر فروشان، طلا و سائر جواهرات گرانبهای خود را در ویتترین شیشه ای قرار داده و درب آنرا قفل میکنند؟ گفت: بخاطر اینکه دست دزدان و خیانتکاران و سارقان به آنها نرسد. در اینجا آن عالم دینی رو کرد به زن مسیحی و اظهار داشت فلسفه حجاب نزد ما مسلمانها همین است که: زن گلی خوشبو است... زن گوهر و یاقوت گرانبهاست و چون جنس لطیف زن هم مانند طلا و جواهرات است، و باید از دست خیانتکاران و دزدان عفت و ناموس محافظت کرد، و از چشم تبهکاران و اهل فساد حفظ نمود، زیرا زن همانند مروارید است که در صندوقچه صدف باید پنهان گردد تا طعمه آنان نشود و تنها ساتر و نگهدارنده زن حجاب است و حجاب برای زنان مانند محفظه ای بر جواهرات است و اگر زنان نیز در پوشش نباشند همیشه در معرض خطرات و تجاوزات قرار میگیرند و به خاطر نشان دادن زیباییها پیوسته مورد آزار و تعدی مفسدین میشوند. آری دخترم... دستور حجاب در اسلام باین جهت است که زن از دست خیانتکاران در امان باشد. زیرا بدنش پوشیده و زینتهایش مستور است و مردم از او چیزی نمی بینند و در او طمع نمی کنند و از او دوری میجویند و نظرشان را جلب نمی کند، بلکه از او حساب میبرند و حیا میکنند، همه اینها به خاطر حجاب است. و شما مطمئن باش که اگر زن در پوشش حجاب نباشد، پیوسته در معرض آزار مفسدین است، بنا بر این حجاب شرافت و بزرگواری توست، آری دخترم این گوشه ای از فلسفه حجاب بوده که تذکر دادم. پس از شنیدن این مطلب، آن خانم مسیحی فکری کرد... و سپس با چهره ای درخشان گفت: من تا بحال این گونه نشنیده بودم... شما بسیار جالب بیان کردی، و اکنون اسلام را میپذیرم. دوشیزه مسیحی در همان جلسه، شهادتین را بر زبان جاری کرد، و اسلام را پذیرفت. خواننده محترم: از این گفتگوی مذهبی آشکار شد که اسلام میخواهد شخصیت و پاکی زن را حفظ نماید، و به دنبال آن از اجتماع حمایت کند، از این رو حجاب را به عنوان شرط اساسی برای هدف مزبور لازم دانسته است. همچنین از این گفتگو روشن میشود که اغلب بانوانیکه بی حجاب هستند از فلسفه حکیمانه حجاب اطلاع ندارند و به آثار پرسودش توجه ندارند و از مفاسد بی حجابی غافلند، تنها بوسیله حجاب، عفت و شخصیت زن حفاظت میشود، و از خطرات ناشی از بی حجابی در امان میمانند. (۲۸)

حجاب حضرت زهرا (علیها السلام)

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم همراه جابر به طرف خانه حضرت زهرا (علیها السلام)

حرکت کردند، وقتی که کنار در رسیدند، پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دستش را روی در گذاشت و با صدای بلند فرمود: سلام علیکم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: و علیکم السّلام حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آیا اجازه هست وارد خانه بشویم حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: آری ای رسول خدا. حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آیا اجازه هست همراه شخصی که با من است وارد گردم حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: سر برهنه هستم. حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: با رو انداز، خود را پوشان. حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را پوشانید. بار دیگر حضرت پیغمبر برای خود و جابر طلب اجازه کرد، حضرت فاطمه (علیها السلام) اجازه داد، آنگاه آن دو وارد خانه شدند. (۲۹)

گرسنه شکم و شهوت

حضرت حجّه الاسلام والمسلمین مروج الاسلام والدین حاج شیخ غلامرضا فیروزیان فرمودند: تابستان سال ۱۳۲۳ در ونک مستوفی منیر میرفتم. امام جماعت آنجا سید بزرگواری بود که آن با گذشت، ۵۵ سال نامش را فراموش کرده ام. بین گفتگوهایی که با هم داشتیم تعریف کرد: که یک روز صدای در منزل بلند شد، وقتی آمدم در را باز کردم، خانمی نیمه برهنه و بی حجاب و آرایش کرده و دست و سینه باز را مقابل خود دیدم، خواستم درب را ببندم و به او بی اعتنایی کنم. فکر کردم همین که در خانه یک روحانی با این قیافه آمده شاید معایب بی حجابی را نمیداند: و شاید بتوانم نصیحتش کنم. سرم را پائین انداخته و گفتم بفرمائید، داخل اطاق شده نشست، و مسئله ای در مورد ارث از من سؤال کرد. من گفتم خانم منم از شما میخواهم مسئله ای بپرسم اگر جواب دادید منم جواب میدهم گفت: شما از منگفتم بله. گفت بفرمائید؟ گفتم: شخصی در محلی مشغول غذا خوردنست غذا هم بسیار مطبوع و خوشبو است، گرسنه ای از کنار او میگذرد، پایش از حرکت میایستد جلوی او مینشیند شاید تعارفش کند، ولی او اعتنا نمی کند. شخص گرسنه تقاضای یک لقمه میکند او میگوید: غذا متعلق بمن است و نمی دهم هر چه التماس میکند او به خوردن ادامه میدهد، خانم این چگونه آدمیست گفت: آن شخص بیرحم از شمر بدتر است. گفتم: گرسنه دو جور است، یکی گرسنه شکم و یکی گرسنه شهوت. جوان غربی و گرسنه شوت، خانم نیمه برهنه و زیبایی را میبیند که همه نوع عطرها و آرایش های مطبوع دارد، هر چه با او راه میرود شاید خانم توجهی به او نکند و مقداری روی خوش به او نشان بدهد، جوان او اعتنا نمی کند. جوان: اظهار علاقه میکند، زن: محل نمی گذارد، جوان: خواهش میکند، زن میگوید: من نجیبم و حاضر نیستم با تو صحبت کنم. جوان التماس میکند، زن: توجه نمی کند. این خانم چگونه آدمی است خانم فکری کرد و از جا حرکت کرد و از خانه بیرون رفت. فردا درب منزل صدا کرد، رفتم در را باز کردم، دیدم سرهنگی دم در ایستاده و اجازه ورود میخواهد، وقتی وارد اطاق شد و نشست. گفت: من شوهر همان خانم دیروزی هستم، وقتی که با او ازدواج کردم چون خانواده ای مذهبی بودیم از او خواستم با حجاب باشد، گفت: بعد از ازدواج، ولی آنچه به او گفتم و خواهش کردم تهدید کردم، زیر بار نرفت ولی دیروز آمد و از من چادر و پوشش اسلامی خواست، نمی دانم شما دیروز به او چه گفتید: ماجرا را به او گفتم: او با خود عبایی آورده بود. به من داد و تشکر کرد و رفت.

سؤال پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم

حضرت علی علیه السلام میفرماید: با جمعی از اصحاب در محضر رسول خدا علیه السلام نشسته بودیم، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به ما رو کرد و فرمود: به من خبر دهید که برای زن چه چیز خوب است و خیر و سعادت او در چیست همه ما از پاسخ به این سؤال، در مانده شدیم، تا اینکه متفرّق گشتیم، و به خانه آمدم و به حضرت زهرا (علیها السلام) گفتم: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین سؤالی از ما نموده و ما از پاسخ به این سؤال درماندیم. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: من پاسخ این سؤال را

میدانم. خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرِينَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالَ بهترین دستور برای زنان آن است که نه آنها مردان نامحرم را بنگرند و نه مردان نامحرم آنها را ببینند. به محضر مقدس رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بازگشتم و عرض کردم: سئوالی که فرمودید: که چه چیز برای زنان بهتر است، برای آن بهترین چیز آن است که نه مردان نامحرم آنها را بنگرند و نه آنها مردان نامحرم را ببینند. پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: تو وقتی که نزد من بودی، پاسخ به این سؤال را نتوانستی بدهی، چه کسی این پاسخ را به تو آموخت عرض کردم: حضرت فاطمه (علیها السلام) به من آموخت. پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خوشحال شد و فرمود: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِنِّي فَاطِمَةَ (علیها السلام) پاره تن من است. (۳۰)

دختر شجاع

ترکیه کشوری است که بر اساس سیستم لائیک (منهای مذهب) اداره میشود، از این رو از مظاهر مذهب جلوگیری مینماید. یکی از دختران شجاع مسلمان (۱۹ ساله) به نام نور جان کوجامان دانشجو بود و در شهر آنکارا، با حجاب اسلامی به دانشگاه میرفت و در آنجا از رئیس جمهور وقت ترکیه کنهان اوژن به خاطر آنکه طرفدار حکومت لامذهبی است انتقاد میکرد، او را دستگیر کردند و به یک سال زندان محکوم نمودند. او در دادگاه فرمایشی آنکارا پس از شنیدن محکومیتش به یک سال زندان، فریاد زد: امام خمینی رهبر دنیای اسلام است و من از طرفداران او هستم! این دختر شیردل، آن چنان در آن کشور ضدّ خدا، پایبند به احکام اسلام بود، که حجاب خود را کاملاً رعایت میکرد و با قرآن مأنوس بود و در هر فرصتی آیات قرآن را تلاوت مینمود و با صراحت میگفت: من امام خمینی را به عنوان رهبر اسلامی میشناسم و از او پیروی میکنم. (۳۱)

مفاسد بی حجابی یا بدحجابی

روزی یک تیم ورزشی از یک شهرستان، پهلوان کشتی شهر دیگری را برای مسابقه دعوت کرد. قهرمان مزبور به دعوت آنان پاسخ گفت، و همراه همسر زیبا و بی حجابش راهی آن شهر شد، بازی کتان و کشتی گیران شهر، برای استقبال وی به فرودگاه آمدند و با گرمی به وی خیرمقدم گفتند، سپس آن پهلوان همسر خود را به رفقاییش معرفی کرد، و وی را برای دست دادن به آنان جلو انداخت و بازی کتان با گرمی و لبخند به همسر وی دست دادند. یکی از آنها عاشق همسر پهلوان شد و بفکر افتاد با او ازدواج کند. برای رسیدن به هدف نقشه‌هایی پیش خود طرح ریزی کرد و سرانجام با همسر پهلوان بطور پنهان و دور از چشم شوهرش خلوت و ملاقات کرد و نقشه خود را باین وجه عملی ساخت. از وی پرسید: شوهر شما چقدر مهر بشما داده، زن گفت: بیست هزار تومان. مثلاً، مرد گفت: ولی من حاضرم چند برابر این مبلغ را بشما بدهم، زیرا ارزش شما بیش از این مقدار است. حقیقتاً شوهر شما با این مهر بشما ظلم و ستم نموده، سپس پرسید: بگو ببینم، شوهر شما چه شغلی غیر از ورزش دارد؟ زن گفت: کارمند یکی از وزارت خانه‌ها است. ناگهان مرد هوسران، آه مزورانه‌ای از دل کشید و گفت: این نیز ظلم در حق شما است، شما با این زیبایی، همسر یک کارمند هستی نه شما بیش از این ارزش دارید. همسر شما باید مانند من باشد، من مهندس و تحصیل کرده دانشگاه هستم، و دکترا دارم و حاضرم با شما ازدواج کنم، بشرط اینکه شوهرت تو را طلاق دهد. سرانجام او را فریب داد، و با او قرار گذاشت که پس از مراجعت، از شوهرش طلاق بگیرد، و با وی ازدواج کند. این راز و نیازهای عاشقانه و مخفیانه و پنهان از چشم پهلوان میهمان صورت گرفت، و او هیچگونه اطلاعی از این حوادث نداشت، و نمی دانست چه میگردد. بالاخره مدت ملاقات پایان رسید و شوهر و همسرش به شهر خود بازگشتند از آن پس شوهر با اخلاق و رفتار سوء همسرش روبرو شد، و پس از آنکه در گذشته خندان بود، و با او انس میگرفت و رنجهای او را از یادش میبرد، اکنون رفتارش بر عکس شده است. مرد از این کجروی زن به ستوه آمد، و کاسه صبرش لب ریز شد، و از وی علّت تحوّل اخلاقی او را جویا شد؟ زن گفت: بخاطر آنکه تو مرا فریب داده

ای، تو به من ظلم کرده‌ای.. مرد با کمال تعجب گفت: من! چگونه من ترا فریب داده‌ام! زن گفت: چون با مهر کمی با من ازدواج کرده‌ای و ارزش من بیشتر از اینها است، تو شایسته ازدواج با من نبود و کسی هست که با مهر شایسته حاضر است با من ازدواج کند، و من میخواهم الان از تو طلاق بگیرم. شوهر بدبخت، که انتظار شنیدن این سخن را از همسرش نداشت، هوش از سرش پرید، و خود را در چنگال این فاجعه بزرگ گرفتار دید، فاجعه‌ای که خودش بدست خودش روزی که همسر بی حجابش را به همراه خود به شهر دیگر برد بوجود آورد، اینک شوهر در صدد بر آمد که او را از تصمیمش منصرف کند، ولی سخنان او با شکست مواجه شد، و سرانجام از روی ناچاری او را طلاق داد، و زن طلاق نامه خود را گرفت و برای ازدواج با دوست خود راهی شهر دیگر شد. خواننده محترم: در این حادثه که یکی از هزاران حادثه مربوط به خیانت‌های خانوادگی است دقت کنید و بیندیشید و علتش را بررسی نمائید تا برای شما روشن شود که عامل آن فقط بی حجابی و خود نمایی است. چرا که اگر آن زن حجاب داشت و زیبائیش پوشیده و پنهان بود، هرگز به این دام نمی افتاد و شوهرش نیز دچار این بدبختی که بدست خود برای خود فراهم کرد نمی شد. آری این است مفاسد بی حجابی و این است سزای کسی که با قانون اسلام و حکم قرآن مخالفت میکند. (۳۲)

بی حجابی یا بدحجاب و بای اجتماع

مقایسه بین بی حجابی یا بدحجابی و حجاب اسلامی

به دو نمونه از زنان اجتماع توجه فرمائید ارزش آنان را بسنجید و بگوئید کدامیک برترند. آیا یک زن با حجاب، که در پوشش ایمان درآمده و لباس اسلام به تن کرده و خود را به روپوش کرامت و شرف آراسته و خشنودی خدا را جلب کرده و به درجات بهشت نائل گردیده و شخصیت و احترام و پاکدامنی را در خود افزایش داده که وقتیکه انسان به او نگاه میکند، چیزی جز حجاب و چادر نمی بیند، و اصلاً نمی داند که آیا او جوان است یا پیر؟ زشت است یا زیبا؟ از این رو با دیده احترام به او نظر میکند و در صدد آزارش بر نمی آید، چون میداند او زنی است که بدینش پای بند است و نگهبان شرافت و متمسک به اسلام خویش میباشد و از پستی اِباء دارد، و از بی حجابی و خود نمایی پاک است و از فساد و انحراف دوری میگزیند. برتر است... یا یک زن بی حجاب یا بد حجاب که لباس حیا را از تن بیرون آورده و روپوش ایمان را کنده (زیرا که در حدیث است حیا از ایمان است و کسیکه حیا ندارد ایمان ندارد) و فرمان قرآن را مخالفت کرده و بی بند و باری و خودنمایی را مانند زنان جاهلیت قدیم پیش گرفته، و به زنان یهودی و مسیحی شبیه شده و عظمت و شخصیت خود را از دست داده، و بدنش را نمایان و صورت و دستها و سینه و زینتهای بدنش را آشکار ساخته، نظر بدکاران را به خود جلب کرده و چشم خیانتکاران را بر خود خیره نموده و بدنش را مانند کالائی در بازار در معرض نمایش گذاشته و در معرض دید همگان قرار داده چه بسا او را مسخره و بیچاره کنند، و گاهی به او تجاوز نمایند و عفت او را از بین ببرند و... شرافت خود را از دست بدهد، و در کرامت خویش زیان ببیند، و در بدبختی و بیچارگی و بدحالی قرار گیرد. زیرا همه اینها در اثر بی حجابی و بدحجابی بر او پیش میآید. این دو زن را با هم مقایسه کنید کدام یک از اینها بهتر است کدامیک سنگین تر و محترم هستند، کدام یک از نظر مقام و مرتبه عالی ترند؟ (۳۴)

حجاب و آرامش

بنابر این، روشن است کسانی که زنان را به بی حجابی دعوت میکنند، در حقیقت آنان را به تبهکاری خوانده و آنان را به قربانگاه میکشانند و میخواهند شرافت و عفت را از آنان سلب کنند، و به اسم شعارهای پوچ و سخنان باطل، عظمت و احترام را از آنها بگیرند. خواننده محترم: اگر میخواهید به درستی سخن من پی ببرید، از بزرگسالان خود، از پدران و اجداد خود، که گذشته را

بخاطر دارند برسید: آیا این جنایات و حوادث، دختر ربائی و تجاوز، در آن زمانها وجود داشته یا نه طبعاً پاسخ این سوال منفی خواهد بود. این جنایات و حوادث از کجا بوجود آمده است؟ میگویند: در اثر عوامل گوناگونی که مهمترین آنها بی حجابی و بدحجابی و بی بند و باری است به وجود آمده. آری پاسخ صحیح همین است. از ساکنان دهکده های کوچک که تا بحال به اسلام و ایمان و حجاب اسلامی پای بند هستند سوال کنید، و اگر میخواهید تحقیق و بررسی کنید: آیا دختر ربائی و تجاوز به بانوان چنانکه در شهرها اتفاق میافتد در دهکده های شما نیز واقع میشود؟ طبعاً میگویند: نه اتفاق نمی افتد، زیرا اجتماع ما پیوسته پای بند به اسلام و دستورات حکیمانه آن میباشد. (۳۵)

بی حجابی یا بد حجابی یعنی بدبختی و گرفتاری

دشمنان اسلام پس از بررسیهای طولانی، راه و نقشه و روشهای گوناگونی برای نابود کردن تدریجی اسلام و مسلمانان ترسیم نموده اند. یکی از مهمترین راه های شیطانی که بدین منظور بکار گرفته اند: دعوت به فساد و بی حجابی است، که زیر پوشش شعارهای جلوه دار، و ماسکهای قلبی و تبلیغات باطل، از آن ترویج میکنند. مثلاً: بنام هنر از فساد تبلیغ میکنند، و به اسم پیشرفت، مردم را به گناه میکشانند، و بعنوان تمدن و با اسم آزادی خواهی، آنان را به هرزگی و بی بند و باری و اعمال زشت دعوت مینمایند. متأسفانه بسیاری از زنان و مردان مسلمان، در برابر این شعارهای فریب خورده و بدنبال این سخنان مسموم که ذلت و بدبختی برای آنان بیار میآورد، راه افتاده اند. و با لباس ارزنده اسلامی (یعنی حجاب) مخالفت نموده و از آشیانه ایمان و شرف بیرون آمده و لباسهای بیگانگان را که از کشورهای بی دین شرق و غرب وارد میشود به تن کرده اند. و حتی عده ای از مردم مسلمان هم با این تبلیغات سوء و زهر آلود گول خورده اند، تا حدی که زنان خویش را به بی حجابی وادار نموده اند که طبعاً این عمل خطرات وحشتناکی همراه دارد. زنی از شوهر خود که او را وادار به روی باز در بیرون از خانه کرده بود شکایت میکرد. آری اینها نمی فهمند آن کسانی که در غرب یا شرق، به اشاعه بی حجابی دامن میزنند، خواهان فساد و تباهی در جامعه پاک مسلمانان هستند. آنها میخواهند کشورهای جهان بویژه کشورهای اسلامی عزیز را به بدبختی و گرفتاری و بی عفتی بکشانند آنها میخواهند با دود تمدن جدید، چشم ملت های مسلمان را کور کنند، و آنها را به لجن بکشانند. آری همینطور میشود که هدف استعمار و دشمنان اسلام تحقق مییابد. و جامعه اسلامی در گودال پستی و انحطاط سقوط میکند، و اجتماع پس از آنکه پاک بود بصورت اجتماعی فاسد و متلاشی در میآید و جنایاتی از قبیل زنا، تجاوز، سقط جنین و کورتاژ رواج مییابد.

بی حجابی یا بد حجابی باعث سقط جنین

اسقاط جنین (کورتاژ) و قطعه قطعه کردن آن با آلات گوناگون یکی از مفاسد بی حجابی یا بدحجابی میباشد. روشن است که زن بی حجاب یا بدحجاب، بسیاری از اوقات تحت فشار جوانان بی پروا قرار میگیرد و طعمه دست آنها میگردد و او را مورد تجاوز قرار داده و شرافت و احترام او را از بین میبرند. در نتیجه زن از راه نامشروع باردار میشود و برای اینکه راز آن عمل زشت و پلیدش فاش نشود ناچار میگردد جنین را سقط کند. آمار کورتاژ، در کشورهای غربی که بی حجابی بسیار است هولناک است و روز به روز در افزایش است. در گزارش ویژه ای آمده است: در لندن آمار سقط جنین از سال ۱۹۶۹ تا سال ۱۹۷۰ از ۵۰ هزار به ۸۳ هزار رسیده. و در سال ۱۹۷۱ آمار مزبور به ۲۰۰ هزار مسطور گردیده و این نسبت در فرانسه افزایش یافته بطوری که در هر ۲۰۰ نوزاد ۴۶ تا ۱۴۳ آن سقط جنین بوده. و در شوروی در هر سال شش میلیون سقط جنین دارد حالا که بدتر است. (۳۶) بی حجابی یا بدحجابی باعث (۳۷) بیماری های خطرناک. یکی از مفاسد بی حجابی، فساد اخلاق جوانان و گرایش ایشان به انحراف جنسی میباشد. زنی که با بی حجابی و خود نمائی به بازار و خیابان میآید اگر جوانی که در مرحله دیوانه کننده غریزه جنسی قرار دارد او را ببیند، آیا فکر

کرده ایم به سر آن چه خواهد آمد؟ طبعاً غریزه جنسی در او تحریک میشود، و در صدد برمیآید که به هر وسیله ای غریزه خود را اشباع کند. او اگر متدین و معتقد به اسلام نباشد به استمناء، لواط، زنا، تجاوز به ناموس دیگران پناه میبرد و این جنایات، گذشته از آنکه مخالف دین خدا و حکم خداست، باعث بیماریهای خطرناک و پیش آمده های ناگوار میشود. حتی در گزارشی آمده است که در آمریکا تعداد بیمارستانهایی که اختصاص به امراض جنسی دارد به ۶۵۰ بیمارستان میرسد. و شکی نیست که آن زن بی حجاب که باعث انحراف جوانان میشود، در جرم، کیفر و عذاب آنها شریک است، زیرا او بخاطر خودنمائی و هرزگی خود، غریزه جوانان را تحریک کرده است، و آنان را روانه فساد کرده است. این در صورتی است که جوان، متدین نباشد، ولی اگر متدین و معتقد به اسلام باشد، غریزه جنسی را در درون خود فرو مینشاند، و با تمایلات خود مبارزه میکند. و به خدا پناه میبرد، و هرگونه رنجی را در این زمینه متحمل میشود. (و ای بسا به ناراحتیهای روانی مبتلا میشود). در این صورت نیز زن بی حجاب مسئول است، زیرا او باعث آزار این جوان شده، و گناه کیفر آن را بعهد گرفته است. (۳۸)

بی حجابی یا بد حجابی عامل خودکشی ها

در کشورهایی که قانون حجاب رعایت نمی شود، افزایش روزافزون بیماریهای روانی بخوبی مشهود است. پرفسور سیمور هالک مدیر قسمت روانی دانشگاه ویسکونسن میگوید: فقط در این دانشگاه سالانه بیش از ۸۰۰ دانشجوی به کلینیک بیماریهای روانی مراجعه میکنند. نه تنها من و همکارانم بلکه اکثر روان شناسان دانشگاه های آمریکا از وضع روحی نسل جدید آمریکا دچار وحشت شده اند. (۳۹) توماس اکمبس میگوید: لذت های جسمانی در اول کار به ما لبخند میزند ولی عاقبت نیش زهر آلود خود را در روح ما فرو برده و هلاکمان میکند. (۴۰) غنچه به باغ ایمن است تا بود اندر حجاب آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن آفت جان و دل است، چهره عیان داشتن آمار وحشتناک خودکشی ها در غرب نیز نشان دهنده میزان اختلالات روانی موجود در غرب میباشد. بنابر نوشته دیل کارنگی روان شناس مشهور آمریکائی در آلمان سالانه ده هزار نفر خودکشی کرده اند. البته این رقم جدا از ۱۳۰۰۰ نفری هستند که نجات یافته اند. در فرانسه نیز سالانه ۳۵ هزار نفر دست به خودکشی میزنند. (۴۱) طبق آمار یونسکو در هر دقیقه یک نفر در آمریکا در صدد خودکشی برمی آید. (۴۲) بنابر این به نمایش گذاشتن اندام یا زیورهای خویش در زنان نه تنها علامت یک بیماری روانی محسوب میگردد بلکه بیماری زان نیز بوده و امراض روانی، در دیگران ایجاد خواهد نمود. (۴۳) اینها نشان دهنده گوشه ای از مسائل روانی فساد است. ای اهل عقل عبرت بگیرید.

آزیرهای خطر

بعضی از کوتاه فکran خیال میکنند که اگر فرهنگ برهنگی رواج پیدا کند کم کم بصورت عادی در میآید و دیگر افراد تحریک نمی شوند. از نظر جنسی شاید چنین باشد ولی عطش روحی با افزایش مناظر تحریک آمیز نه تنها کاهش نمی یابد، بلکه بطور مدام افزایش خواهد یافت، اگر چنین بود، در غرب آزادانه تجاوزات جنسی تحقق نمی یافت، ولی بنابه نوشته Plaintruth تجاوز به عنف از هر ۳۴ دقیقه یک فقره، به ۱۴ دقیقه رسید و طبق نوشته مجله آمریکائی نیوزویک هر سال دهها هزار کودک در اروپا مورد تجاوز جنسی و سوء استفاده های دیگر قرار میگیرند. (۴۴) تنها در ترکیه که ۹۸ مردم آن مسلمان هستند، ولی فرهنگ غرب در آن گسترش پیدا کرده با آنکه طبق آمار شهربانی کل آن کشور ۶۰۵ مرکز فحشاء رسمی موجود بوده، و ۵۶۵ مرکز غیر قانونی فحشاء کشف و سیزده هزار و ششصد و هفتاد و یک زن بدکاره مورد تعقیب قرار گرفته، ۲۰۹ دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند. (۴۵) طبق آمارگیری در انگلستان ۴۱ زنان ۱۶ تا سی ساله از اینکه احتمالاً مورد تجاوز قرار گیرند همیشه و بطور دائم بسیار نگران هستند، بیش از ۱۱ زنان انگلیس معتقدند که بهر حال یکروزی از سال مورد تجاوز قرار خواهند گرفت، ۴ زنان از آذیرهای هشدار

دهنده، تجاوز جنسی استفاده میکنند و ۷ زنان کلاسهای دفاع از خود دیده اند. (۴۶) این آمار بخوبی اثبات میکند که فرهنگ فساد و بی حجابی خود عامل تحریک و تجاوز به عنف است نه موجب عادی شدن آن.

بدحجابی و قتل

مردی به مهمانی رفته بود، پس از صرف نهار، صاحب خانه برای کاری بیرون رفت، مرد مهمان از این فرصت استفاده کرده، پس از انجام عمل منافی عفت با همسر میزبان، او را کشت. بعد از دستگیری از او سؤال شده بود که چرا این جنایت زشت و شنیع را انجام دادی او در پاسخ گفت: من شب گذشته در مجلس عروسی بودم، که خانمی را با لباسهای جلف و چهره ای زیبا و موهای آنچنانی دیدم و دلباخته او شدم، دیگر نتوانستم خود را کنترل کنم طرح دوستی ریختم و سرانجام چنین تصمیم گرفتم. (۴۷) خانم عزیز، این جنایت به خاطر خودنمایی و جلوه گری و بی حجابی شما است که به وجود آمده. پس وقتی اسلام آیین حجاب را متذکر میشود، آن را با کمال میل قبول کن که به سرنوشت داستان فوق دُچار نگردید. خُب، این سنای زن بی حجاب در دنیا است و در آخرت هم به عذاب دردناک گرفتار میگردد.

بدحجابی و کشتار

جوانی را که متهم بقتل بود دستگیر کردند و از او سؤال کردند که چرا چنین عمل شنیع را بوجود آوردی گفت: جوانی عذب بودم که با هزار زحمت دیپلم را گرفتم و وارد دانشگاه شدم در آنجا چشمم به دختران بد حجاب زیادی بر میخورد که با آن زیبایی در حیاط و کلاس دانشگاه قدم میزدند با هم میخندیدند و اصلاً رعایت هیچ چیزی را نداشتند. من هم جوان و عذب کم کم با آنها طرح دوستی ریختم و با لطایف الحیلی یکی از آنها را فریب دادم که میخواهم با شما ازدواج کنم و بعد از مدتها که با هم دوست بودیم، یک روز او اظهار داشت که من حامله هستم و باید مرا بگیری. من که وضع مناسب نبود به او قول امروز و فردا میدادم تا اینکه یک روز کارمان به مشاجره و آبروریزی کشید با او گلاویز شده وقتی که به خود آمدم متوجه شدم او را خفه کرده ام و او مُرده است.

تمثیلات حجاب

غنچه تا غنچه است در حجاب است، هیچ کس هوس چیدن آن را نمی کند. اما همینکه حجاب را کنار نهاد و باز شد، آنرا خواهند چید. وقتی که چیدند چند روزی هم ممکن است در جای مناسب قرارش دهند. اما دیری نمی باید که پژمرده و پریپر میشود و آن را در سطل زباله میریزند. خواهران باحجاب هم همچون غنچه اند، هیچ کس دست طمع و تصرف، به سمت آنها دراز نمی کند. اما همینکه این حجاب را کنار گذارند مورد طمع دیگران واقع خواهند شد. (۴۸)

رمز زیبایی

تا زمانیکه سرشیشه عطر بسته است، عطر داخل آن هم محفوظ خواهد بود، ولی به محض اینکه چند ساعتی سر شیشه عطر برداشته شود عطر داخل آن میپرد و تنها شیشه خالی بدون عطر میماند و کسی بدان میلی ندارد. حجاب همانند سرشیشه عطر است که بوی خوش و زیبایی و حلاوت و طراوت زنها را حفظ میکند و با برداشتن حجاب، آن زیبایی و حلاوت از بین میرود. رمز زیبایی زنهاى مسلمان هم همین حجاب است. (۴۹)

سیم خاردار

شما چرا به دور خانه هایتان دیوار میکشید و بر روی دیوارها سیم خاردار نصب میکنید؟ اگر دربهای خانه تان چوبی باشد، چرا آهنی میکنید و اگر دیوارها کوتاه باشد چرا بلند میکنید؟ آیا اینها همه برای راحتی یا ناراحتی شماست حجاب همچون دیوار خانه و همچون سیم خاردار است، حال اگر دیوار خانه هایتان بلند بود و کوتاه کردید، یا سیم خاردار داشت برداشدید، یا درب بسته بود باز کردید، این موجب راحتی، آرامش و آسایش یا موجب ناآرامی شما خواهد بود؟ اگر دربها، دیوارها و... برای راحتی خانه ها باشد، حجاب هم برای راحتی و آسودگی بانوان است، پس اگر اسلام برای زن حجاب آورده، برای راحتی است نه مشقت مشقت در بی حجابی و بدحجابی است. (۵۰)

حجاب و سلامتی

تا میوه ای پوست بر تن دارد، مدتهای زیادی دوام خواهد داشت. ولی وقتی پوست میوه ای گرفته شد بیش از دقایقی دوام نخواهد داشت و حتی بی احترامی به مهمان است که قبلاً میوه ای مثلاً سیب را پوست بکنند بعد در مقابل مهمان بگذارند. حجاب همانند پوست میوه است که حافظ تازگی و سلامت میوه است و تا زمانی که زنها این حجاب و عفت را دارند از طراوت و زیبایی و تازگی و سلامت بهره مندند، ولی برداشتن حجاب همان و از بین رفتن سلامت و زیبایی همان. (۵۱)

حجاب عامل استحکام خانواده ها

یکی از عوامل مهم استحکام خانواده، رعایت حجاب است. اگر حجاب در جامعه ای کاملاً رعایت شود و روابط جنسی به محیط خانواده محدود گردد، گروه جوانان به ازدواج تمایل بیشتری پیدا میکنند و خانواده های تشکیل شده نیز ثبات بیشتری خواهند گرفت، بالنتیجه در این میان بیشترین نفع عاید زنان خواهد شد، زیرا از محبت و حمایت مالی مردان برخوردار خواهند بود. در حالی که اگر خودنمائی و آرایش و تحریک در یک اجتماع بشری رواج پیدا کند و روابط جنسی در غیر محیط خانواده مُیسر گردد، هیچ وقت جوانان مشکلات ازدواج را نخواهند پذیرفت و به آن تن نخواهند داد. بلکه خانواده های تشکیل شده نیز دائماً در حال تزلزل میگردند. زیرا مردان با دیدن زنان بی حجاب تحریک شده و آسیب پذیر میشوند و در نتیجه کانون گرم خانوادگی بسردی میگراید و محبت در خانواده جای خود را به تنفر خواهد داد، چون همسر قانونی رقیب و مانع روابط جدید جنسی به حساب میآید. بی تردید نهاد خانواده تنها با پاسداری از حجاب اسلامی درخشش و بالندگی لازم را پیدا خواهد کرد. بله وقتی لامپ نورافشانی میکند که سیمهای متصل به آن سالم باشند و اگر این سیمها لخت و یا زدگی داشته باشند، نه تنها نیروی برق را بخوبی منتقل نمی کنند بلکه با جریان آب یا با اتصال به یکدیگر موجب حریق و آتش سوزی میگردند. زن و مرد همانند، جریان مثبت و منفی دست به دست هم داده و چراغ خانواده را روشن کرده اند، میبایست حجاب اسلامی را رکن اساسی این پیوند قرار دهند و الا این چراغ بخاموشی میگراید و آتش هوس آن را خواهد سوزانید. جورج کامینکسی جامعه شناس معروف به این مطلب تصریح کرده است و میگوید: عامل اصلی اختلاف (زن و شوهرها در طلاق) روابط نامشروع میباشد. (۵۲) اینک به برخی از پیش آمدهای نامطلوب طلاق اشاره میکنیم. الف: افزایش جرائم با افزایش طلاق، جرائم نیز افزایش خواهند یافت. زیرا با فروپاشی خانواده، زنان و کودکان بی سرپرست دارای زمینه بیشتری برای اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی، بزهکاری و فساد اخلاقی میباشند. بنابر گزارش های آماری پژوهشگران: ۹۰ درصد بزهکاران جوان ۱۴ تا ۲۵ ساله از میان خانواده های از هم پاشیده برخاسته اند. (۵۳) ب: کودکان بی سرپرست با رواج روابط نامشروع و افزایش طلاق، کودکان نامشروع را از حمایت هیچیک از والدین برخوردار نمی سازد و

مسئله جدیدی است که امروزه غرب را دچار مشکل نموده است. بنابر آمار منتشره امروز در جهان ۹۰ میلیون جوان زیر ۲۰ سال از خانواده‌ها طرد شده و بدون خانه و کاشانه حیران در خیابان‌ها زندگی میکنند. متأسفانه آمار کودکان نامشروع در غرب دائماً رو به افزایش و تزايد است. در آمریکا از هر ۴ نوزادی که متولد میشوند، یکی نامشروع است، تنها در سال ۱۹۷۹ بیش از ۵۹۷۰۰۰ کودک نامشروع در آمریکا متولد شده است. در سوئد ۷ میلیونی سالانه ۲۷۰۰۰ کودک نامشروع به جامعه تحویل داده میشود. (۵۴)

ج: بیماریهای روانی ناشی از طلاق یا وقوع طلاق زنان مطلقه بیشترین زیان را متحمل میگردند. به نوشته مجله نیوزویک: با وجودی که پس از طلاق زن آمریکائی خویشتن را آزادتر از آزاد حس میکند، ولی مُطَلَّقه‌های آمریکائی چه جوان چه میان سال شادکام نیستند و این ناشادی را میتوان از میزان روز افزون مراجعات زنان به روانکاو و روانشناس یا از پناه بردن به الکل و یا افزایش سطح خودکشی در میان آنان دریافت. از هر چهار زن مُطَلَّقه یکی الکی میشود و میزان خودکشی میان آنها سه برابر زنان شوهردار است. (۵۵)

این نوشته‌ها بخوبی اثبات میکند که زنان با خودنمائی و بی‌حجابی بیشترین زیان را متوجه خویش ساخته و خود اولین قربانیان پدیده شوم فساد میباشند. (۵۶)

حجاب همچون سدی آهنین

زن و مرد مانند آتش و پنبه هستند و باید تا آنجا که ممکن است از هم دور نگه داشته شوند، مگر از طریق تشکیل خانواده که روابط جنسی باید به آن محدود گردد. حضور زنان و مردان در جامعه بصورتی که هیچگونه تحریک و شائبه جنسی با آن همراه نباشد آن جامعه را استوار و محکم نموده و زمینه پیشرفت تعالی آنرا فراهم خواهد کرد. استاد شهید مطهری در توضیح این مطلب چنین میفرماید: آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه‌ای تحصیل کنند، و فرضاً اگر در یک محیط درس میخوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچگونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس میخوانند و فکر میکنند و به سخن استاد گوش میکنند؟ یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده با دامن کوتاه تا یک وجب بالای زانو نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت میشود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ (۵۷) بنابر این حجاب مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن، برای روشن شدن نقش حجاب در استفاده شایسته از نیروی زنان به مثالهای ذیل توجه فرمائید. مثال اول: همانطور که برای بهره‌برداری از نیروی گاز مبیایست آن را در محفظه‌ای مخصوص و غیر قابل نفوذ قرار دهیم و یا لوله‌های آن را از نظر نشت مراقبت نمائیم، همیشه در آسایش قرار داریم. حال اگر در محفظه قرار نگیرد و مراقبتها انجام نشود، نه تنها از آن بهره‌برداری نمی‌کنیم، بلکه انفجار آن باعث تخریب خواهد شد. بهره‌برداری از نیروی زن نیز منوط به رعایت حفاظ محکم حجاب است در غیر این صورت با رواج فرهنگ مبتذل، آرایش و خودنمائی، نیمی از جامعه را به خود مشغول کرده که چه بپوشند؟ چگونه بپوشند؟ و خود را چگونه بیارینند؟ و نیم دیگر جامعه را به آنان مشغول خواهد ساخت. آنوقت کار آموزش تحقیق و پژوهش جای خود را به آرایش، خودنمائی، چشم‌چرانی و لذت‌جویی خواهد داد و سقوط و سوختن و از بین رفتن جامعه در آن صورت حتمی خواهد بود. مثال دوم: همانطوری که سد، نیروی آب را مهار میکند و آن را در معرض استفاده مطلوب قرار میدهد. حجاب هم مثل سد آهنین است که نیروی زنان را ذخیره کرده و از هرز رفتن آن در مسیرهای نامطلوب جلوگیری میکند. و امکان استفاده مطلوب را از آن میسر خواهد ساخت. مثال سوم: همانطور که آتش میتواند آب را گرم کند و حتی آن را بصورت غلیان و حالت جوش درآورد البته در صورتی که (بین آن دو حجابی وجود داشته باشد و در ظرفی جای داده شود) و الا با ریختن آب بر روی آتش نه تنها حرارتی ایجاد نخواهد کرد بلکه خود نیز خاموش خواهد شد. و هر دو از بین خواهند رفت. نیروی زن وقتی موقعیت خود را خواهد یافت و گرمی بخش و مکمل فعالیت‌های دیگر اجتماعی میشود که حجاب بطور کامل رعایت گردد. در غیر اینصورت، با آرایش و خودنمائی نه تنها نیرویش

صرف تجمل میشود بلکه همچون آبی بر آتش از به جریان افتادن چرخ فعالیت دیگران نیز جلوگیری خواهد کرد. زیرا زن به آراستن خود مشغول میگردد و نیم دیگر از اجتماع هم به او. (۵۸)

بی حجابی یا بدحجابی باعث فشارهای روانی

بی تردید اگر زنان متین و موقر باشند و با پوشش مناسب ظاهر شوند و تحریکی صورت نگیرد، همسران آنها و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود. اما اگر حضور زنان در جامعه بصورت تحریک آمیز باشد، التهاب و اضطراب و هیجان روحی بیننده، هر لحظه با دیدن صحنه ای تازه افزایش پیدا خواهد کرد و از آنجا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد به دلخواه ممکن نیست، باعث به هم خوردن تعادل روحی آنها میشود، این تاثیرات منفی روانی نه تنها بینندگان این مناظر را تهدید میکند، بلکه همسران این زنان بی حجاب را نیز در معرض بیماریهای روانی قرار میدهد. زیرا این مردان دائما با نگاههای هوس آلود دیگران به زن و دختران خود مواجه هستند که مانند نیشی زهر آگین آنان را مورد آزار و اذیت قرار میدهند، و متاسفانه در بسیاری از موارد نمی توانند به آن اعتراض کنند!! و در برخی از موارد مجبورند علیرغم فطرت انسانی و اعتقادات مذهبی خود و... یا سکوت کرده و بدینوسیله آن را تائید کنند و باخود نسبت به تهیه آن لباسها و کفشهای مبتذل که توجه دیگران را جلب میکند اقدام نمایند و با دست خود عامل بیماری روانی خود را فراهم سازند!! حتی میتوان گفت: زنان بی حجاب دیگری که قادر به تهیه آن نوع لباس و کفش نیستند نیز دچار فشارهای روانی شده و تعادل روحی خود را از دست بدهند، بهم خوردن تعادل روحی در بینندگان این مناظر و همسران بدبخت آنان یا زنان بی حجاب دیگر بیماریهای جسمی و روانی را بوجود میآورند که از زبان متخصصان به آن اشاره مینمائیم: دکتر الکسیس کارل نویسنده معروف کتاب انسان موجود ناشناخته میگوید: فکر و هیجان میتواند سبب ضایعات عضوی واحشائی شود.... عدم تعادل دستگاههای عصبی و نقص دستگاه هاضمه در اثر هیجان عامل بیماری های معده و روده است. (۵۹) دکتر دیل کارنگی بنقل از دکتر ژوزف میگوید: عصبانیت و هیجان عامل زخم معده است. (۶۰) قرآن مجید: حجاب را عامل طهارت قلب و روح معرفی میکند و خداوند متعال در قرآن چنین میفرماید: هر گاه از زنان پیامبر متاعی را میخواهید پس آن را از پس پرده بخواهید زیرا این کار برای طهارت و پاکی قلوب شما و ایشان بهتر است. (۶۱) وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَلِّتُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ. (۶۲)

بی حجابی یا بدحجابی یعنی کمبود شخصیت

زنانی که حجاب دارند از سلامت روانی برخوردارند و در خود کمبودی احساس نمی نمایند و تمایلی هم به جلب توجه دیگران ندارند، ولی زنانی که بی حجابند دارای عقده حقارت هستند و با نمایش زیباییها و زینت و نوع پوشش، میکوشند تا حس کمبود خود را بنحوی مرتفع نمایند. روان شناسان در این باره چنین میگویند: زنان و مردانی که در تعویض لباس و انتخاب رنگهای متنوع مبالغه و وسواس دارند جز جبران یک نقیصه ذاتی کار دیگری نمی کنند، زیرا افراط در لباس پوشیدن هم، نظیر افراط در حرف زدن است و نوعی مبالغه زیاده روی است و زیاده روی هم شکل منحرف و پی گم کرده از حس حقارت است. زنی که مورد توجه مردان نباشد میکوشد تا با پوشیدن لباسها و زینتهای مختلف جبران نازیبائیهای خود را کرده و احيانا توجه دیگران را از نقائص صوری خویش منحرف سازد. (۶۳) آری انتخاب لباس و نحوه پوشش و آرایش چهره مانند رنگ رخساره از سرّ ضمیر خیر میدهد، افرادی که دچار کمبود شخصیت هستند میکوشند با لباسی که تن میکنند برای خود نوعی تشخص و تعیین ایجاد کنند، بنابر این میتوان حجاب را علامت سلامت روحی زن دانست، و بی حجابی را نشان بیماری روانی. در روایت نیز به این نکته اشاره گردیده است: امام صادق علیه السلام میفرماید: كَفَى بِالْمَرْءِ خِدْيًا أَنْ يَلْبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ. در خذلان و پستی (عقده حقارت) فرد همین بس که

لباسی میپوشد تا بوسیله آن مشهور گردد. (توجه دیگران را جلب کند). (۶۴)

بی حجابی یا بدحجابی باعث از هم گسیختگی جامعه است

یکی از عوامل مهم فحشا و منکرات، و جرایم ویرانگر و گیج کننده در جهان غرب که ناله همه را بلند کرده است. برهنگی و بی حجابی است. مطابق آمارهای قطعی و مستند، روز به روز، بلکه ساعت به ساعت و لحظه به لحظه بر تعداد بهم پاشیدگی خانواده ها و طلاق، و فرزندان نامشروع و انحرافات جنسی میافزاید که هر کدام از اینها عاملی برای جرایم و انحرافات گوناگون و بسیار دیگر خواهد شد، بطوری که دانشمندان تربیتی برای اصلاح جامعه ناامید شده اند، زیرا یکی از علل مهم آن این است که بازار برهنگی و دوری از حریم حجاب و عفاف و آزادی در روابط، زنان را به صورت کالای مشترک در آورده، به طوری که دو همسر تعلق به خود ندارند، در نتیجه قداست پیمان زناشویی مفهومی ندارد، و به دنبال این برنامه، خانواده ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی میشوند، و کودکان، بی سرپرست میمانند، و همین وضع اساس اعتیاد، بزه کاری، انحرافات شدید، و قتل و جنایت را پی ریزی مینماید، و جامعه را به صورت فساد و لجام گسیخته درمی آورد، تا آنجا که آمار طلاق در آمریکا به ۵۰ در صد رسیده، یعنی از هر دو نفر خانواده زندگی یک نفرشان به طلاق و بهم پاشیدگی کشیده شده است. و از صفحات حوادث روزنامه ها که بیانگر نمونه هایی از جنایات هولناک و تباهیهای جامعه است، به خوبی میتوان به پیامدهای شوم بی حجابی یا بدحجابی پی برد. (۶۵)

آمار فساد

آمار ذیل که مال سالها پیش است، یک روز آمریکا را به تصویر کشیده گویای تاثیر فساد در افزایش طلاق و جرائم میباشد. ۱- هر روز در آمریکا ۹۰۷۷ کودک بدنیا میآید که ۱۲۶۳ نفر آن غیر مشروع هستند. ۲- در قبال ۵۹۶۲ ازدواج روزانه در آمریکا هر روز زن و شوهر نیز از هم جدا میشوند. ۳- هر روز ۳۲۳۱ نفر عمل سقط جنین در این کشور انجام میشود. ۴- روزانه ۲۷۴۰ دختر در آمریکا باردار میشوند ۵- نوجوانانی که هر روز در آمریکا به امراض تناسلی دچار میشوند به ۶۸۴۹۳ نفر میرسد. ۶- در هر ۸ دقیقه یک آدم ربایی در این کشور صورت میگیرد. ۷- در هر ۷۸ ثانیه یک نفر کشته میشود. ۸- در هر ۱۶ ثانیه یک سرقت مسلحانه صورت میگیرد. ۹- در هر ۱۶ ثانیه یک اتومبیل ربوده میشود. ۱۰- آمریکائی ها روزانه ۹۰ میلیون بطری مشروبات الکلی مینوشند. ۱۱- هر روز ۱۶۰ میلیون سیگار در آمریکا کشیده میشود. ۱۲- روزانه چندین هزار نفر معتاد به هروئین و کوکائین و... میشوند. این آمار که توسط یکی از نشریات خارجی تهیه و انتشار یافته نشانگر گوشه ای از این پیامدها و نابسامانی ها اجتماعی طی هر شبانه روز در این کشور میباشد. (۶۶)

زن با حجاب مانند گوهر در صدف

بطور کلی هر چیزی که در همه جا پیدا میشود و در دسترس همه به آسانی میرسد از ارزش کمتری برخوردار است. ولی از اشیاء کم یاب و ذی قیمت و پر بها بخوبی نگهداری مینمایند و از دسترس دیگران دور نگه میدارند و بطور خاصی از آن مراقبت میکنند. مثلاً طلا و جواهرات را در گاوصندوقهای محکمی حفظ میکنند که از دسترس دزدان محفوظ باشد. زن هم مثل گوهر گرانبهائی است که باید محفوظ باشد. اسلام زن را جواهر گرانبهائی هستی میداند و برای او شخصیت والایی قائل است و او را انسانی کامل شناسانده و حجاب را همچون گاوصندوق و صدف و ویتزین، و پوشش را بهترین وسیله برای حفظ و ثبات شخصیت زن معرفی کرده است. آنهایی که زن را تشویق و ترغیب به آرایش و تزئین و نمایش زیباییهای جسمی میکنند در حقیقت زن را فاقد شخصیت

و روح انسانی می‌شمارند. تجربه این مطلب را ثابت کرده. قبل از ظهور اسلام نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه با داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمدند در چنین جامعه‌ای بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد. دکتر گوستاوبون مورخ معروف فرانسوی می‌گوید: این مطلب نیز روشن شد که اسلام در بهبودی وضع زن بسیار کوشیده و اولین مذهبی است که مقام زن را بالا- برده و روی هم رفته زنان مشرق زمین از نظر احترام و شخصیت علمی و تربیتی و سعادت بهتر از زنان اروپائی هستند. اسلام نه تنها زن را یک انسان کامل میداند بلکه احترام به او را ملاک کرامت انسان معرفی میکند: آقا رئیس اسلام حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: **مَا أَكْرَمَ النِّسَاءِ إِلَّا الْكَرِيمَ وَمَا أَهَانُهُنَّ إِلَّا اللَّئِيمُ**. هرگز زنان را گرامی نمی‌دارند مگر کریمان با کرامت و به آنان اهانت نمی‌کنند مگر لئیمان بی‌ارزش. خانم ایفیلین کوبالاد نویسنده انگلیسی، که بالا خره به اسلام گروید و مسلمان شد، در کتاب بسوی خدا می‌گوید: در مقام و بزرگی زن در اسلام همین بس که مسلمین او را حرم که از احترام و حرمت گرفته شده میخوانند. بدین اساس حجاب وسیله‌ای است در خدمت زن تا موفقیت خویش را در جامعه تحکیم کرده و شخصیت و احترام خویش را فزونی بخشد. ویلیام جمیس روانشناس معروف در تأیید این مطلب چنین می‌گوید: زنان دریافته‌اند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند. قرآن می‌فرماید: ای پیامبر به همسران و دخترانت و همه زنان مسلمان بگوی که: حجاب و روسری شان را به خود نزدیک سازند تا (به عفاف) زنان عقیفی شناخته شوند و مورد آزار اوباشان قرار نگیرند. خداوند آمرزنده و مهربان است. (۶۷) عصمتیان را به مقام جلال جلوه حرام است مگر با حلال جلوه حرام است مگر با حلال جلوه حرام است مگر با حلال (۶۸)

بی‌حجابی یا بدحجابی یعنی تنزل شخصیت زن

امروزه با رواج بی‌حجابی شخصیت انسانی زن بفراموشی سپرده شده و تنها به زیباییهای جسمی او توجه میشود. در استخدام او بیشتر از صلاحیت‌های تخصصی زیبایی جسمش مورد دقت قرار می‌گیرد. چاپ تصویر برهنه او بمنظور تبلیغ بر روی بی‌ارزشترین اجناس امری عادی شده، زن از نظر آنها موجودی است با هویت صرفاً جنسی، نه دارای یک شخصیت انسانی، بدین صورت ارزش زن را تا حدّ یک (کالای لوکس) نظیر اجناس دیگر تنزل داده‌اند و این نگرش توهین آمیز به زن هر ساله با جارو جنجال فراوانی انتخاب (ملکه زیبایی) صورت می‌پذیرد. زن را وسیله‌ای برای کامیابی قلمداد کرده‌اند که بعد از مدتی ملال آور می‌گردد و هر چند گاه یک بار باید به او تنوع بخشید، در همین راستا روابط آزاد جنسی مورد حمایت قرار می‌گیرد. به قول گاندی: زن با اینکه به ظاهر در صدد آزادی برآمده ولی در خطر جدیدی قرار گرفته و آن خطر بازیچه و قرار گرفتن وسیله هوسرانیهای مرد است. (۶۹) وی اضافه می‌کند: من ترجیح میدهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظریفترین مخلوق الهی (به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد) از هر حیوانی پست تر گردد... اگر من زن بودم علیه دعوی مرد دایر بر اینکه زن بدنیا آمده تا بازیچه او باشد، سخت عصبان می‌کردم، ای زنان اگر آرایش کردن شما تنها به خاطر جلب شهوت مردهاست از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید. ولی این اقدامات غرب جز مزاحمت و تجاوز نتیجه دیگری برای زنان بهمراه نداشته است. طبق آمارگیری در ۶۳ شهر آمریکا ۹۱ در صد زنان دامن کوتاه و نیمه‌عریان هر روز در معرض تهدید و تجاوز جنسی قرار دارند. طبق این آمار تنها ۹ در صد از آنان از این تهدیدات مصون مانده‌اند. امید آنکه زنان جهان با روی آوردن به حجاب، ارزش و شخصیت از دست رفته خویش را به چنگ آورند و هر ساله بجای انتخاب ملکه زیبایی شاهد انتخاب ملکه علمی و هنری یا ملکه اخلاقی و عاطفی زنان باشیم. (۷۰)

حجاب یعنی شکوفایی استعدادها

اگر زنان دارای حجاب باشند همه مثل هم میشوند امتیازات ظاهری و زیباییهای جسمی زیور و مقام محو میگردد. آنگاه ذهنها متوجه ارزشهای واقعی نظیر علم، ادب، هنر و اخلاق میشود. و در تحصیل آنها کوشا میگردد و در نتیجه استعدادها شکوفا و جامعه راه ترقی و پیشرفت را بسرعت طی خواهد نمود. آری از آن جهت که حجاب احیاگر ارزشهای معنوی است، اسلام پوشش از بیگانه را ملاک برتری زن معرفی کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم میفرماید: بهترین زنان شما زنان با عفت و غیر عقیمی هستند که تنها برای شوهرانشان خود را می‌آریند و در مقابل بیگانه کاملاً پوشیده اند. (۷۱) در حدیث دیگر فرمودند: آیا بدترین زنان را بشما معرفی کنم بدترین زنان شما زنانی هستند که در برابر بیگانه آرایش کنند و نزد شوهر پوشیده باشند. (۷۲) هان ز اغیار پوشان رخ زیبا زنهار نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست (۷۳) پس اگر زنان خواهان تحکیم موقعیت و افزایش محبوبیت خویشند باید آن را در پناه حجاب بدست آورند. زن امروزی با بی حجابی از جذابیت خود کاسته، حجاب مؤثرترین چیز برای حفظ زیبایی و طراوت است، چون زنان باحجاب، آرامش روانی دارند. امام صادق علیه السلام میفرماید: حجاب زن، برای طراوت و زیبایی اش مفیدتر است. (۷۴)

ایرادهای مخالفان حجاب

طرفداران برهنگی و کشف حجاب، برای برداشتن حجاب اسلامی، به اصطلاح خودشان توجیه و برهانی ارائه میدهند، اشکالاتی را مطرح میکنند تا با القای شبهه، در دلها تردید ایجاد کنند، و عمده اشکالات آنها به پنج اشکال زیر باز میگردد، که ما آن را در اینجا به طور فشرده مطرح کرده و به پاسخ آن میپردازیم: ۱- آنها میگویند انسان چه زن و چه مرد، آزاد آفریده شده، و آزادی مفهوم مقدسی است که همگان طرفدار آن هستند، ولی حجاب و پوشش اسلامی، دست و پاگیر است و زنان را منزوی و پرده نشین کرده و از مواهب آزادی محروم میسازد. خداوند (و به قول بعضی طبیعت) غرایزی را در وجود انسان، آفریده، که یکی از آنها غریزه جنسی است که، نباید آن را حبس و سرکوب کرد، بلکه باید آن را با کمال آزادی اشباع نمود، و گرنه موجب عقده و بیماری روانی خواهد گردید. ۲- زنان نیمی از جامعه هستند و باید دوش به دوش مردان به تلاش های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پردازند، و به هیچ وجه صحیح نیست که نیمی از نیروهای انسانی جامعه به انزوا کشیده شوند، و از صحنه های تلاش دور گردند، حجاب عامل مهمی برای این انزوا است. زیرا دست و پاگیر است و طبعاً زنان را از فعالیتهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی عقب میراند. ۳- حجاب و پوشش زن موجب فاصله انداختن بین زن و مرد شده و همین موضوع مردان را به زنان حریصتر میکند. و آتش تمایلات جنسی آنها را شعله ور میسازد، چرا که از قدیم گفته اند و از نظر روانی ثابت شده که انسان نسبت به آنچه را که از آن ممنوع شده حریص است. ۴- با پوشش زن، موارد بسیاری از مصالح و منافع از دست خواهد رفت، و گاهی نادیده گرفتن این مصالح، موجب سقوط و رنجهای ابدی خواهد شد، مثلاً جوانی که میخواهد با دختری ازدواج کند، چگونه آن دختر را که در میان حجاب پنهان شده بشناسد، آیا ازدواج جوان با آن دختر باحجاب اقدام کور کورانه برای انتخاب شریک زندگی تا آخر عمر، نخواهد بود؟! ۵- اگر حجاب برای حفظ زنان از روابط نامشروع، و از بروز انحرافات جنسی و فساد است پس چرا زن از نظر اسلام در نماز باید کاملاً رعایت حجاب کند، گرچه در درون اطاق در بسته باشد، آیا این کار یک نوع به زنجیر کشیدن زن نیست!

پاسخ به اشکالات

۱- آزادی، کلمه مقدسی است، ولی هر چیزی دارای حدّ است، مثلاً آیا انسان آزاد است غذای مسموم بخورد؟ آیا آزاد است چند

برابر غذای معمولی بخورد؟ آیا آزاد است نصف شب که همسایه‌ها در خواب هستند با بلند کردن صدای طبل آنها را بیدار نماید؟ آیا...؟ آیا...؟ قطعاً آزادی دارای مرز و حد است، آن آزادی مقدّس است که موجب ضرر و زیان و باعث سلب آزادی دیگران نشود، همه اندیشمندان با انصاف معتقدند که آزادی بر دو گونه است. ۱- آزادی صحیح ۲- آزادی غلط، ما با دلیل و منطق ثابت کردیم که آزادی زنان به این معنی که بدون پوشش اسلامی و ملامت آشکار شوند، آزادی غلط است، و هرگز عقل و علم چنین آزادی مفسده انگیز را نمی پذیرد. ۲- درست است که زنان نیمی از جامعه هستند، و باید در همه صحنه های زندگی تلاش داشته باشند، ولی پوشش اسلامی هرگز آنها را منزوی نمی کند و هرگز دست و پاگیر نیست در حدی که آنها را از تلاش در صحنه های کار و فعالیت باز دارد. زیرا حجاب، به معنی پرده نشینی نیست، بلکه به معنی یک پوشش معقول است، اگر ما در گذشته در پاسخ به این اشکال، نیاز به استدلال داشتیم، امروز پس از جمهوری اسلامی در ایران، دیگر نیاز به استدلال نیست، چرا که آشکارا میبینیم زنان در تمام صحنه ها، از مجلس قانونگذاری گرفته تا ادارات و بیمارستانها و رادیو و تلویزیون و فروشگاه ها و.. در عین حفظ حجاب اسلامی، مشغول کار و تلاش شبانه روزی زندگی هستند. زن میتواند با لباسهای بلند و پوشش کامل اسلامی به تلاش زندگی بپردازد، و در موارد دیگر با چادر که لباس برتر و پوشش عالیتر است در صحنه ها ظاهر شود، آری وضع موجود، پاسخ دندان شکنی به اشکال فوق است، چنانکه فلاسفه گفته اند: بهترین دلیل بر امکان چیزی وقوع آن است به زبان معمولی خودمان: آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است چه حاجت به بیان است وانگهی مگر خانه داری و فرزندداری، کار و تلاش بسیار مهم اقتصادی و فرهنگی نیست! ۳- این اشکال نیز بی اساس است زیرا پوشش در اسلام به معنی محرومیت زن و مرد از اشباع غریزه جنسی از راه صحیح نیست، تا موجب عطش بیشتر و انفجار گردد، اگر آنچه را که اسلام درباره ازدواج و آسان گیری در تحقق آن فرموده، اجرا گردد، غریزه جنسی از راه صحیح اشباع شده و هیچگونه اشکالی پیش نمی آید. وانگهی اگر وضع فعلی جمهوری اسلامی، را با وضع عصر رژیم گذشته مقایسه کنیم، به روشنی میفهمیم که امروز تا حدود زیادی حجاب اسلامی رعایت میشود، در حالی که آن روز رعایت نمی شد، و در امروز دهها و صدها برابر فساد و تباهی و بی بندوباری و بی عفتی کمتر شده است، بنابر این بی بندوباری و بی حجابی عطش جنسی زن و مرد را بیشتر خواهد کرد، و حجاب و مقید بودن به حفظ حریم حجاب و عفاف، تباهی و فساد را از بین میبرد. و آمارهای قطعی نشان میدهد که فساد در کشورهای بی حجاب اسلامی به مراتب بیشتر است، از فساد در کشورهایی که در آن رعایت حجاب میشود، اینها شواهد عینی خلل ناپذیری است که بیانگر فواید حجاب، و بازدارندگی آن از بسیاری از تباهیها است، و به عکس بی حجابی و بی بندوباری وسیله نزدیک و عامل مؤثر برای افزایش فساد و گسترش دامنه انحرافها خواهد بود. ۴- در پاسخ چهارم باید گفت: اولاً: پوشش برای زنان، دارای فواید و مصلحتهای بسیار مهم برای آنها و جامعه است، که هرگز به خاطر بعضی از مصلحتهای فرضی و جانبی نمی توان از آن دست کشید. ثانیاً: در آن مواردی که مصلحت مهمتری در میان باشد، اسلام پوشش را در آنجا لازم نمی داند، بلکه گاهی عدم پوشش را واجب میداند، به عنوان مثال: اگر مردی در حال غرق شدن یا سوختن است، و در آنجا مردی که او را نجات دهد نیست، ولی زنان نامحرم در آنجا هستند، بر آنان واجب است گرچه موجب کنار رفتن پوششان گردد آن مرد را نجات دهند. و به عنوان مثال: جوانی که میخواهد با دختری ازدواج کند، با توجه به مصلحت آینده برای او نگاه به چهره دختر مورد نظر، نگاه به مواضع زینت او جایز است تا او را بشناسد. حتی در این مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امر کرده که خواستگار، دختر مورد نظرش را بنگرد. بنابر این با رعایت پوشش اسلامی، و دستورهای اسلام، هیچگونه مصلحتی از دست نمی رود. ۵- فلسفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چند جهت زیر باشد: ۱- حجاب برای زنان بهترین حالت است، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت که حالت پوشش است انجام دهد. ۲- نماز در عین آنکه یک عبادت است، یک فرهنگ است، یک کلاس بزرگ و پربار است که درسهای مختلف میآموزد، یکی از درسهای آن این است که درس حجاب را به زنان میآموزد، و

آنها را عملاً به حجاب دعوت میکند. با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج مرتبه با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار میکنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد میدهد، و این دستور مقدس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم میسازد، قعظا چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۷۵)

دخترک مسیحی در رشت

مرحوم حاج شیخ یوسف جیلانی در کتاب طومار عفت مینویسد: در گیلان ما دختر قشنگ و خوشگلی که مسیحیه بود و پدر وی هم دکتر بود. دکتر و مادر و جدّه دختر که در سبزه میدان رشت ساکن بودند، پیوسته در حفظ و حراست آن دختر بودند که مبادا شهوت پرستان و دزدان ناموس او را برابند. ولی آن دختر بیچاره چون زیبا و بدحجاب بود و همیشه خود را آرایش میکرد به جوانان عرضه مینمود هدف گلوله قرار گرفت. پدر و مادر به خاطر حفظ آبرویشان به ناچار او را برای معالجه به خارج بردند و پولهای زیادی خرج او کردند تا بلکه بتوانند او را از منجلاب مرگ تدریجی و بی آبرویی نجات دهند. گرچه دخترک از مرگ نجات یافت، اما چه فایده آنکه دیروز از زیارتش مسرور بود، امروز از دیدنش ناراحت میشد، و میهراسید، من این قضاوت را به خود شما واگذار میکنم، آیا این کار بر اثر حجاب و پوشش بود یا در سایه بی حجابی!... (۷۶)

خاطره ای از آیت الله مروارید

بنده در مراجعت از عراق بعد از قضایای مسجد گوهر شاد به واسطه قطع ارتباط بین مشهد و تهران که از ناحیه خود دولت به وجود آمد. هر کس میخواست عبور کند میباید تحت کنترل باشد و مراقبت شود. چند روزی در تهران ماندم و بعد آمدم، بالاخره خیلی فشار میآوردند هم از جهت لباس و هم از جهت کشف حجاب زنان، وضع خیلی فجیعی به وجود آورده بودند. حتی در حرم مطهر به خُدام و پاسداران حرم دستور داده بودند که چادر و چارقد را از سرزنها بکشند و به یک تعبیر گفتند که گاهی شنیده میشد، عده ای خودشان در پای ضریح میگفتند: خجالت بکش با روسری نیا. زنهای خانواده ما و منسوب به ما، سحر از منزل بیرون میرفتند و وصله ارحام به جا میآوردند. حتی یکی از خانمها را که مامور تعقیب کرد، حالتی برایش به وجود آمد که بعد از دو سه روز ناراحتی در منزل ما فوت شدند. از حجاب به شدت جلوگیری میکردند و دخترها را با اوضاع بدی در خیابانها رژه میبردند، کاملاً روشن بود که همه این کارها برای از بین بردن مظاهر دینی است. (۷۷)

خاطره حجاب زنی از کشمیر

خانم سیده آسیه آندرابی از کشور کشمیر میگوید: سال ۱۳۶۰ نقطه عطفی در زندگی من بود، در آن سال من به کتابی تحت عنوان افکار عمیق زنان مسلمان برخوردی که تاءثیر زیادی در روح من گذاشت و سپس با آثار خواهر مریم جمیله آشنا شدم که باعث گرایش من به درک عمیق مفاهیم قرآن شد. به آخرین تفسیر مولانا مودودی پی بردم با مطالعه در سیره پیامبرانی چون حضرت ابراهیم، موسی عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم به این واقعیت پی بردم که همه آنها به خاطر مبارزه با خدایان دروغین زمان خود همواره در رنج بوده اند. این مطالعات باعث ایجاد یک انقلاب درونی من گردید و من حجاب را به عنوان اولین اقدام انتخاب نمودم و آن را در بین تمام اعضاء خانواده ام رواج دادم و سپس خانه به خانه و مدرسه به مدرسه شروع به تبلیغ نمودیم و جایگاه والایی را که اسلام به زن اختصاص داده برای زنان جامعه معرفی کردیم. (۷۸)

طاغوتی‌ها از حجاب میترسند

(قسمتی از خاطرات اسدالله اعلم وزیر دربار شاه) سه شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ شرفیابی شاه از من به خاطر سخنرانی دیروزم در دانشگاه پهلوی شیراز تمجید کرد، به او گفتم که چه استقبال گرمی از من به عمل آمده بود ۳۰۰ دانشجو در استادیوم ورزشی (دانشگاه) اجتماع کرده بودند، البته از دیدن این همه دختر با چادر وحشت کردم. در زمان خودم در مقام ریاست دانشگاه چادر کم و بیش منسوخ شده بود. هر دختری که میخواست آن را بر سر کند تحقیر میشد. لیکن در کنفرانس دیروز سی نفرشان بودند، مناسب ندیدم که در آن لحظه اظهار نظری بکنم. ضمناً به من اطلاع داده شد که بعضی از این دختران از دست دادن با فرهنگ مهر، رئیس جدید دانشگاه خودداری کرده اند، و مدعی بودند که اسلام هر نوع تماس جسمانی را با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج ممنوع کرده است. شاه خیلی اوقاتش تلخ شد. (۷۹)

حجاب زن آلمانی

به نام خدا اسم قبلی من زانبیه است ماجرای تشریف به اسلام از این قرار است که در آلمان در همسایگی ما یک خانواده مسلمان اهل ترکیه زندگی میکردند. دختران آنها در مدرسه با من دوست بودند و با هم رفت و آمد داشتیم وقتی که من به خانه آنها میرفتم میدیدم آنها نماز میخوانند کم کم جذب آنها شده و با اسلام آشنا شدم در تاریخ ۴/۱۲/۱۹۹۰ در مسجد اسلامی هامبورگ به سرپرستی برادر محمد مقدم به دین اسلام تشریف یافتم. آیا فکر نمی کنید الگوی حجابی که اسلام برای زن در نظر گرفته زحمت دارد؟ هر موجودی برای مصونیت از آسیب دشمن و بیگانه به دنبال حفاظ و مأمن و پناهگاهی میگردد تا در پناه آن احساس امنیت و آرامش کند شما اگر یک لاک پشت را در نظر بگیرید، مشاهده میکنید که چگونه درون پوستی سخت و مقاوم می رود تا از گزند و دشمن ایمن باشد. چرا انسان وزن مسلمان اینگونه نباشد آدم وقتی که دنبال محافظی میگردد تا او را انگشت نمای غیر نکند و او را از جلب توجه بدیگران حفظ کند چه بهتر که حجاب را انتخاب نماید. حجاب برای من نه تنها زحمت و تحمیل نیست، بلکه یک اصل مسلم و خدشه ناپذیر است که از عقیده ام سرچشمه گرفته است و در صدمه که عقیده و حجابم را برای همگان ابراز داشته و توضیح بدهم. این من بودم که در حجاب وارد شدم و دریافتم که حجاب یک ارزشی است و ارزشهای دیگر در کنار حجاب به من ارزانی میشود، نه اینکه حجاب بر من تحمیل شده باشد. من خودم اینطور تصمیم گرفتم. (۸۰)

بهترین خدمت به نسل جوان

نامه ای از یک برادر دلسوز و دردمند انقلابی از بوشهر غم ها و رنج های زیادی است که بر قلب جوانم سنگینی میکند از مسئولین کشور گله مندم، امّا نه برای توژم و گرانی و نه هشت سال جنگ و نه از برای مسائل مادی و دنیوی دیگر، مسائلی که بر دل من سنگینی میکند این است که چرا مسئولین کشور که حامیان عزّت و شرف این ملتند به حرف میلیونها حزب اللّهی این مرز و بوم توجه نمی کنند؟ آیا به دستورات به پیامها و وصیت نامه آن بزرگوار عمل میکنید؟ آیا از بی حجابی و بدحجابی، از عروسی های کذائی، از پخش و توزیع عکسها و نوارهای مبتذل جلوگیری میکنید...؟ رادیو، تلویزیون فرهنگ اسلام را تبلیغ میکند یا...؟ بسیجیان، طلاب و روحانیون و تمامی افراد مومن متعهد از دست مسئولین مینالند که چرا در برخورد با مفاسد اقدامی جدی صورت نمی گیرد؟ چرا مسئولین به درد دل برادران، خواهران، مادران و پدران شهدا گوش نمی دهند؟ مسئولین کشور! انقلاب را دریابید، خدا میداندهیست است که آن همه رنجها و زحمت امام راحلما و آن همه رشادتها و دلیری فرزندان انقلاب در میادین نبرد هدر برود.... مسئولین بدانند که در مبارزه با مظاهر فساد و تلاش برای فرهنگ اسلام مردم حامی آنها هستند، ولی چنانچه در انجام

وظیفه کوتاهی نمایند پیش خدا و ملت و امام را حلیمان مسئولند. مگر نه این است که مقام معظم رهبری آیه الله خامنه ای فرمودند: فلسفه وجود ما خدمت به مردم است مگر نه این است که مسئولین خادم این ملت هستند پس باید به مردم خدمت کنند و اکنون شاید خدمتی بهتر و ارزشمندتر از مبارزه با فساد بی حجابی و بدحجابی نباشد و این بهترین خدمت خصوصا به نسل جوان است. (۸۱)

خاطره ای از امام خمینی در مورد حجاب

برادر خادم یکی از محافظین بیت امام یکی دیگر از موارد خاطرات من مساله دقت در رعایت حجاب نزدیکان امام از جانب ایشان بود بعضا لازم میشد که ما به طور سر زده به خدمت ایشان برسیم و مطلبی را عرض نماییم. بلافاصله بعد از زدن درب و تقاضای ورود از جانب ما، اگر از بستگان امام نزد ایشان بودند، خیلی سریع میگفتند: که کمی صبر کنید و بعد به بستگان خویش تذکر میدادند چادر خود را بر سر گذارند، تا وارد شویم و بالعکس اگر ما در داخل خانه بودیم و یکی از بستگان امام قصد دخول داشتند، بلافاصله امام میفرمودند که: یا الله یا الله... نامحرم داخل اتاق است. البته امام برای تذکر اعلام کرد و گرنه بستگان امام همیشه رعایت حجاب خویش را مینمودند. (۸۲)

نصایح خانم مجتهده امین

چنانچه از قرائن معلوم میشود از صدر اسلام تا این زمان اخیر گفتگو در حجاب زنان نبوده و معمول نوع زنان اسلام این بوده که خود را موظف میدانستند که از نامحرمان احتراز نموده و خود را بپوشانند و تارک آنرا فاسق و گنه کار میدانستند. در این دوره اخیر بعضی از آزادیخواهان بشر خواستند زن را از قید حجاب و چادر نجات دهند و زن را در کار و فعالیت، ردیف مرد قرار دهند، این بود که به اسم آزادی و دلسوزی و حریت حجاب زنان را دریدند و چنانچه میبینیم در این دوره آنقدر بی عفتی و فساد اخلاق در بین جامعه شیوع پیدا نموده.... ای خواهران میدانید این نگارنده ناچیز از صنف زن میباشم و دشمنی با هم صنف خود ندارم و طبیعت زن را بهتر از مردها میدانم و طالب سعادت و خوشبختی و آسایش و آزادی شما هستم و کشف حجاب اگر چه در ظاهر چون موافق با طبیعت زن است که مایل به خودنمایی و جلوه گری است بسیار خوش میآید و البته اگر بدون چادر و حجاب آزادانه در معابر و خیابانها گذر کند و مقتید به حجاب نباشد، خیلی راحت تر است. لکن بین صلاح دین و دنیای تو در چیست حکم حجاب تکلیف است و تکلیف البته زحمت دارد. و شاید بعضی خانمها و دوشیزگان خیال میکنند با حجاب بودن و خانه نشستن اسباب ضعف و نقص آنها میشود. لکن این فکر اشتباه است، شهوت پرستی است که منکرات را به صورت زیبا در نظر جلوه میدهد، قدری فکر خود را به کار بیاندازید و از دریچه عقل خود وضعیت امروزه را بنگرید و انصاف دهید، آیا این وضعیت با دین داری و ایمان و تقوی مناسبت دارد؟ البته نفس بشر طالب هرزه گری، ولگردی و انجام هواهای گوناگون است، خدا پرستی غیر از نفس پرستی است.... از عموم مسلمین که پای بند به دیانت اسلامند تقاضا مینمائیم که همت گمارند که این گم گشته را باز آرند که شاید اندازه ای از این وحشیگری و بی عفتی که سرتاسر ممالک اسلامی را گرفته و شیوع پیدا نموده جلوگیری شود... خواهران: گمان نکنید اگر شما شیک و مُد و بدون حجاب از منزل بیرون آئید شرافتمند میشوید مردها به نظر تقدیس به شما نگاه میکنند، همان کسانی که شما را خانم خطاب میکنند. اینها روی اصل قوای شهوانی است و نگاه آنها نگاه شهوت آمیز است نه روی اصل فضیلت! همان که با صورت بشاش شما را استقبال میکند و به شما دست میدهد و احترام میگذاورد در دل شما را خانم بی عفت میداند و اگر قدری با غیرت باشد، هیچ وقت امثال شما را به همسری نمی گیرد. خواهر: تو مسلمان و مسلمان زاده ای و مقدسات مذهب در تمام ملل محترم است خود را هدف تیر چشمهای ناپاک بعضی مردهای بی عفت قرار مده. (۸۳)

سخنی از حجة الاسلام قرائتی در مورد حجاب

شما جنس مرغوب را در کادو میپسجید، روی تلویزیون پارچه میاندازید، کتاب قیمتی را جلد میکنید، طلا و جواهرات را ساده در دسترس قرار نمی دهید. بنابراین جلد و حجاب نشانه ارزش است. خداوند برای چشم که ظریف است و خطرات آنرا تهدید میکند، حجاب قرار داده حجاب باعث تمرکز فکر مردان که بخش عمده تولید جامعه به دست آنان است میگردد. در کشورهای بی حجاب است نظام خانواده از هم گسسته و آمار طلاق غوغا میکند. اسلام به خاطر حفظ حیا، کرامت و جلال، جلوگیری از تشّت و هوسبازی و گسستن نظام خانواده حجاب را واجب فرموده. باید دانست که حجاب مانع تولید نیست، بزرگترین صادرات ایران بعد از نفت، قالی است که تولیدش به دست زنان با حجاب است. حجاب مانع تحصیل نیست صدها هزار دانشمند زن در کشور اسلامی ایران شاهد این ادعاست حجاب آرم جمهوری اسلامی ایران است. دنیا انقلاب اسلامی ایران را باحجاب بانوان میشناسد و ابرقدرتها از این نشانه پرارزش انقلاب آنقدر هراس دارند که چند دختر مسلمان را با پوشش اسلامی بر سر درس تحمل نمی کنند. (۸۴)

مقابله با بی حجابی

عید نوروز سال ۱۳۰۶ ش بود، زائران بسیاری در حرم حضرت معصومه (علیها السلام) حضور داشتند خانواده رضاخان پهلوی بدون حجاب برای زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بودند و میخواستند با همان وضع وارد حرم شوند، این گستاخی و بی احترامی خانواده شان، موجب خشم مردم میشود و یک نفر روحانی به نام سیدناظم واعظ مردم را به امر معروف و نهی از منکر فرا میخواند. در این میان خبر به آیت الله شیخ محمد تقی بافقی رسید، ایشان نخست به خانواده رضاخان پیام داد که اگر مسلمان هستید نباید با این وضع در این مکان مقدس حضور یابید، و اگر مسلمان نیستید باز هم حق ندارید. زیرا کافر نباید در حرم باشد. خانواده رضاخان به پیام آیه الله بافقی، ترتیب اثر نمی دهند، آنگاه مرحوم آیه الله... بافقی شخصا به حرم آمده و به خانواده رضاخان شدیداً اخطار کرد، و همین حادثه نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم بر ضد حکومت شاه شود. از طریق شهربانی قم به رضاخان اطلاع دادند که خانواده شما (یعنی همسر و دو دختر شما شمس و اشرف) به دستور روحانیون در اتاقی محبوس شده اند و به آنها اخطار شده که حق ندارند بدون حجاب وارد حرم گردند. رضاخان شخصا با یک واحد نظامی به قم آمد و خانواده خود را نجات داد، او با چکمه وارد صحن مطهر شد، آیه الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد. (۸۵)

چادر نورانی

روزی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام محتاج به قرض شد، چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) را پیش مرد یهودی که نامش زید بود، رهن گذاشت آن چادر از پشم بود، قدری جو قرض گرفت. یهودی آن چادر را به خانه برد و در اتاقی گذاشت، وقتی شب شد زن یهودی به آن اتاق رفت، ناگاه نوری را از آن چادر دید که تمام اتاق را روشن کرده بود وقتی زن آن حالت شگفت را دید فریاد زد: شوهر خود را خواست آنچه را دیده بود برای شوهرش بازگو کرد. یهودی شگفت زده شده بود و فراموش کرده بود که چادر حضرت فاطمه (علیها السلام) در آن خانه است، با سرعت داخل اتاق شد، دید که اشقه نورانی چادر آن خورشید عصمت است که مانند بدر منیر خانه را روشن کرده است. یهودی از مشاهده این حالت تعجبش بیشتر شد، یهودی همراه با زنش به خانه خویشان خود دویدند و ۸۰ نفر از ایشان حاضر شدند و این را دیدند از برکت شعله چادر فاطمه (علیها السلام) همگی به نور اسلام مشرف و منور گردیدند. (۸۶)

حجاب در اجتماع

فاطمه زهرا (علیها السلام) با گروهی از زنان مسلمان که بنا به نقل واقدی ۱۴ نفر بودند، از مدینه حرکت کردند و روانه احد شدند تا از نزدیک جریان کار و حادثه هولناک را ببینند و پیامبر خدا را ملاقات نمایند. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) با آن گروه از زنان که دلشان میتپید و از آسیب رسیدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگران بودند پس از مدت کوتاهی توانستند خود را به احد یا بهتر بگوئیم به میدان رزم برسانند. وقتی آمدند که، پیامبر خدا چند روز پیش در هنگام رزم سراسر بدنش مجروح شده بود، ناراحتی حضرت زهرا (علیها السلام) به اندازه ای بود که نمی توانست آب بیاشامد، در این صحنه زنهای مسلمانی که با حضرت زهرا (علیها السلام) بودند، نگفتند: چون ما زن هستیم باید در خانه بنشینیم، بلکه آنها را تعلیم به حقایق و درخشان اسلام را به خوبی از رسول خدا میآموختند و به وظیفه خود آشنا بودند، حجاب اسلامی آنها موجب نمی شد که دست از وظیفه خود بردارند از اینرو هر کدام مشکی پر از آب کرده و به دوش میگرفتند و به رزمندگان آب میدادند، زخم خوردگان را مداوا مینمودند. تا آنجا احساس وظیفه میکردند که خود حضرت زهرا (علیها السلام) نیز غذا و آب به دوش میکشید و از پادر آمدگان میدان رزم پرستاری میکرد و به کمک امیرالمؤمنین علی علیه السلام زخمهای پیامبر را شستشو و مداوا مینمودند. (۸۷) پس از این داستان میآموزیم که زنان هم میتوانند با حجاب کامل در اجتماع خدمت کنند.

حجاب و نماز

فلسفه رعایت حجاب در حال نماز ممکن است از چند جهت زیر باشد: ۱- حجاب برای زنان بهترین حالت است، نماز نیز بهترین عمل عبادی است و چه بهتر که زن نماز خود را در بهترین حالت، که حالت پوشش است انجام دهد. ۲- نماز در عین آنکه یک عبادت است، یک فرهنگ است، یک کلاس بزرگ و پر بار است که درسهای مختلف میآموزد، یکی از درسهای آن این است که درس حجاب را به زنان میآموزد، و آنها را عملاً به حجاب دعوت میکند. ۳- با توجه به پنج بار نماز واجب در شبانه روز، زنان مسلمان پنج بار با حجاب کامل اسلامی با خدا رابطه برقرار میکنند، و همین تکرار عمل، چگونگی حجاب را به آنها یاد میدهد. و این دستور مقدس را برای آنها به صورت یک عادت خوب، درمی آورد، و پیوند آنها را با حجاب محکم میسازد، قطعاً چنین تکراری آن هم در نماز، تمرین عمیق و خوبی برای رعایت حفظ پوشش خواهد بود. (۸۸)

الگوی زنان

مطابق پاره ای از روایات، حضرت وقتی که از خانه بیرون میآمد شمله میپوشیدند، (شمله روپوش فراگیری بود که کاملاً سر تا پای حضرت زهرا (علیها السلام) را میپوشاند). و نیز حضرت زهرا (علیها السلام) در وصیت خود به علی علیه السلام فرمود: جنازه ام را با تابوت (که پوشاننده است) حمل کن. و در این مورد، وقتی اسماء بنت عمیس، تابوت پوشاننده ساخت، حضرت زهرا (علیها السلام) خرسند شد و فرمود: بسیار خوب و عالی است این حوادث بیانگر آن است که حضرت زهرا (علیها السلام) که باید الگوی زنان خداپرست و مسلمان باشد، برای خود حجاب برتر را برگزیند، و سفارش میکرد که حتماً مسلمانان در لباس، در مسکن، در رفت و آمد و زندگی و تقسیم کار و... آن را رعایت کنند. (۸۹)

زن در اجتماع

چگونگی وضع ظاهری خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) یکی از اموری که بعضی برای وسعت دادن به اختلاط زن و مرد،

به آن تمسک میکنند موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی است، موضوع خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) در مسجدالنبی در برابر مردان است، در صورتیکه با تشریح چگونگی ورود حضرت زهرا (علیها السلام) و خطبه خواندن او به روشنی به دست می‌آید که این ماجرا هیچ گونه دلالتی بر اختلاط یا بی تناسبی آن با حریم حجاب و عفاف ندارد، بلکه بیانگر آن است که باید حتی در موارد ضرورت خطبه خواندن حضرت زهرا (علیها السلام) برای تبیین امامت حق، باید حریم عفاف را کاملاً حفظ نمود، اینک در اینجا نظر شما را به ذکر متنی که بیانگر ورود حضرت (علیها السلام) به مسجد و خطبه خواندن اوست، و سپس به شرح کوتاه آن، جلب میکنیم: عبدالله بن حسن (نوه امام حسن مجتبی (ع) از پدران خود نقل میکند، هنگامیکه ابوبکر و عمر به اتفاق هم، فدک را غصب کردند و این خبر به حضرت زهرا (علیها السلام) رسید در این هنگام: حضرت زهرا (علیها السلام) روسری خود را بر سرش پیچید و عبای خود را که (روپوشی مانند چادر بود) بر سر نمود و همراه گروهی از همفکران و یاران و زنان خویشاوند به سوی مسجد حرکت کرد، آن حضرت در حال راه رفتن بر اثر شتاب یا بلندی لباس به قسمت پایین لباسش، پا میگذاشت (یعنی قسمت پائین پیراهن بلند یا چادرشان، زیر پایش قرار میگرفت) راه رفتن او در (متانت و وقار) از راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هیچ کم نداشت و همانند او بود، تا اینکه آن حضرت بر ابوبکر وارد شد، در حالیکه ابوبکر در میان گروه بسیاری از مهاجر و انصار و سایر مسلمانان قرار گرفته بود، در این هنگام میان آن حضرت و مردم پرده ای نصب شد. حضرت زهرا (علیها السلام) نشست، سپس ناله جانسوزی نمود که بر اثر آن صدای همه حاضران به گریه بلند شد، به گونه ای که گویی از صدای گریه، مسجد به لرزه در آمد، سپس حضرت زهرا (علیها السلام) اندکی سکوت کرد، تا مردم آرام شدند، و جوش و خروششان بر اثر گریه، فرو نشست، آنگاه خطبه را شروع کرد. (۹۰)

اعتراض شدید زینب سلام الله علیها به یزید

در ماجرای اسارت زینب (علیها السلام) زنان خاندان رسالت و همراهان پس از حادثه خونین عاشورا، زنان خاندان رسالت و همراهان را به گونه ای وارد دمشق کردند که به آنها هتک حرمت شد، به طوری که روپوش آنها را غارت کردند. هنگامیکه زینب و همراهان را به مجلس یزید وارد کردند، حضرت زینب (علیها السلام) در همانجا سخنرانی شدیدی بر ضد روشهای ظالمانه یزید و یزیدیان نمود، از جمله بر سر یزید فریاد زد و فرمود: آیا این عدالت است که زنان و کنیزان خود را در پشت پرده بنشانی، ولی دختران رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را به صورت اسیر حرکت دهی، حریم پوشش زنان ما را بشکنی و نقاب از چهره آنها برداری. سپس فرمود: سوگند به خدا جز پوست خودت را نکنده ای و گوشت خودت را پاره پاره نکرده ای، حتماً تورا در (قیامت) نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم ببرند، با بار سنگین گناه، گناه ریختن خون اهل بیت آن حضرت، و هتک حرمت (حجاب) آنها، آنگاه حق ما از تو گرفته خواهد شد، و در آنجا عزت ما و ذلت خود را خواهی دید. این فراز بیانگر آن است که خاندان رسالت در مورد، قداست حریم حجاب بسیار حساس بودند، به طوریکه هتک آن را در کنار گناه بزرگ ریختن خونشان، عنوان یک گناه بزرگ میشمردند، و با ذکر آن به سلطان ستمگر وقت، اعتراض مینمودند. (۹۱)

شهادت آیت الله آقا زاده در راه

مبارزه با بی حجابی شهید آیت الله میرزا محمد خراسانی مشهور به آقا زاده فرزند آخوند آیت الله شیخ کاظم خراسانی صاحب کتاب کفایة الاصول است، وی در نیمه شعبان ۱۲۹۴ ه ق در نجف اشرف به دنیا آمد، و پس از رشد علمی و دریافت درجه اجتهاد، در سال ۱۳۲۵ ه ق (یک سال بعد از رویداد مشروطیت) به مشهد هجرت نمود، و در آنجا سکونت نموده علاوه بر تدریس و تربیت شاگرد، در امور سیاسی دخالت میکرد، و تا سر حد جهاد و تبعید و زندان، با هر گونه فساد مبارزه مینمود. هنگامیکه رضاخان

کشف حجاب اجباری را به اجرا گذاشت، مرحوم آیه الله آقا زاده همراه علمای دیگر، اعتراض شدید خود را اعلام نمود. علمای برجسته مشهد مانند: آیت الله العظمی حاج آقا حسین قمی، آیت الله حاج شیخ محمد آقا زاده، آیت الله شیخ هاشم قزوینی، آیت الله سید عبدالله شیرازی، آیت الله سید علی اکبر خویی، آیت الله شیخ غلامحسین قزوینی، آیت الله سید علی سیستانی و... در بیت آیت الله العظمی سید یونس اردبیلی (ره) اجتماع کردند و اعتراض خود را طی تلگرافی به رضاخان، ابلاغ نمودند، این تلگراف، با امضای ۳۱ نفر از علمای برجسته مشهد، مزین شده بود. پس از کشتار فجیع مسجد گوهر شاد به دست مزدوران رضاخانی، چون رژیم پهلوی احتمال قیام عمومی را میداد، همه علمای مبارز را دستگیر کرده و از مشهد تبعید نمود. از جمله تبعیدشدگان به تهران سه نفر از مراجع برجسته بودند که عبارتند از: آیت الله حاج آقا حسین قمی، آیت الله سیدیونس اردبیلی و آیت الله شیخ محمد آقا زاده. مرحوم آیت الله آقا زاده وقتی به تهران رسید، به دستور رضاخان خلع لباس شد، و در دوره سرپاس مختاری (رئیس شهربانی وقت) با تزریق آمپول هوا به دست دکتر احمدی به شهادت رسید، و در روز ۳۱ ذیقعده سال ۱۳۵۶ در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم علیه السلام به خاک سپرده شد. آری او در حالیکه بیش از ۶۲ بهار از عمر پر بار و شریفش نگذشته بود، به خاطر مبارزه با کشف حجاب، جان خود را فدا کرد تا امت اسلام بیدار گردند، و دستور حجاب را پاس دارند، و در برابر بی حجابی، مقاومت نموده و حریم حجاب و عفاف را از گزند دشمنان و غرب زدگان، و مزدوران استعمار حفظ نمایند. (۹۲)

چند فراز از گفتار شهید مطهری پیرامون حجاب

استاد شهید، علامه مرتضی مطهری در ضمن بیان تشریح فلسفه حجاب، و بیان چهار اصل به عنوان شاخصه های فلسفه حجاب که عبارتند از: ۱- آرامش روانی. ۲- استحکام پیوند خانوادگی. ۳- استواری اجتماع. ۴- ارزش و احترام زن، مینویسد: حجاب در اسلام از یک مساله کلی تر و اساسی تری ریشه میگیرد، و آن این است که اسلام میخواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی، اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جوئیهای جنسی به هم میآمیزد، اسلام میخواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند وظیفه پوشش که اسلام، برای زنان مقرر کرده است، به این معنی نیست که آنها از خانه بیرون نروند، زندانی کردن و حبس زن در اسلام، مطرح نیست... پوشش زن در اسلام، این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند، و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد، آیات مربوطه همین معنی را ذکر میکنند، و فتوای فقهاء هم مؤید همین مطلب است. از نظر استعمار گران اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غربی خواهد بود، و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از انحطاط اخلاق جوانان، و ضعف اراده آنان، و ایجاد رکورد در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب، انجام خواهد داد. به عقیده ما برای آرامش غریزه جنسی، دو چیز لازم است: ۱- ارضاء غریزه جنسی در حد نیاز طبیعی (با ازدواج). ۲- جلوگیری از تهییج و تحریک آن (با پوشش). (۹۳)

عوامل بی حجابی یا بدحجابی

از مطالب گذشته و بررسی ریشه ها و زمینه ها چنین نتیجه میگیریم که عوامل بدحجابی را باید در امور ده گانه زیر خلاصه کرد: ۱- هجوم فرهنگ غرب، و تلاش استعمار برای نابودی حجاب. ۲- اعتقاد به آزادی غلط، و ناآگاهی از آزادی صحیح و معقول. ۳- اعتقاد به دست و پاگیر بودن حجاب برای کار و تلاش. ۴- پیروی از هوسهای نفسانی و خوشگذرانی بدون قید و بند. ۵- دگرگونی ارزشها، و اعتقاد کاذب به اینکه شخصیت زن در این است که زیباییهایش آشکار باشد، که چنین حالتی بر اثر آگاهی یا

عقدہ های درونی، و تربیت های ناصحیح است که موجب کمبودهای عاطفی شده، و زن را برای جبران آن به شیوه های غیر طبیعی و ناهنجار سوق می‌دهد، از جمله او را به بی حجابی و یا بدحجابی میکشاند. ۶- الگوهای دروغین، عامل دیگری برای بی حجابی و بدحجابی است، با توجه به اینکه انسان به طور فطری، الگوپذیر و الگو گزین است. اگر در این راستا، هدایت صحیح، او را راهنمایی نکند چه بسا با گزینش الگوهای غربی و غرب زده، و به بی حجابی و بدحجابی کشانده شود. ۷- تقلید کورکورانه و بدون دلیل که از جهل و عدم اعتماد به نفس و کمبود نشأت گرفته و انسانها را از راه راست منحرف می‌سازد. ۸- جایگزینی فرهنگهای بیگانه، و دور شدن از فرهنگ اصیل اسلام. ۹- بی محتوایی، و عدم استقلال فکری و ضعف تجربه و تحلیلهای عقلی و منطقی یکی از عوامل دیگر رو آوردن به ناهنجاریها از جمله ناهنجاری بی حجابی و بدحجابی است. ۱۰- سستی و سهل انگاری، و زندگی بیمار گونه همچون زندگی معتادان که معلول ضعف اراده است، قطعاً ضعف اراده از عوامل مهم انحرافات و کج اندیشی ها و کج روشی خواهد شد. (۹۴)

رضاخان مامور کشف حجاب

قبل از انقلاب اسلامی ایران، بی حجابی و برهنگی در ایران آنچنان توسعه یافته بود که در تهران و بعضی از شهرها بین پسر و دختر تشخیص داده نمی شد، و موجب مفساد بسیار شده بود و روز به روز بر دامنه فساد و انحراف جنسی میافزود، رژیم منهوس پهلوی، بی حجابی را به عنوان تمدن و رشد فرهنگی، عنوان میکرد، و با انواع ترفندها از آن ترویج مینمود، برای اینکه نسل جوان ما که در آن عصر نبودند، دورنمایی از آن عصر و وضع خاندان پهلوی را در رابطه با حجاب دریافت نمایند، دو داستان زیر را بخوانید تا بیشتر قدردان جمهوری اسلامی ایران باشید. (۹۵) در آن زمان که رضاخان سلطنت میکرد به روشنی معلوم بود که از طرف انگلیس، به نام تمدن، مامور کشف حجاب است، لذا او خود پیشتاز این گناه بزرگ شد، به عنوان نمونه مینویسند: در عید نوروز سال ۱۳۶۰ ه ش برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۴۶ ه ق) رضاخان همسر و دو دخترش به نامهای شمش و اشرف را بدون حجاب به قم فرستاد، این سه زن بی حجاب میخواستند با همان وضع برای به اصطلاح زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) وارد حرم گردند، مردم قم و زائران اجتماع کردند و بر اثر خطابه سیدناظم واعظ احساس مسئولیت کرده و تنفر خود را از ورود این سه زن با سربرهنه به حرم مطهر اعلام نمودند. در این میان، عالم مجاهد حضرت آیه الله محمد تقی بافقی که از علمای نزدیک به مرجع آن عصر آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری بود، از حادثه اطلاع یافت و برای سه زن نامبرده چنین پیام داد: اگر شما مسلمان هستید مسلمان نباید با این وضع در این مکان مقدس حاضر شود، و اگر مسلمان نیستید باز حق ندارید، (زیرا کافر نباید وارد حرم گردد). خانواده رضاخان به این پیام گوش نکردند، آیت الله بافقی شخصا به حرم آمد و به آنها اخطار شدید کرد و مردم را برای جلوگیری از ورود آنها با سر برهنه فراخواند، همین موضوع از طریق شهربانی به رضاخان گزارش شد، رضاخان شخصا با یک واحد نظامی خود را به قم رسانید، و خانواده خود را از دست مردم نجات داد و با کمال گستاخی، با چکمه وارد صحن مطهر گردید و آیت الله بافقی (ره) را مورد ضرب و شتم قرار داد، سپس به دستور او، دژخیمان آن عالم ربّانی را به زمین خواباندند و شاه با عصای ضخیم بر پشت او میزد و او با فریاد میگفت: ای امام زمان! به فریاد برس. سپس آیت الله بافقی را به جرم مبارزه بابی حجابی، مدّتی زندانی کردند و بعد از آن او را به شهر ری تبعید نمودند، او در آنجا به عبادت اشتغال داشت تا از دنیا رفت، سپس جنازه مطهرش را به قم آوردند و در مسجد بالاسر حرم، به خاک سپردند. (۹۶)

زن بی حجاب

چه قدر ارزشمند است محل نشستن و سوار شدن زنان و مردان در اتوبوسهای شرکت واحد، در اکثر نقاط ایران، جدا گشت، و در

آن حریم حجاب رعایت شده است و.. این وضع زیبا را با وضع رژیم شاهنشاهی مقایسه کنید که دوستی میگفت: در اتوبوس شرکت واحد سوار بودم، دو نفر جوان جلف کنارم نشسته بودند، دختری آرایش کرده و بی حجاب وارد اتوبوس شد، آن دو جوان حریصانه به او نگریستند یکی به دیگری گفت: بنویس! این دختر از نظر قد و قامت، نمره اش ۲۰ است، دیگری گفت: بنویس! در مورد بینی نمره اش ۱۸ است و... دختر سخنان آنها را شنید و با تندی به آنها گفت: بروید گم شوید، مرده شور ریختن را ببرد، یکی از آنها بی درنگ گفت: بنویس از نظر اخلاق نمره اش صفر است. آیا براستی به نظر شما مقصّر چه کسی بود؟ اگر عمیق فکر کنید و با انصاف باشید خواهید گفت: مقصّر آن دختر و یا آن بانو بود که با آن وضع ظاهر شده بود. (۹۷)

علت شکست سپاه موسی علیه السلام

حضرت موسی علیه السلام با تلاشهای پی گیر خود به تدریج بر ستمگران پیروز شد و پرچم توحید و عدالت را در نقاط زمین به اهتزاز آورد، او برای توسعه خدا پرستی و عدالت همواره میکوشید، در آن عصر شهر انطاکیه (که فعلاً در ترکیه واقع شده) شهر با سابقه و پر جمعیتی بود ولی ساکنان آن همراه در تحت حکومت خود کامگی ستمگران به سر میبردند و از نظرات گوناگون در فشار قرار داشتند. موسی برای نجات ملت انطاکیه راهی جز سر کوبی ستمگران و فتح آن شهر و حومه نمی دید، برای اجرای این امر سپاهی به فرماندهی یوشع و کالب تشکیل داد و آن سپاه را به سوی انطاکیه رهسپار کرد. عده ای از مردم نادان و از همه جا بی خبر و اغفال شده انطاکیه گرد عابد خود بلعم با عور که اسم اعظم را میدانست جمع شده از او خواستند تا درباره حضرت موسی علیه السلام و سپاهش نفرین کند، بلعم در ابتدا این پیشنهاد را رد کرد، ولی بعد بر اثر هواپرستی و جاه طلبی جواب مثبت به آنها داد، سوار بر الاغ خود شد تا به سر کوهی که سپاه حضرت موسی علیه السلام از بالای آن پیدا بودند برود و در آنجا در مورد حضرت موسی علیه السلام و سپاهش نفرین کند، در راه الاغش از حرکت ایستاد، هر چه کرد الاغ به پیش رفت حتی آنقدر با ضربات تازیانه اش آن را زد که کشته شد، سپس آنرا رها کرد و پیاده به بالای کوه رفت، ولی در آنجا هر چه فکر کرد تا اسم اعظم را به زبان آورد و نفرین کند به یادش نیامد و خلاصه چون به نفع دشمن و به زیان حق و عدالت گام برمی داشت شایستگی استجاب دعا در موردش از او گرفته شد و با کمال سرافکنندگی برگشت. او که تیرش به هدف نرسیده بود و به طور کلی از دین و ایمان سرخورده شده بود، دیگر همه چیز را نادیده گرفت و سخت مغلوب هوسهای نفسانی خود گشت از آنجا که دانشمند بود، برای سرکوبی سپاه حضرت موسی علیه السلام راه عجیبی را به مردم انطاکیه پیشنهاد کرد، که همواره برای شکست هر ملتی، استعمارگران از همین راه استفاده میکنند، آن راه و پیشنهاد، این بود. مرد انطاکیه از راه اشاعه فحشاء و انحراف جنسی و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل گردند، دختران و زنان زیبا چهره و خوش اندام را با وسایل آرایش بیاریند و آنها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سپاه حضرت موسی علیه السلام میکنند و سفارش کرد که هر گاه کسی از سربازان سپاه حضرت موسی علیه السلام خواست قصد سوء با آن دختران و زنها کند مانع او نشوند. آنها همین کار را انجام دادند طولی نکشید که سپاه حضرت موسی علیه السلام با نگاههای هوس آلود خود که به پیکر سفیر عریان زنان آرایش کردند و کم کم در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند، سپس کار رسوایی به اینجا کشید که: رئیس یک قسمت از سپاه حضرت موسی علیه السلام زنی را به حضور حضرت موسی علیه السلام آورد و گفت: خیال میکنم نظر شما این است که هم بستر شدن با این زن حرام است، به خدا سوگند هرگز دستور تو را اجرا نخواهم ساخت، آن زن را به خیمه برد و با او آمیزش نمود. کم کم بر اثر شهوت پرستی، اراده ها سست شد، بیماریهای مقاربتی و طاعون زیاد گردید، لشکر حضرت موسی علیه السلام از هم پاشید تا آنجا که نوشته اند بیست هزار نفر از سپاه حضرت موسی علیه السلام به خاک سیاه افتادند و با وضع ننگینی سقوط کردند، روشن است که با رخ دادن چنین وضعی، شکست و بیچارگی حتمی است. این داستان یک واقعت تاریخی است، به خوبی بیانگر یکی از فلسفه های پوشش،

برای زنان است. خدا را شکر که در پرتو جمهوری اسلامی، در کشور ایران، از بی‌حجابی و سبکسری‌ها جلوگیری شد، امید آنکه با هوشیاری بیشتر، از بدحجابی و ورود فرهنگ ننگین غرب، نیز پاکسازی گردد و جامعه سالم بماند. (۹۸)

حقیقت زن

چنانچه زن مایه مباهات است، حجاب سند شخصیت زن است نه وسیله عقب ماندن او در اجتماع، حجاب حریم مقدس و قلعه آرامش زن است، رسم است که هر چیز با ارزش را پنهان دارند تا از دستبرد نااهلان مصون باشد. ای زن، تو نیز با حجاب باش تا اسرار وجودیت، از ارزش نیفتد. حجاب پوشش جسم تو است. چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آن را برای تو به ارمغان آورد، تا با استفاده از آن به امنیت برسی و باوقار آزادی در جامعه ظاهر شوی و جذابیت وجودت باعث نشود که میکروبها و انگلهای جامعه حقیقت وجود تو را تهدید نموده و آن را به فساد و تباهی بکشاند. حجاب صدف است و گوهری گرانبها، با حجاب شدن به نمایش گذاشتن شخصیت واقعی زن و محدود کردن جسم و آزاد گذاشتن روح و عقل است و بی‌حجابی یعنی پنهان شدن حقیقت زن و در پوشش جاذبه جنسی و بدحجاب میکروب جامعه است که بر روح و افکار افراد رسوخ میکند و آن را مشوش میکند. حجاب به عنوان سرمایه عظیمی برای زن است، این نقش مهم را ایفا میکند، پرده سیاهی بر چشم هوسبازان کشیده و به او اجازه نمیدهد سرمایه‌های وجود خویش را در کانون گرم خانواده متمرکز نموده و با عرض استوار و خلل ناپذیر اولین هسته اجتماعی را پی ریزی کند. اگر خداوند متعال حجاب را بر زن واجب کرد، چون زن یک موجود زینتی و ظریفی است و میخواست با این حجاب زن را یک موجود محترم بداند نه اینکه فقط وسیله‌ای باشد برای دفع شهوت مرد. (۹۹)

هتاک و خشونت برای مبارزه حجاب

در خاطرات صدرالاشرف آمده است: در اتوبوس زن با حجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبانه‌ها از اهانت و کتک زدن به زنانی که چادر داشتند با نهایت بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نبودند. حتی بعضی از مامورین به خصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سرانداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده پاره پاره میکردند و اگر زن فرار میکرد او را تا توی خانه اش تعقیب میکردند، و به این اکتفا نکرده، اتاق زنها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل میدیدند، پاره پاره میکردند یا به غنیمت میبردند. محمدرضاشاه راجع به کشف حجاب در کتاب ماموریت برای وطنم اشاره دارد، میگوید: اقداماتی که پدرم برای ترقی و پیشرفت معنوی بانوان به عمل آورد، طبعاً با مخالفت‌هایی مواجه میگردید، ولی با آن شهامت و دوراندیشی فطری که داشت موانع را از پیش برداشته و راه را هموار میساخت چنانکه مثلاً در سال ۱۳۰۷ که مادرم به زیات عتبه منوره (حضرت معصومه (علیها السلام) به قم مشرف شده بود، با وجود آنکه خود و همراهانش در نقاب بودند، ولی باز چون چادرشان کمی کوتاه بود، از طرف بعضی از متعصبین جاهل مورد طعن و توهین قرار گرفتند. به مجردی که این خبر به تهران رسید، پدرم با چند کامیون سرباز به آن شهر رفت و عامل آن اهانت را شخصاً تنبیه فرمود... پدرم در آغاز به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریص وی در سال ۱۳۰۹ نخستین بار بعضی از بانوان طبقه اول در خانه‌های خود و مجالس مهمانی به لباس اروپایی در آمدند وعده کمی هم جرات کرده، بدون حجاب در خیابانها ظاهر میشدند. در سال ۱۳۱۳ آموزگاران و دختران دانش آموز، با داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمی‌رفتند. بالاخره در سال ۱۳۱۴ روز هفدهم دی پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادرم و خواهرم خواست که بدون حجاب همراه وی در یکی از جشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند. جشن مزبور به مناسبت اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانش سرا فارغ التحصیل شده بودند، برگزار میشد و موقع بسیار مناسبی برای این تصمیم عمومی بود. تا آنجائیکه اطلاع دارم این اولین باری بود

که در تاریخ جدید ایران بانوان بدون حجاب در مراسم رسمی عمومی شرکت می‌جستند و پرواضح است که موقعیت در این آزمایش بزرگ مرهون ابتکار پدرم و تا درجه ای مدیون شجاعت مادر و خواهرانم بود که در برابر رسوم کهنه و مورد حمایت اکثریت مردم از جمله بسیاری از روحانیون بزرگ و رجال کشور بود، قیام کنند. اما رضاشاه میدانست که بسیاری از مردم ترقی خواه کشور و روحانیون دانشمند و کسانی که در خارج یا در تهران در مدارس خارجی تحصیل کرده بودند، طرفدار تصمیم عاقلانه او هستند. اقدام رضاشاه موفقیت کامل یافت و متعاقب آن پدرم دستور منع حجاب را صادر کرد. به موجب این دستور هیچ زن و یا دوشیزه ای حق پوشیدن چادر و نقاب نداشت و اگر زنی با روبند و چادر در کوچه پیدا میشد، پاسبان از وی تقاضا میکرد که روبند خود را بردارد، و اگر امتناع میکرد اجبارا او را برمی داشتند. سرانجام با اعلام رسمی کشف حجاب زنان از طرف رضاخان در سالهای قبل و بعد از ۱۳۱۴ جامعه ما با دو گروه مواجه بود دسته ای که فرهنگ غربی را پذیرفته بودند و به دنبال آن به خاطر آزادی و تساوی حقوق تغییر لباس را نیز پذیرفتند. و گروهی دوم این تغییر لباس را قبول نکردند و دقیقا آنها بودند که آن فرهنگ را پذیرفته بودند و گول آن به اصطلاح ترقی و آزادی و تساوی حقوق صد البته به اصطلاح غربی را نخورده بودند و همانهایی بودند که در برابر آن همه زور و قلدری مقاومت کردند. مساله به ظاهر خیلی ساده بود، رضاخان میخواست زنان را از چادر بیرون آورد و آنان را وارد دنیای پرنور و مدرن کند، ولی اکثریت عظیم این مردم در برابر این پیشنهاد ساده، تا سر حد جان مقاومت کردند و حتی حاضر شدند جان خود را فدا کنند و کفن بپوشند اما لباس غربی نپوشند. راستی که دفاع زنان ما از لباس و حجابشان در قضیه کشف حجاب رضاخانی، یک حماسه غرورانگیز در تاریخ ملت ماست. (۱۰۰)

چادر سیاه سرگرفتن زنها از چه زمانی آغاز شد

در تفسیر ابن کثیر آمده: امّ سلمه روایت کرده، وقتی که آیه فوق نازل شد، زنان طایفه انصار جامه های پشمی سیاه به سر میکردند، و در سیاهی مانند زاغها بودند، و با همین وضع از کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عبور میکردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد به آنها اعتراض نکرد، و همین دلیل تقریر و امضاء آن حضرت است، و تقریر او مانند قول او حجت میباشد. (۱۰۱)

انهدام خانواده

در یکی از خانواده های محترم، زنی زیبا و خوش اخلاق زندگی میکرد، او با شوهر و چهار فرزندش با وجودیکه شوهرش چندین سال از او بزرگتر بود. در یک جوّ پر مهر و محبت و با تفاهم کامل روزگار را سپری میکردند. نزدیک خانه ایشان کاسب خبیثی بود که همیشه به زیبایی آن زن (که بی حجاب بود) چشم دوخته و در او طمع میکرد، کم کم با کلمات و نغمه های عاشقانه ای او را فریب داد و به او گفت: تو زنی زیبا و کم سن هستی، چگونه به زندگی با اینمرد بزرگسال تن میدهی! و پیوسته در گوش او زمزمه میکرد... تا اینکه شوهر آن زن تحت فشار همسر فریب خورده اش مجبور شد طلاقش دهد تا با آن مرد جوان کاسب ازدواج کند، به این ترتیب (بی حجابی) کانون گرم خانواده ای را منهدم، میان دو همسر جدایی و بالاخره: فرزندان آنها را ضایع و آواره ساخت. (۱۰۲) و همه بلاها بر اثر بی حجابی بود. اگر این زن حجابش را در دست میگرفت چشم دزدان ناموس به او نمی خورد و زندگی شیرین منهدم نمی گشت.

جنایتهای خاندان پهلوی

پهلوی اول دستور داد هر رئیس صنفی باید هم صنفان خود را در روز معینی همراه با زنانشان و بدون حجاب در محلّی جمع نماید.

روز اول از خود شاه و زن بی حجابش شروع شد، روز بعد از وزراء و خانواده هایش و روز سوم و کلا... و به همین ترتیب تا یک روز هم نوبت به اهل علم و خانواده هایشان رسید. این برنامه ریزی برای آن بود که اهل علم را مجبور به چنین عملی بکنند و در نتیجه بی حجابی رواج پیدا کند. شاه از امام جمعه خواست این کار را ترتیب دهد، امام جمعه آن وقت از شاه مهلت خواست چون میدانست گوش ندادن به حرف شاه چه عاقبت سختی را به دنبال دارد. امام جمعه به نزد مرحوم آیت الله سید محمد بهبهانی (قدس سره) آمده جریان را به عرض ایشان رسانید ایشان فرمود: این را بدانید برای هر انسانی چهار چیز است. یکی مال، دیگری زندگی، سوم ناموس، چهارم دین حال اگر بنا باشد یکی از این فدای دیگری بشود، باید مال را فدای زندگی، زندگی را فدای عرض و تمام را فدای دین کرد. بعد مرحوم آیت الله به امام جمعه فرمود: شما عمر خود را نموده اید و از عمرت چندی بیش باقی نمانده چه بهتر که دستور را عملی نکنی، زیرا اگر به دستور شاه عمل کردی خودت را به عذاب ابدی گرفتار خواهی نمود. اضافه بر این تاریخ هم ترا لعن میکنند، اما اگر کشته شوی سعادت دنیا و آخرت را برای خود کسب نموده ای پس از آن شاه امام جمعه را برای گرفتن جواب طلبید، امام جمعه همان جوابی را به شاه داد که آن مرحوم فرموده بود. پهلوی از سخن او بسیار خشمگین شده گفت: این سخن او نیست بلکه سخن سید محمد بهبهانی است و به ناچار آن عالم را رها ساخت و خداوند هم آنها را از شر پهلوی نجات داد و به عزت دنیا و آخرت نائل گشته رحمت خدا بر آنان باد. حقانیت حجاب (۱۰۳) حجاب، مانند فانوس است و زن شبیه به شمع است و حیا و عفت او همانند نور شمع، یعنی زن عقیف همچون شمع روشن است و زنی که عفت خود را از دست داده و بی حیا شده چون شمع خاموش است. در قدیم فانوس یک ظرفی بود مسی و یک پارچه شمعی که نور پس میداد، در اطرافش بود، شمع را داخل آن میگذاشتند و بعد روشن میکردند حال اگر باد میوزید این شمع خاموش نمی شد. اما اگر شمعی بیرون بود، همین که نسیمی میوزید، خاموش میشد: زن شمع و این حجاب چون فانوس است روشنی همیشه شمع به فانوس است. شمع اگر بخواهد روشن بماند، باید در این فانوس باشد و این فانوس برای حفظ نور و روشنایی اوست و زندان نیست. (۱۰۴)

پر طاووس

طاووس تا وقتی که پر دارد زیبا و قشنگ است اگر پر طاووس را از او بگیری و عریان بشود، چقدر زیبایی خود را از دست میدهد. در حقیقت حجاب برای زن همانند پر برای طاووس است. (۱۰۵) پوشش برای شیر زن آگاه چون پر بود که زینت طاووس است چون پر بود که زینت طاووس است

ارزش چادر

می دانید چادر یعنی چه در خانه شما چقدر ارزش دارد؟ بگو ۱۰۰ هزار تومان حال اگر این در کنده بشود و یک شب بی در باشی، چقدر ضرر دارد؟ چادر یعنی در خانه. ۱۰۰ هزار تومان میدهد، یک میلیون تومان حفظ کند. دور خانه هایتان سیم و میله میزنید، یعنی چند هزار تومان خرج میکنید، اما صد برابرش را حفظ میکنید، خارجی ها چادر ندارند پس خانه شان هم در ندارد البته دیوار هم ندارد. هر که خواهد گویا و هر که خواهد گو برو. شما دیده بودید که در آبادان، انگلیسی ها آمده بودند آنجا خانه ساخته بودند. آنجا دیوار نکشیده بودند، گفتند: چرا نمی کشید؟ گفتند با دیوار فضای خانه گرفته میشود. باید خانه باز و دلپاز باشد و همه خانه ها میشود یک خانه. حال بیا و همه خانه ها را نگاه کن. زنها از خانه بیرون میآمدند، اما در معرض دید همه مردم، آبادانیها که این طور نبودند، انگلیسی ها این ارمغان را برای ایشان آوردند. و الا اینها از غیورترین و جدی ترین مردم بودند. اما مدتی با اینها معاشرت کردند و عوض شدند. الان هم دارند زنده میشوند و خودشان را دارند حفظ میکنند و گذشته را جبران میکنند چه شهیدهای خوبی اینها در انقلاب دادند و چه صبر خوبی در دوران مهاجرت انجام دادند اما این غم فسادی که اینها خوردند از

معاشرت با انگلیسی ها بود. شما میدیدید خانواده هایی که وضع خوبی داشتند، رفتند اروپا و برگشتند و بی غیریت شدند. (۱۰۶)

بخشنامه ضد حجاب

وزیر آموزش و پرورش رژیم گذشته منوچهر گنجی به دستور مسئولان رژیم بخشنامه زیر را برای اجراء به سراسر کشور صادر کرد (۲۳/۸/۲۵۳۵) (شمسی) شماره ۲۴۳/۳۶ از دفتر خدمات محرمانه) اداره کل آموزش و پرورش طبق گزارشات رسیده، مشاهده میشود هنوز در جلسات امتحانات مدارس و در کلاسهای درس دوشیزگان با چادر حضور پیدا میکنند و با توجه به تحولات بنیادی که در عصر رستاخیز در کلیه شئون کشور بخصوص در زمینه آزادی زنان بعمل آمده اند لذا استفاده از چادر صرف نظر از اینکه با روح انقلاب سفید ایران سازگاری ندارد، از نشانه های عقب ماندگی زنان از کاروان ترقی و تمدن نیز به شمار میرود. دستور فرمائید مراقبتهای لازم به عمل آید که در کلاسهای درس و جلسات امتحانی دانش آموزان و بانوان بدون چادر و با لباس مناسب شرکت نمایند. مدیر کل و رؤسای ادارات آموزشی و پرورشی مسئول اجراء این دستور میباشند وصول بخشنامه و نتیجه اقدامات محوله را به دفتر حفاظت اعلام دارید. وزیر آموزش و پرورش منوچهر گنجی لازم به تذکر است که منوچهر گنجی از عناصر فراری رژیم گذشته و از ضد انقلابیون مقیم خارج کشور است که اسناد ارتباطش با سیا و اخبار دریافت کمک وی از آمریکا در سالهای گذشته منتشر شده است (ماهنامه صبح سال دوم شماره ۶۶ ص ۶۲ عین بخشنامه را گردآوری کرده است. بخشنامه یادشده دو سال قبل از انقلاب صادر شده است و ملاحظه میکنید که اگر انقلاب نشده بود رژیم منحوس چه فاجعه ای بوجود میآورد. چنانکه در سال ۱۳۵۵ نیز تصویب کردند که ضمن تعلیمات اجباری ورود بانوان، دانشجویان و دانش آموزان دختر باحجاب به مراکز آموزشی ممنوع است، سوار کردن افراد با حجاب به قطار، هواپیما و ماشین های شرکت واحد ممنوع میباشد و بلیط به آنها فروخته نمی شود فقط بانوان ۶۰ سال به بالا-مشتنی هستند و نگارنده خود قبل از انقلاب در یکی از شهرهای غرب کشور شاهد بودم که زنان بی حجاب را آنهم با وضع بسیار زننده ای در مدارس راهنمایی پسرانه بعنوان معلمین دینی منصوب کرده بودند و بارها میدیدم که معلمین بی حجاب آرایش کرده در خیابانها راه افتاده و دانش آموزان را که همانند عروسک آنها را درست کرده بودند بدنبال خود میگردانیدند. خدا را شکر میکنیم که با این انقلاب اسلامی ملت ما بخصوص زنان و جوانان از آثار خانمانسوز نقشه های بیگانگان در امان ماندند و الحمدلله. (۱۰۷)

ارزشهای گرانقدر حجاب

زن با حجاب و چادری، رضایت پروردگار را به دست میآورد. زن بد حجاب و بی حجاب سبب خشنودی شیطان میشود. حجاب مواظبت از گل میباشد. جمال زن در جلال حجاب است. زن با حجاب، نزد شوهر محبوبتر است. حجاب باعث آرامش روح است. حجاب نشانه عدم کمبود و عدم حقارت نفس است. حجاب، باعث دوام بیشتر زندگی میشود. اضطراب در زنان با حجاب، نسبت به بد حجابها کمتر است. حجاب مصونیت است، نه محدودیت. حجاب و چادر، نشانه عفاف زن است. دختر با حجاب، زودتر همسر مییابد. حجاب، ارزش زن را بالا-میرد. حجاب، یعنی، گسستن قیود اسارت نفس و رهایی از آن است. فساد و سقط جنین در با حجابها کمتر است. زن با حجاب، مردان هرزه را در اهدافشان نا امید میکند. حجاب نشان دهنده حیا و پاکی روح و روان زن است. زن با حجاب، در تحصیل علم موفقتر است. حجاب و تقوا، آدمی را بهشتی میکند. حجاب، مانع ایجاد فرزندان نامشروع میشود. حجاب، نشان دهنده استقلال در فرهنگ مذهبی و ملی است. چادر مشکی زن و حجاب او، تیر زهر آلودی بر قلب شیطان بزرگ است. حجاب، خطرات اوباش و اراذل را از زن دور میکند. طلاق و فروپاشی زندگی در زنان با تقوا و با حجاب کمتر است. زن محجبه، باعث عزت و سرافرازی خود و شوهرش است. محجبه بودن، یعنی، خروج از ولایت شیطان و دخول در ولایت الله است.

زن با حجابش، دشمنان را در اهدافشان که همان ضربه به اسلام است، شکست میدهد. زن باحجابش، روح شهدا را شاد میکند و به جرگه پیروان واقعی شهدا میبنداند. زن باحجاب، حق شوهر را ضایع نمی کند و به او خیانت نمی ورزد. چادر مشکی، باعث غمگینی شیاطین و هرزگان و روشنی دل مؤمنان است. حجاب زن، نشانه غیرت پدر، برادر و شوهرش است. حجاب، مبین ایمان و اعتقاد زن به خداوند سبحان و روز قیامت است. حجاب، بیانگر شخصیت حقیقی زن است، در حالی که بد حجاب اصالت و هویت خود را از دست میدهد. زن چادری و با حجاب، مطیع خداست و زن بد حجاب، مطیع شیاطین است. زن محجب، شیطان را (در عمل خود که همان فساد و انحراف است) نا امید میکند. زن با حجاب، باحجابش به قرآن شریف و ائمه (علیهم السلام) و خون شهدا و... احترام میگذارد، ولی بد حجاب به همه اینها کج دهنی میکند. دختران و زنان با حجاب، از لحاظ روحی و اخلاقی سالمترند، در حالی که بد حجاب و بی حجاب با ناز و عشوه... میخواهد نقایص خود را جبران کند. زن با حجاب، با پوشش خود، آرایش و زینت را به شوهرش اختصاص میدهد، ولی بد حجاب با عشوه و آرایش خود، میخواهد محبوب همه باشد، نه شوهر خویش. زن باحجاب، همچون مروارید است در صدف که به شوهرش اختصاص دارد، ولی زن بد حجاب، مانند جواهرات بدلی بدون پوشش هستند که در هر جا به چشم میخورند. زن با حجاب، نخستین عشق و گوهر عفت خود را به شوهرش تقدیم میدارد، ولی زن بی حجاب و بی تقوا، بعد از معاشرتهای بسیار و در معرض نگاههای مختلف قرار گرفتن، شاید آخرین عشق خود را به شوهرش میدهد. زن به فرموده حضرت علی علیه السلام: مانند گل خوشبو است. حجاب باعث میشود، زن لطافت و طبیعت خود را از دست ندهد و مانند گلی شود که در دسترس همگان نیست و زود پژمرده نمی شود، ولی زن بی حجاب و بدحجاب، مانند گلی است که در اماکن عمومی و پارکها قرار دارد و سریع لطافت و طبیعت خود را از دست میدهد و باغبان که همان شوهر است، اندک اندک به گل بی اعتنا میشود. زن محجوبه، چون کمتر دیده میشود، محبوب است و هر چه محبوب شد مطلوب است. (۱۰۸)

توصیه چارلی چاپلین به دخترش

چارلی که در آوریل ۱۸۸۹ در لندن به دنیا آمد، یکی از کمترین های مشهور جهان است. در نامه ای به دخترش میگوید: برهنگی بیماری عصر ماست و من پیرم شاید حرفهای خنده آور میزنم، اما به گمان من تن عریان تو باید مال کسی باشد که روح عریانش را دوست داری. (۱۰۹)

نتیجه

از آنچه گفتیم معلوم شد که زن، با حجاب خویش میتواند شرافت خویش را حفظ کند و زن شایسته ای برای همسرش باشد. زن با حجاب خود میتواند همسرش را اسیر خود گرداند و اگر شوهرش بی اعتقاد هم باشد به دنبال زن دیگری نرود که خود این مسأله، باعث استحکام نظام خانواده میگردد. بر همین اساس بود که بازیگران و گویندگان سابق سینما و تلویزیون از آن کارها توبه کرده اند و هنرمند واقعی گشته اند و حفظ شخصیت حقیقی خود را در حجاب یافته اند و دانستند که پیش از آن ملعبه دست مستی خدانشناس بوده اند، و از وجود و زیبایی آنان برای جلب مشتری بیشتر در فیلمها استفاده میشد، تا به این طریق زراندوزان از خدا بی خبر سریعتر به مطامع دنیوی برسند. دلسوزانه به همه بانوانی که در این راهها قدم مینهند عرض میکنیم: راهی که دیگران رفتند و سالها تجربه کردند و چیزی جز ضرر برایشان حاصل نشد، عاقلانه نیست شما آن راه را بروید. تقاضا داریم به آغوش اسلام باز گردید و در سایه لطف و رحمت خداوند بزرگ زندگی کنید، که سعادت دنیا و آخرت در آن است. و گناه و نافرمانی حق تعالی ضررش به خود انسان بر میگردد. بر همین اساس خداوند سبحان میفرماید:... یا ایها الناس انما بغیکم علی انفسکم... ای مردم، طغیان و سر پیچی از دستورات الهی، ضررش به شما بر میگردد. (۱۱۰)

فساد و سقوط اجتماع

از دیر باز فساد، عامل تباهی اجتماعات بشری بوده است بطوری که میتوان این تجربه را بعنوان یکی از قوانین حاکم بر ملت‌ها بحساب آورد که تاریخ موارد آنرا بطور مکرر ثبت کرده است. اُمتهای گذشته، مسلمان و حتی جوامع غیر اسلامی هر یک زیانهای ناشی از این فرهنگ را متحمل گشته اند که در این نوشتار بذکر نمونه ای از هر یک بسنده میکنیم.

شکست مسلمانان و زوال اسلام در اندلس

اندلس که امروز اسپانیا نامیده میشود در سال ۷۱۱ میلادی به تصرف مسلمانان در آمد با آن که اروپا در حالت توحش و قرون وسطائی میزیست، مسلمانان اسپانیا را باوج تمدن و دانش رساندند. دکتر گوستاولون دانشمند معروف فرانسوی در اینباره مینویسد: در زمان مسیحیان اسپانیا قبل از اعراب، تمدن و آبادی جز همان مقدار که وحشیان گوت داشتند در این کشور بچشم نمی خورد، اعراب مقارن با پایان فتوحات خود در این سرزمین دست به اصلاحات و عمران و آبادی زده و در زمانی کمتر از صد سال توانستند زمینهای لم یزرع و موات را زیر کشت و زرع در آورده و شهرهائی که بصورت ویرانه در آمده بود از نو بسازند و بناهای بسیار عالی و مهم در آنجا بنا کنند و از طرفی ارتباطات خارجی با کشورهای دیگر برقرار سازند. سپس دست به ترویج علوم و دانش زده بهمین منظور کتب یونانی و لاتینی را به زبان عرب ترجمه کردند، دانشگاههای بزرگی تاسیس نمودند که یکی از همین دانشگاهها مدت زمانی مرکز نشر علوم و معارف در تمام قاره اروپا شده بود... و در حقیقت قرطبه برای مدت سیصد سال مترقی ترین شهرهای دنیای آنروز بوده است. مسلمانان حدود ۸۰۰ سال در اسپانیا قدرت را در دست داشتند و اسپانیا در این مدت مهد علم و تمدن گردیده بود تا آنکه دشمنان با انتشار فساد و بی حجابی و رواج مشروبات الکلی و بی بندوباری و بالاخره در اثر اختلاف زمامداران حکومت مسلمانان ساقط گردید. بلکه طبق نوشته دکتر گوستاولوبون: بعد از سقوط حکومت مسلمین، نخست مسلمانان را بزور وادار به قبول دین مسیح کردند، سپس محکمه های تفتیش عقائد، دستور سوزاندن این تازه مسیحیان را داد. بیهانه اینکه اینها واقعاً به دین مسیح در نیامده اند و بقیه را وادار به مهاجرت کردند. در سال ۱۶۱۰ میلادی دولت اسپانیا دستور داد تمام اعراب از اسپانیا بیرون روند و مهاجرت کنند اعراب که با این دستور ناچار بجای وطن گشتند در سر راه که میخواستند از اسپانیا هجرت کنند بیشترشان بدست مسیحیان کشته شدند آنگاه بنقل از راهب بلیدا میگوید: ۴/۳ این مهاجران در اثنای مهاجرت کشته شدند. و اضافه میکند: و او (بلیدا) همان کسی است که کاروان یکصد و چهل هزار نفریشان را کشت. این مورخ معروف فرانسوی بنقل از سدیلو مورخ معروف مینویسد: از زمانی که فردیناند اسپانیا را فتح کرد، تا آخرین مهاجرت اعراب سه میلیون نفر از نفوس اسپانیا کاسته شد. می بینیم چگونه یک ملت مسلمان بر اثر فساد؛ حکومت، فرهنگ، دین و حتی جان خود را از دست دادند. آری اینست نتیجه جوامعی که از مسیر فطرت منحرف گشته و در گرداب فساد غوطه ور شده اند. باشد که کشورهای اسلامی از آن درس عبرت بگیرند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ مؤمن هرگز از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود. (۱۱۱)

گفته ها

براستی فساد بصورت کنونی جز بدبختی و نکبت چه چیزی را با خود بارمغان آورده است عمق فاجعه ناشی از فرهنگ بر هنگی آنقدر زیاد است که سران استکبار را هم بفریاد در آورده است کندی رئیس جمهور سابق آمریکا میگوید: از هر هفت جوانی که به سر بازی اعزام میشوند ۶ نفرشان نالایق و سست عنصر از آب در میآیند و این بدان سبب است که افراط در شهوترانی استعداد های

بدنی و روانی آنان را کاسته است. خروشچف رئیس اسبق اتحاد جماهیر شوروی در اینبار میگوید: آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند، زیرا بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند. ویل دورانت مورخ معروف میگوید: ما میراث اجتماعی خود را با این فساد انبوه به هدر خواهیم داد. جالب تر آنست که بدانیم عوارض شوم فساد بجائی رسیده است که حتی کندی در خواست کمک کرده و میگوید: نسل جوان اروپائی و آمریکائی هوسبازند من برای نسل آینده آمریکا بیمناکم. از این رو دانشمندان و روشنفکران و مصلحین اجتماع را دعوت میکنیم که در باره این خطر بزرگ که دنیای بشریت را تهدید میکند فکری کرده و راه علاجی پیدا نمایند. آری حجاب است که با کنترل غریزه و نظم و قانون بخشیدن با رضای آن جامعه را استوار ساخته، و آنرا در مقابل عوامل سقوط بیمه خواهد کرد. بامید بیداری جوامع اسلامی و بازگشت به فرهنگ ملی اسلامی خود. عاقبت اندیشی مردی با اصرار از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواست تا به او پندی بیاموزد؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا سه بار به او فرمود: اگر بگویم بکار میندی هر سه بار جواب شنید. بلی یا رسول الله. آنگاه پیامبر فرمود: اِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ أَنْ يَكُ رُشْدًا فَأَمُضِهِ وَإِنْ غَيًّا فَانْتِهِ عَنْهُ. هرگاه تصمیم بکاری گرفتی در عاقبت آن کار بیندیش اگر دیدی عاقبتش خوب است آن را دنبال کن و اگر عاقبتش تباهی است از آن صرف نظر کن. کاش بی حجابان عصر ما لحظه ای به نتایج کار خویش میاندیشیدند! و آینده فرزندان و جامعه خویش را با دست خود بخاطر تقلید از بیگانگان به آتش نمی کشیدند!! غم انگیزترین فاجعه معاصر آنست که بعضی از زنان جوامع اسلامی به فطرت، مذهب، فرهنگ و تمدن ملی خود، پشت پا زده و بجای آنکه به عواقب شوم و خطرناک آن بیندیشند. افتخار میکنند که به فرهنگ از ما بهتران؟! نزدیکتر شده و تمدن و متجدد! گشته اند. کاش حفظ شخصیت زن و استواری جامعه خویش را بر خودنمائی و آرایشهای مبتذل مقدم مینمودند. کاش بجای تقلید کورکورانه و غرق شدن در این مرداب خطرناک با دیده ای باز به بررسی فوائد حجاب و عوارض فساد پرداخته و آنگاه راه خویش را انتخاب میکردند. (۱۱۲)

حجاب پیام عاشورا

قیام خونین کربلاء که ماهیتش امر به معروف ونهی از هر منکر بود بنیان فساد را لرزاند. آری سالار شهیدان برای حفظ ارزشهای متعالی دین بپا خاست و به شهادت رسید. ولی رسالت عاشورا همچنان در قافله اسیران کربلا پی گیری شد، با قافله اسیران غم همراه میشویم تا از لابلای کلمات آن عزیزان پیام عاشورا را با گوش جان بشنویم. یزید فاجعه کربلاء را با تبلیغات فراوان پیروزی خواند و مردم را برای تماشای پیروزیهایش دعوت کرد، اینک قافله اسراء نزدیک شهر دمشق رسیده است، ام کلثوم نزد شمر آمد و فرمود: ما را از راهی ببر که تماشاچیان کمتری جمع شده اند و سرهای مطهر شهیدانمان را از بین محمل و کجاوه های ما جدا کن و آنها را در جلو قافله حرکت بده تا توجه مردم به دیدن آنها جلب گردد و صورت دختران پیامبر از نگاه نامحرممان محفوظ بماند. ام کلثوم اینگونه مسئولیت خویش را ادا نمود ولی به این در خواست توجهی نگردید. قافله اسیران به شهر شام داخل شد سهل بن سعد ساعدی میگوید: ناگاه دیدم زنانی بر شتران بی روپوش سوارند نزدیک شدم و از نخستین زن پرسیدم کیستی! گفت: سکینه دختر امام حسین علیه السلام هستم. گفتم: آیا حاجتی داری تا بر آرم که من سهل بن سعد ساعدی هستم بجد ترا دیدم حدیث او را شنیدم. گفت: ای سهل به حامل این سر بگو که آنرا پیشتر برد تا مردم مشغول نگرستن آن شوند و به حرم پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نگاه نکنند. سهل میگوید: چهار صد دینار دادم تا سر را جلوتر بُردند. قافله اسیران را نزد یزید آوردند زینب (علیها السلام) لب به اعتراض گشوده فرمود: ای پسر آزاد شده!! آیا عدالت اینستکه زنان و کنیزانت را در پشت پرده و مارا در بین نامحرمان جا داده ای امّا سکینه (علیها السلام) اندوه جانکاهش را با گریه اظهار میکند. وقتی یزید از او پرسید: چرا گریه میکنی فرمود: چگونه گریه نکند کسی که روپوشی ندارد تا با آن صورتش را از تو و نامحرمانی که در مجلس تو حاضرند بیوشاند؟ آری او میگرید که چرا روپوشی بر صورت ندارد. و بدینسان پیام مکتب عاشوا نیز حفظ حجاب است. (۱۱۳)

تاریخچه، اهداف و شیوه

برهنگی و بی حجابی دامی شیطانی است: در قرآن برهنگی و فساد را از دامهای شیطان معرفی کرده است: یابنی آدم لا- یفتنکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوء تهما انه یراکم هو وقبيله من حیث لاترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لایؤمنون ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را بفریبد، آنگونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، لباسشان را از تنشان بیرون آورد تا عورتشان را به آنها بنمایاند شیطان و وابستگان او از جایی شما را میبیند که شما آنها را نمی بینید ما شیاطین را اولیاء دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند. با توجه به آنکه لباس و حجاب وسیله ای است برای زینت، عفاف، و تقوی. کشف حجاب هم از دامهای شیطان و اولیاء اوست. بهمین جهت قرآن ضمن تشریح دامهای شیطان به مسلمانان اینگونه توصیه میفرماید: یا ایها الذین آمنوا لاتتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یاءمر بالفحشاء و المنکر ولو لا فضل الله علیکم و رحمته ما زکی منکم من احد اءبدا ولكن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم ای کسانی که ایمان آورده اید از دامهای شیطان پیروی نکنید هر کس از این دامها پیروی کند شیطان او را به فحشاء و منکر دستور میدهد و اگر فضل و رحمت الهی بر شما نمی بود هرگز هیچیک از شما پاک نمی شد ولی خداوند هر کس را که بخواهد ترکیه خواهد کرد و خدا شنونده و داناست. (۱۱۴) (۱۱۵)

تاریخچه بی حجابی

از فصلهای گذشته بخوبی معلوم شد که تاریخ حجاب به آفرینش اولین موجودات روی زمین یعنی حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) برمی گردد و فراز و نشیبهای بی شماری که در طول تاریخ رخ داده نتوانسته آن را از بین ببرد. تاریخ بی حجابی به سبک جدید آن از رنسانس علمی صنعتی اروپا آغاز میشود و طبق شواهد تاریخی کارخانه داران بزرگ برای استفاده از نیروی کار ارزان قیمت زنان، زمینه باصطلاح آزادی!! زنان و امکان حضور آنان را در محیط کار پدید آوردند. زنان بی خبر از همه جا در تلاش فراوان برای دست یافتن بحقوق اولیه خویش!! گول این تبلیغات دروغین را خورده و آنان را در اینجهت یاری دادند!! دامنه این اقدامات کم کم کشورهای اسلامی را نیز فرا گرفت و بصورت سلاحی کار آمد برای تضعیف معنویت و اخلاق و سقوط اسلامی بکار گرفته شد و استعمارگران در جهت ترویج آن از هیچ اقدامی فروگذار نکردند در این راستا واژه های بسیاری تغییر کرد مذاهب جدیدی توسط استعمار ساخته شد حرفهائی در قالب علمی مطرح گردید و... نخستین کشور اسلامی که اقدام بکشف حجاب از بانوان کرد افغانستان بود. امان الله خان پادشاه افغانستان مسافرتی به اروپا کرده و در مراجعت از اروپا در سال ۱۳۰۶ شمسی به ایران آمد و از طریق خراسان بکشورش باز گشت به محض ورود به پایتخت اعلام نمود که زنان بایستی بدون حجاب باشند و نخست خود با همسرش بدون حجاب در مجامع و محافل ظاهر شد. این بی پروائی آنها در کشوری چون افغانستان موجب قیام عمومی در آن کشور گردید و امان الله خان ناچار به استعفا و ترک کشور شد. دومین کشور را میتوان ترکیه دانست: بعد از سقوط دولت عثمانی در ترکیه آتاتورک در سال ۱۳۱۳ فرمان منع حجاب را صادر کرد. در ایران آغازگر بی حجابی را زنی بنام قره العین دانسته اند وی که در سال ۱۲۲۳ در یک خانواده مذهبی در قزوین بدنیا آمد با ظهور باب به این مسلک استعماری پیوست. وی با کشف حجاب و آرایش کامل ظاهر میگشت و به ترویج بهائیت میپرداخت تا آنکه فشار افکار عمومی بر دولت ناصرالدین شاه بالا- گرفت و قره العین معدوم گردید. ولی زمینه سازی برای کشف حجاب بطور رسمی همزمان با اقدامات آتاتورک آغاز گردید در سال ۱۳۱۳ وزیر معارف وقت مسافرتی به شیراز میکند و بمناسبتی مجلس جشنی که از پیش تدارک دیده شده بود برپا میکند که عده زیادی از طبقات مردم در آن شرکت نموده بودند پس از ایراد سخنرانیها و نمایش در خاتمه آن عده ای از دوشیزگان بروی صحنه (سن) نمایان میشوند و ناگهان نقاب از چهره بر میگیرند و ارکستر رقص مینوازند و دختران به

پای کوبی میپردازند. اعتراض و فشار افکار عمومی در همان مجلس و در شهر بالا میگیرد و رضا خان بخاطر هراس از قیام عمومی انجام این اقدام شوم را بتأخیر میاندازد. ولی پس از مسافرت به ترکیه و اطمینان از آنکه کشف حجاب در کشورهای اسلامی قیام عمومی را بدنبال نخواهد داشت بصورت جدی وارد عمل میگردد. کتاب تاریخ بیست ساله ایران در اینباره مینویسد: مجالس جشن و سخنرانی ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران و سپس بتدریج در سایر شهرها برقرار میگردد. ولی پیشرفت زیادی نداشت و اکثریت مردم نه تنها استقبال نمی کردند بلکه با نظر تنفر مینگریستند تا روز ۱۷ دیماه ۱۳۱۴ که شاه باتفاق ملکه و شاهدخت ها در جشن دانشسرای مقدماتی حضور یافتند. محمود جم نخست وزیر وقت میگوید: جالب تر از همه این بود که میهمانان حتی وزاء که یک عمر بود با هم دوست و رفیق بودند آنروز برای اولین بار صورت زنهای یکدیگر را میدیدند. چونکه تا آنروز هیچ دوستی مجاز نبود صورت زن دوست خود را ببیند. البته این اقدامات بعد از به خاک و خون کشیدن اجتماع مردم مشهد صورت میگیرد در این اجتماع که در تاریخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۴ برای انصراف شاه از عمل تغییر لباس و کشف حجاب در مسجد گوهرشاد قبل از اعلام رسمی آن تشکیل گردیده بود قزاقان دژخیم با کشتن بیش از دو تا پنج هزار تن و اسیر کردن ۱۵۰۰ نفر، مردم را سرکوب و مرعوب نمودند، این موج خشونت بنظر رضاخان اعلام رسمی کشف حجاب را با یک قیام عمومی مواجه نمی ساخت. زیرا که با این عمل دژخیمان به همگان ثابت کرده بود که از هیچ اقدامی جهت این نقشه استعماری اِباء ندارد. رضاخان از این اقدامات طرفی نبست تبلیغات مطبوعات وابسته هم تاءثیر چندانی نداشت بالا-خره با زور سر نیزه به عملی کردن کشف حجاب پرداخت. امام خمینی در بیان خاطرات تلخ خود از این روز میفرماید: امروز هفده دی است من یادم هست که هفده دی چه شرارتی کرد این آدم (رضاخان)، چقدر به این ملت فشار آورد چه اختناق ایجاد کرد، چه محترماتی را هتک کرد، چقدر سقط جنین شد. در هفده دی و اطراف هفده دی چقدر ماءموران و دژخیمان او به زن ها تندی کردند و زن ها را از توی خانه ها بیرون کشیدند، کارهایی که او کرده است نمی شود شرحش داد. مهدیقلی هدایت در این مورد مینویسد: پلیس دستور یافت روسری را از سرزنها بکشد، روسری ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب، مدتی زد و خورد بین پلیس و زنها دوام داشت بسیار زنها را شنیدم که از خانه بیرون نیامدند ولی این سلاح نیز مؤثر واقع نشد. این اقدامات توسط محمدرضا شاه نیز بطور جدی با برنامه ریزی گسترده و البته با ملایمت بیشتری دنبال شد تنها در یکی از جلسات برنامه ریزی کشف حجاب ۳۱ برنامه اجرائی برای برداشتن چادر نظیر استفاده از صدا و سیما، انتشار مقاله، آموزش غیر مستقیم کودکان در مدارس، ممنوع بودن چادر برای دانشجویان و کارمندان به تصویب رسید. و بتدریج بمرحله اجرا گذاشته شد، زنان شریف و نجیب ایرانی اگر چه تحت فشار همه جانبه تبلیغات و عملکرد این پدر و پسر بودند. لکن جز اندکی ناآگاه اصالت خویش را حفظ کردند و برگی دیگر بر افتخارات خویش افزودند و با پیروزی انقلاب اسلامی جهان را متوجه ارزش آن قانون الهی نمودند. (بنابر این میتوان گفت؛ توطئه کشف حجاب توسط استعمار انگلیس طراحی گردید، بهائیت در ایران ماءمور زمینه سازی آن گردید و مزدوران انگلیس امان الله خان در افغانستان، آتاتورک در ترکیه و رضاخان در ایران عامل اجرای این توطئه شوم بودند.) (۱۱۶)

اهداف استعمار از کشف حجاب

این اهداف را از زبان خود آنان بشنویم: در پُروتکل اندیشمندان یهود آمده است: ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه جا ویران شود تا راه سیطره ما را بگشاید فروید از ماست و بزودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکارا و بر ملاء انجام میشود که در نظر جوان، دیگر هیچ چیز مقدسی مفهوم نداشته باشد. پیوسته همت و هدف او اشباع غرائز شهویش گردد در آن صورت است که اخلاق فرو میریزد. فرانتس فانون که از طرف فرانسه مدیر بخشی از روانکاوی یکی از بیمارستانهای الجزایر بود میگوید: مؤلین اداری فرانسوی که در الجزایر ماءموریت داشتند اصالت ملت را نابود سازند و از طرف مراجع مربوطه موظف بودند مطلقاً تمام

شکلهای زندگی را که ممکن است از نزدیک یا دور واقعیت و اصالت ملی را خاطر نشان مردم سازد، تجزیه کرده از هم بدرند. (حداکثر کوشش خود را بر مسأله چادر تمرکز داده آنرا به منزله علامت اصالت ملی و وضع خاص زن الجزایری تلقی کردند) آنگاه میگوید: موضع گیری آنچنانی نتیجه الهامی تصادفی نیست بلکه بعد از تجزیه و تحلیل های جامعه شناسان و مردم شناسان بود که متخصصین باصطلاح مسائل بومی و مسئولین ادارات عمومی کار خود را هماهنگ ساختند در بادی امر این روش تمسکی است ساده و روشن به ضرب المثل قدیمی که میگوید: زنها را در دست بگیریم همه چیز بدنبال آن خواهد آمد. کشفیات جدید جامعه شناسان فقط کاری که کرده اینست که به این فرمول قدیمی روش خالص علمی بخشیده است. وی حضور مختلط مردان با خانواده خود در مجالس جشن یا ازدواج با دختران فرانسه را از شیوه های انتقال فرهنگ فرانسه به خانواده های الجزایری ذکر میکند، بنا بر این اعترافات، میتوان اهداف استعمار را بطور خلاصه چنین ذکر نمود. ۱. تحقیر فرهنگی کشورهای جهان سوم و تحمیل فرهنگ مبتذل غرب. ۲. صدور فرهنگ تجدد و مصرف بجای تعلیم مبانی تکنولوژی و علوم. ۳. ایجاد جمود فکری در اثر اشتغال به کامجویی. ۴. تهیه بازار مصرف کالاهای تولیدی و در یک کلمه استعمار اقتصادی. ۵. زمینه سازی برای تسلط سیاسی از طریق سلطه فرهنگی. ۶. جلوگیری از تحرک و هر گونه مبارزه علیه منافع استکبار و در یک کلمه تسلط همه جانبه بر جهان و منابع اقتصادی آن. (۱۱۷)

شیوه های استعمار در انتشار فساد

استکبار جهانی از شیوه های ذیل برای اهداف شوم خود استفاده میکند: ۱. تضعیف مکاتب صحیح و سست کردن عقائد با ابراز فرضیه های بظاهر علمی نظیر فرضیه های فروید یا بوجود آوردن مذهب مثل بهائیت مبانی فکری فساد را مستحکم نماید. با دقت در تاریخ علوم وادیان بخوبی میتوان دریافت که برخی از فرضیه های بظاهر علمی یا اندیشه های مذهبی باطل ریشه استعماری دارد سعی در جا انداختن فرهنگ لذت و فراموشی هدفهای متعالی از این اقدامات است. ۲. هدایت و تفسیر تاریخ و علوم و حتی مذهب در جهت منافع خویش همفر جاسوس انگلیسی میگوید: باید ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران بنی عباس متداول گشته و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب دیده اند... پس از آنکه حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه ماءموران ما آنست که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی با زنان غیر مسلمان سوق دهند و کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آنان تقلید کنند. می بینیم که تاریخ و احکام اسلامی خود را نیز باید از جاسوسان انگلیسی بیاموزیم و آنان برای ما باید مطالب را اثبات نمایند و شیوه زندگیمان را بیان نمایند. ۳. مخلوط کردن فرهنگ محلی با فرهنگ فساد در ترویج فساد برای هر کشور بفرخور حال آن برنامه ریزی میکنند. لذا میبینیم از نظر پوشش در بعضی از کشورها تنها سرو گردن زن نمایان است، در برخی دیگر سروگردن با مقنعه پوشیده امّا دامنهای رنگی جذاب با پاهای برهنه و بدون جوراب و ناخنهای لاک زده تحریک صورت میگیرد. امّا در هند شکم زنان نمایان است اگر چه بقیه اندام آنان پوشیده است، یا از مراسم مختلف برای این مقصد شوم استفاده میگردد. مثلاً در ایران از مراسم عروسی در برخی دیگر کشورها از جشن گندم برای اختلاط زن و مرد استفاده میشود. ۴. طرح شعارهای عوام پسندانه بطور مثال میگویند: دلت پاک باد حجاب یک امر ظاهری است در حالی که پاکی دل تنها با داشتن حجاب میسر است. یا میگویند: دیگر جامعه عوض شده است جامعه امروز اینگونه میپسندد ولی ما نباید تحت تاءثیر محیط باشیم بلکه باید بر محیط تاءثیر بگذاریم در زمستان همه جا سرما هست اما باید خود را از سرما خوردگی حفظ کنیم. ۵. القاء فرهنگ و مطالب غرب در تمام برنامه های صوتی، تصویری، فیلم های سینمایی، تئاترها مجلات و روزنامه ها و کتب منتشر شده خود با استفاده از تکنیکهای روانشناسی و روانکاو، گفته میشود تنها در تهیه برنامه های رادیویی اسرائیل ۴۰ متخصص روانشناس شرکت داشته تا مطالب به شنونده القاء گردد. ۶. طراحی و تولید لباس و کفشهای تحریک آمیز ارزان قیمت تا مردم برای خرید به آنها

رو آورده و کم کم بطور ناخود آگاه الگوی مصرف عادی جامعه گردد، بنظر شما آیا کفشهای صدادار که توجه دیگران را جلب میکند بدون طراحی استکبار تولید میگردد؟ آیا جورابهای نازک با این فراوانی و با مدل‌های مختلف بدون برنامه ریزی قبلی تولید و توزیع میگردد؟ ۷ ترویج مُد گرایی بصورت مستقیم و غیر مستقیم. ۸ قالب کردن تجدد بجای تمدن، فساد بجای علم، شهوترانی بجای پژوهش. ۹ ایجاد خانه های فرهنگ رفت و آمد به کشورهای فاسد، و حتی از روابط تجاری در اشاعه فساد استفاده میشود. ۱۰ فراهم آوردن امکان تحصیلات عالی برای جوانان با توجه به محدودیت آن در کشورهای سوم، جهت غرب یا شرق زدگی آنان و باصطلاح تربیت مزدوران محلی اشاعه دهنده فرهنگ مبتذل غرب بوسیله تعلیم دانش البته این اقدامات معمولاً بصورت تدریجی انجام میشود بطوری که کم کم لباس مورد نظر آنان عادی شده و حتی نسل بعد نمی داند که آداب و پوشش نیاکانش به چه صورت بوده است، زیرا حساسیت ها بتدریج از بین میرود و با عادی شدن یک انحراف، درمان آن نیز مشکل تر میشود. بطور مثال ابتداء چادر حذف میگردد و بعد مقنعه ها تبدیل به روسری میگردد، کم کم مانتوها تنگ یا کوتاه شده آنگاه جوراب جای شلوار میگردد و جورابها هر روز نازکتر میشود و... باشد که با هوشیاری ترفندهای دشمن را شناخته و با آن به مقابله برخیزیم. واصلت فرهنگی فکری و مذهبی خویش را پاس داریم و دشمن را از نفوذ و سلطه ناامید نمائیم. (۱۱۸)

بحران روسری نشانه وحشت غرب

چندی قبل دخترانی که باپوشش اسلامی در مدارس انگلستان و فرانسه حاضر شده بودند توسط مدیران این مدارس اخراج شدند. این اخراجها و اعتراضات و گفت و شنوهای مربوط به آن، کم کم سراسر مطبوعات اروپا را فرا گرفت و بحرانی را بوجود آورد که اصطلاحاً بحران روسری نامیده شد. بدون شک انتخاب نوع پوشاک جزء ابتدائی ترین آزادیها و از بدیهی ترین حقوق انسانی میباشد. پس چرا در اروپا که خویش را مهد و مُدعی حقوق بشر میدانند از پوشش حجاب جلوگیری میشود؟ آیا کسی که طبق اعتقادات خویش لباس مناسب و مورد نظرش را پوشیده میبایست از مدرسه اخراج گردد؟ این موج خشونت که قبلاً در کشور ترکیه، با اخراج دانشجویان دختر با حجاب اعمال گردیده بود، نشانه وحشت و هراس استکبار جهانی از حفظ حجاب اسلامی است، زیرا حجاب توجه زنان روشنفکر را به خود جلب کرده و آنان را به اندیشه و تفکر وا میدارد. یکی از مؤسسات مطالعاتی لندن اعلام کرد آمار گرایش به اسلام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران افزایش یافته است. طبق این گزارش اکثر کسانی که به اسلام گرویده اند زنان تحصیل کرده غرب هستند! این گزارش نشان میدهد که آنها از نشر اسلام و حضور مسلمانان با هویت اسلامی بیمناکند و فشار زندگی ماشینی، حاکمیت سرمایه و شستشوی مغزی، مسخ انسانیت، تهاجم همه جانبه رادیو تلویزیون ها به افکار انسان غربی، نتوانسته جلو باز گشت زنان را به فطرت انسانی خویش بگیرد. این بحران زنگ خطری برای قدرتهای بزرگ است، چرا که بیداری انسانها و باز گشت مسلمانان را به فرهنگ اسلامی خویش نوید میدهد. با این بیداری، تحقیر فرهنگ، به یغما رفتن ثروتهای عظیم اقتصادی که سلطه همه جانبه آنها و فقر روز افزون کشورهای جهان سوم را بدنبال خواهد داشت، پایان میپذیرد. بحران روسری فصلی دیگر از باز گشت مسلمان به هویت اسلامی خویش میباشد که این بار سنگر حجاب بدفاع از آرمانهای خود پرداخته اند. دشمن بخوبی میداند که با حفظ حجاب جایی برای استحمار ملت‌ها باقی نمی ماند و بزودی پایه های قدرت پوشالی آنان در هم خواهد شکست. پس خواهرم تو نیز ارزش حجاب را بدان. آنقدر که دشمنان برای از بین بردن حساسیت نشان میدهند تو نیز برای حفظش پافشاری کن. خواهرم جایگاه بلند سربندی و چادر را ارج بگذار و بدینوسیله با دشمنان فرهنگ و کشورت ستیز کن. (۱۱۹)

۱ پاسخی است به ندای درونی فطرت. ۲ نشانه تمدن است نه ارتجاع. ۳ در همه ملل رواج داشته و فرهنگ ملی ماست. ۴ شخصیت و احترام زن را فزونی میبخشد. ۵ مایه سلامت جسم و آرامش روانی است. ۶ مجوز ورود زن به جامعه است نه مانع از آن. ۷ باعث استحکام و افزایش نهاد خانواده می‌باشد. ۸ عامل استواری جامعه و زمینه ساز ترقی آن می‌باشد. ۹ احیاگر ارزشهای متعالی است. ۱۰ جاذبه زن را بالا برده و استعدادهای ادبی را شکوفا می‌سازد. ۱۱ اجرای قانون الهی است و رضایت خداوند را به همراه دارد.

بی‌حجابی و فساد

۱ با فطرت و تمایلات درونی انسان توافقی ندارد. ۲ مایه سقوط ارزش و جاذبه جنس زن می‌باشد. ۳ شخصیت انسانی زن را بفراموشی سپرده و تنها اذهان را به زیباییهای جسمی او متوجه می‌سازد. ۴ زن را تا حد یک کالا تنزل داده و او را ابزار تبلیغ کالاهای بُنجل قرار می‌دهد. ۵ یکی از نمودهای عقده حقارت بوده و موجب بسیاری از بیماریهای جسمی و التهابات روانی می‌باشد (آمار مرگ و میر و مبتلایان بامراض روانی را فزونی میبخشد). ۶ فرهنگ برهنگی، برهنگی فرهنگی است و از علائم توحش محسوب میشود. ۷ باعث فرسایش استعدادها و مانع استفاده از نیروی زنان است. ۸ اذهان را به شهوترانی متوجه و از ارزشهای متعالی و تربیت صحیح منحرف می‌سازد. ۹ بنیان خانواده را سست کرده و آمار طلاق را افزایش می‌دهد. ۱۰ بازار مصرف کالاهای شرکت های چند ملیتی را گسترش می‌دهد. ۱۱ از حربه های خطرناک استعمار است که بارها برای سقوط جامعه ها از آن استفاده شده است. ۱۲ زمینه ساز تسلط همه جانبه بیگانگان می‌باشد. ۱۳ زیر پا نهادن قانون واجب الهی است که عواقب خطرناکی را بدنبال دارد. (۱۲۰)

آیا فاطمه را شناخته ایم

آیا حضرت فاطمه (علیها السلام) را شناخته ایم حضرت فاطمه (علیها السلام) کوثری است که خداوند به هستی عنایت فرمود. او گرانبهاترین گوهری است که تقدیم انسانیت شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) یک انسان کامل است، مظهر اسم ستار خداوند است، أم آیهاست، مدینه فاضله وجودی یک زن کامل، از همه آلائشها و آلودگیها مبری است او معصوم است تا در طول همه زمان ها رهبری همه زنان را به عهده گیرد. ای در دو جهان افضل زنها زهراء او مادر یک مسیح باشد اما تو مادر یازده مسیحا زهراء بهتر دگر از مریم عذرا زهراء تو مادر یازده مسیحا زهراء

امام خمینی و رعایت حجاب در خانواده

امام خمینی که در عصر حاضر از هر نظر الگوی می‌باشند در مورد رعایت حجاب در خانواده نیز بسیار دقیق و مراقب بودند دختر گرامی ایشان این دقت و مراقب را چنین بیان کرده اند: بهر حال همانطور که گفتم ایشان (امام خمینی) در مقابل بیرونی و نامحرم خیلی سختگیرند، آلا ن پسرهای من و احمد آقا ۱۵ ۱۶ ساله اند و ما یکروز اگر منزل آقا برای ناهار دعوت شویم پسرها حق آمدن ندارند یا اگر هم بیایند ما خانه خانم (همسر حضرت امام) مینشینیم و سفره میاندازیم و آنها منزل احمد آقا، آنهم برای اینکه پسرها و دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند، نه فقط سر سفره بلکه حتی سلام هم به هم نکنند چون واجب نیست. من خودم پانزده ساله بودم که آقای اشراقی با خواهرم ازدواج کرد، و داماد ما شده بود. یک روز ما دعوت داشتیم منزل ایشان همینجور که من و آقا با هم وارد شدیم، دیدم آقای اشراقی دارند به استقبال می‌آیند، در یک باغچه ای بود که ما داشتیم جلو میرفتیم، من گفتم: سلام بکنم امام گفتند: واجب نیست، منم رویم نشد که سلام نکنم، زدم و از تو باغچه رد شدم که با آقای اشراقی روبرو نشوم.

چهل سال او را ندیده

وقتی که آقا مادرم را گرفتند، چهل سال بعد از زندگیشون اولین سلام رو به برادر شوهرشون کردند! ماجرا هم این بود که: وقتی آقا را به ترکیه بردند، عمویم میخواستند ترکیه خدمت آقا بروند، آمدند از پشت در، گفتند: من میخوام با خود خانم صحبت کنم اگر بخواهند پیغامی بدون واسطه برای آقا داشته باشند. مادرم ناچار شدند سلام کنند و بعد یادم هست آمدند و گفتند: ناراحتم، چون که اولین سلام را در نبودن آقا کرده ام، آنهم با این لفظ که اگر (آقا) راضی نباشند چه من هم گفتم: نه دیگر حالا شما سنی از تان گذشته و مجبور بودید البته امام در مورد کار واجب و ضروری حرفی ندارند این را بدانید! برادر و خواهر عزیز: این شیوه یک زندگی سالم و اسلامی است که در گفتار و عمل بزرگان دینی ترسیم گردیده است باشد که آنرا الگو قرار داده و از مواهب و فوائد آن بهره ببریم. (۱۲۲)

کیفیت پوشش اسلامی یا حد حجاب

هر دختری از ابتدای بلوغ هنگامیکه در معرض دید نامحرم قرار گیرد لازم است تمام موها و بدنش را بپوشاند بجز دو مورد: یکی دستها تا مچ، دیگری صورت به اندازه ایکه در وضو شستن آن لازم است بشرط آنکه: الف این دو عضو دارای زینت نباشند. ب و کسی به آنها به قصد لذت و هوس نگاه نکند. بنابر این اگر کسی به قصد لذت بردن به آنها نگاه کرد حرام است، یا صورت و دستها دارای زینت و آرایش بود میبایست صورت و دستها را هم بپوشاند. برای روشن شدن بیشتر به سؤال و جوابهای ذیل که از امام (قدس الله) میاشد دقت فرمائید: ۱- حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست و آیا برای این منظور لباس بلند آزاد و شلوار و روسری کفایت میکند؟ و اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟ ج: واجب است تمام بدن زن بجز قرص صورت و دستها تا مچ از نامحرم پوشیده شود و لباس مذکور اگر مقدار واجب را بپوشاند مانعی ندارد ولی پوشیدن چادر بهتر است و از لباسهایی که توجه نامحرم را جلب کند باید اجتناب شود. ۲- چنانچه زن با خود زینت داشته، مانند حلقه ازدواج یا انگشتری در دست یا چهره آراسته کرده باشد آیا واجب است وجه (صورت) و کفین (دستها) را بپوشاند؟ ج: پوشاندن از نامحرم در فرض مذکور واجب است. ۳- آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبی زیبا برای زنان زینت به حساب میآید که پوشش آن لازم باشد؟ ج: هر چه در نظر عرف مردم زینت محسوب میشود اظهار آن در برابر نامحرم جایز نیست. ۴- حنای دست زن را اگر نامحرم ببیند چه صورت دارد؟ ج: باید از نامحرم مستور کند (بپوشاند). چند تذکر ۱- اگر بچه بحدی برسد که مطالبی را که بزرگها میفهمند او نیز بفهمد (ممیز محسوب میشود) و حجاب در مقابل او واجب است. ۲- از صورت و دستها که استثناء شده باید مقدار کمتری عریان باشد تا یقین کند که به وظیفه اش عمل کرده است. ۳- در لزوم پوشش، بین نامحرم هیچ تفاوتی نیست. بنابر این اقوام نامحرم با دیگر نامحرم هیچ تفاوتی ندارند. س: آیا شوهر خواهر و برادر شوهر نیز همچون باقی نامحرمانند و حکم خودپوشی آنان نیز مانند دیگران است؟ ج: شوهر خواهر و برادر شوهر با باقی نامحرمان در حکم تفاوتی ندارند و بایستی بهمان گونه که زن از دیگر نامحرمان خود را حفظ میکند از آنان نیز خود را حفظ کند (بپوشاند). حتی در برابر آنان نمی تواند با پای بدون جوراب عبور کند (اگر چه آنها انسانهای متشرعی باشند و نگاه هم نکنند. زیرا زن بایستی از دید نامحرم بپرهیزد چه او نگاه کند یا نکند.

لباس زنان

لباسی که زن برای حجاب و پوشش خود انتخاب میکند میبایست شرایط ذیل را دارا باشد: ۱- غضبی نباشد. ۲- لباس شهرت نباشد. (لباسی که بواسطه داشتن خصوصیتی جلب توجه و انگشت نما باشد لباس شهرت است) ۳- مرد لباس مختص به زن و زن لباس مختص به مرد را نپوشد. ۴- زن باید از پوشیدن لباسهایی که جلب توجه میکند اجتناب نماید. ۵- لباس نباید تنگ یا نازک باشد

بگونه ای که حجم یا برجستگی‌های بدن زن را نمایان سازد. لباس نازک و تنگ یک روز اسما دختر دیگر ابوبکر که خواهر زن پیامبر بود با جامه بدن نما و نازکی به خانه پیامبر آمد پیامبر روی خود را از او برگرداند و فرمود: ای اسما زن وقتی بحد بلوغ رسید نباید چیزی از بدن و اندامش دیده شود. کفشهای صدا دار قرآن مجید در سوره نور (آیه ۳۱) میفرماید: و مبادا زنها پایشان را محکم بزمین بزنند تا زینتهای مخفی آنان (خلخالهایی که به پا میکردند) آشکار شود و همگی بسوی خداتوبه کنید باشد که رستگار گردید. س: باتوجه به فرمایش حضرت امام که فرموده اند (بایستی از لباسهایی که جلب توجه میکند اجتناب نمایند) آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار با اینکه حجم بدن از بیرون مشخص و در بعضی موارد مهیج است و یا پوشیدن کفشهایی که در هنگام راه رفتن صدای مهیج دارد جایز است ج: از پوشیدن هر گونه لباس مهیج باید خودداری کرد. راستی: چگونه است که برخی از زنان مسلمان حجب را رعایت نمی کنند؟ از کفشهای صدا دار یا لباسهای نامناسب استفاده میکنند؟ موهایشان را کاملاً نمی پوشانند؟ متابعت شیطان تا به کجا؟ دوری از خدا تا کی ان ربك بلبرصاد و همانا پروردگارت در کمین است. (۱۲۳)

حجاب از دیدگاه احادیث

خانه بهترین جایگاه زن حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمودند: نزدیکترین حالت زن به پروردگارش وقتی است که در خانه خودش باشد. (۱۲۴) پوشش کامل قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: أَيُّمَا امْرَأَةٍ نَزَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِهَا حَرَقَ اللَّهُ عَنْهَا سِتْرَهُ. أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَضَعَتْ ثِيَابَهَا فِي غَيْرِ بَيْتِ زَوْجِهَا فَقَدْ هَتَكَتِ سِتْرَ مَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱۲۵) پیامبر فرمود: هر زنی لباسش را در غیر خانه اش بیرون بیاورد خداوند پرده او را خواهد درید. هر زنی که لباسش را در خارج از خانه شوهر بیرون بیاورد (پوشش او کامل نباشد) بدرستی که حرمت بین خود و خدایش را هتک نموده است! آرایش و استعمال عطر در خارج از خانه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیثی نهی فرمودند: که زن برای دیگران خود را بیاراید و فرمود: اگر برای غیر شوهر، خود را آرایش نمود لازم است خداوند او را با آتش بسوزاند. و فرمود: زنی که خود را برای دیگران خوشبو کند او خود آتش است و ننگ محسوب میگردد. و فرمود: وای بر زنان از دو سرخی طلا- و جامه زیبا (که دو وسیله زینت هستند و موجب فتنه میباشند). امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نقل کردند که فرمود: هر زنی که خود را خوشبو کند و از خانه خارج شود مورد لعنت قرار میگیرد تا به خانه مراجعت کند. (۱۲۶)

اختلاط زن و مرد

پیامبر فرمود: سرانجام همنشینی و اختلاط با زنان زنا میباشد و سرانجام زنا آتش جهنم است. (۱۲۷) وقتی زنی در جایی نشست و از آنجا برخاست نباید مردی در آن مکان بنشیند تا آنکه گرمی آن از بین برود و سرد شود. (۱۲۸) روزی رسول خدا دید که مردان و زنان با هم از مسجد بیرون آمدند، به زنها خطاب کرد بهتر اینست شما صبر کنید تا مردها بروند آنها از وسط و شماها از کنار. (۱۲۹) روزی رسول خدا بیکی از درها اشاره کرد و فرمود: چه خوب است این در را به زنها اختصاص دهیم. (۱۳۰) می بینیم پیامبر حتی از اختلاط زن و مرد برای رفت و آمد به مسجد و مجالس مذهبی ممانعت بعمل میآورند.

دست دادن (مصافحه) بانامحرم

پیامبر فرمود: هر کس با زنی که محرم او نیست مصافحه کند غضب حق تعالی را برای خود خریده است. (۱۳۱) پیامبر در ضمن حدیثی فرمودند: هر کس بطور حرام با زنی مصافحه کند یعنی به او دست بدهد روز قیامت در غل زنجیر بسته خواهد شد آنگاه به آتش انداخته خواهد شد.

خلوت بانامحرم

امام موسی بن جعفر علیه السلام بنقل از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد هرگز در جایی که نفس زن نامحرمی را می‌شنود توقف نمی‌کند. (۱۳۲) پیامبر فرمودند: آگاه باشید هرگز مرد و زنی با هم خلوت نمی‌کنند مگر آنکه سوئی آنان شیطان است. (۱۳۳)

شوخی بانامحرم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیثی فرمودند: هر کس با زن نامحرمی شوخی کند بخاطر هر کلمه ای که با او سخن گفته هزار سال زندانی می‌گردد. امام صادق علیه السلام فرمودند: پیامبر و علی علیه السلام به زنان سلام می‌کردند ولی علی علیه السلام به زنان جوان سلام نمی‌کرد و می‌فرمود: می‌ترسم از صدایش خوشم بیاید و فتنه اش از ثوابش بیشتر شود. (۱۳۴) پیامبر در ضمن حدیثی نهی فرمودند: از آنکه زن بیشتر از پنج کلمه (غیر ضروری)، نزد نامحرم سخن بگوید. (۱۳۵) فقهاء نیز سخن گفتن بصورت مهیج و تحریک آمیز را حرام دانسته‌اند. (۱۳۶)

تشبیه زن به مرد و بالعکس

امام صادق علیه السلام بنقل از علی علیه السلام فرمودند: به زنان نامحرم سلام نکنید و آنانرا به غذا دعوت ننمائید (۱۳۷) (کنایه از آ غاز ارتباط بدین شکل میباشد). مشابهت بامردان امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند: جایز نیست که زن خود را شبیه مرد نماید زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مردانی را که مشابه زنان میشوند و همچنین زنانی که خود را شبیه مردها قرار میدهند لعنت کرده است. (۱۳۸) قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: لعن الله المتشبهین من الرجال بالنساء المتشبهات من النساء بالرجال. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: خداوند مردانی را که شبیه زن میشوند و زنانی را که خود را شبیه مرد قرار میدهند لعنت کرده است (۱۳۹). (۱۴۰)

ترفندهای استعمار

دختران دبیرستانی قاهره رسماً از پوشیدن شورت داغ و مینی ژوب ممنوع شدند، زیرا این لباس‌ها باعث حواس پرتی دبیران خواهد شد... خود دختران بجای اینکه به مطالب دبیر گوش کنند به لباس‌های یکدیگر توجه دارند... تعجب این است که زن برای بدست آوردن زیبایی، موی سر و ناخن، پاها را بدست مدسازان میدهد: یک روز گیس دم اسبی می‌سازند و روز دیگر موهایشان را آشفته میکنند و روز سوم مد شینیون را می‌پذیرند و... یک روز لاک ناخن را صدفی میکنند، روز دیگر سرخ و روز سوم قهوه ای روز چهارم نارنجی و... یک روز رنگ اطراف چشم را سفید میکنند روز دوم آبی، روز سوم طلایی، نقره ای و... یک روز پاشنه‌های کفش را ۸ سانتی متر بلند مینمایند روز دیگر آن را کوتاه میکنند، روز سوم پاشنه‌ها را صناری مینمایند و... آری زنی که برای این رنگارنگ شدن، خود را برای زیبا شدن که یک امر موهوم است دست این و آن میدهند آن هم برای چند لحظه و یا چند روز بر خوردار شدن از زیبایی، حاضر نیست برای بدست آوردن سعادت و آرامش، خود را در اختیار شوهر بگذارد و هوای دل او را داشته باشد تا با یکدیگر زندگی آسوده ای داشته باشند! (۱۴۱)

فروش زن

جوان ۲۴ ساله ای که عاشق زن شوهر داری شده بود زن را که ۹ ماهه آبستن بود دزدید و در خانه یکی از اقوام خود در نقده مخفی کرد، آنگاه برای شوهر زن پیام داد: زن تو مرا دوست دارد و آلائی هم پیش من است او را طلاق بده تا با او ازدواج کنم... محمد که فرار زیبا با مردی غریبه را مایه ننگ خود میدانست و دیگر حاضر نبود با او زندگی کند جواب داد: حاضرم این کار را بکنم، بشرطی که تو به من ده هزار تومان پول نقد بدهی و با هم قرار ملاقات گذاشتند و بالاخره زن به شش هزار تومان خریداری شد و نقد دریافت گردید و قرار شد که وقتی زیبا بچه دار شد فرزندش را تحول پدرش بدهد. اما هنگام وضع حمل عروس حامله در گذشت و داماد ناکام با چشمان اشکبار معشوقه اش را به گورستان برد و بخاک سپرد... (۱۴۲) خُب اگر این زنی که شوهر دارد حجابش را رعایت میکرد کدام مرد میتواندست او را ببیند و عاشق او بشود و این جریان پیش آید که نه دنیا داشته باشد و نه آخرت... عبرت بگیرید.

شوهر عاشق

زنی که دارای دو کودک بود میگفت: شوهرم عاشق دوستم شده است و دل از زندگی و خانه کنده و دوست یک دختر بیست ساله شده و مدتهاست که با این زن رفت و آمد دارد و همین معاشرت سبب عشق شوهرش نسبت به او شد. زن برای بر هم زدن این عشق یک بار دست به خودکشی زد ولی نتیجه ای نگرفت... آری زن بچه دار و شوهر کرده، با دختر بیست ساله امروزی دوست می‌گردد و پای او را به خانه خود باز میکند و شوهر دله او هم با او معاشرت مینماید. سرانجام دوستی های عصر اتم را ملاحظه نمائید!! پایان دوستی ها و ازدواج هائی که بر اساس معنویت نیست!! (۱۴۳) اگر آن زن دوست بی حجاب خود را توی زندگی خودش نمی آورد، شوهر دله او عاشق روی زیبای او نمی گشت که کار به خودکشی گردد.

حجاب گل باز نشده

گل تا باز نشده است معطر است، وقتی که باز شد، عطر خود را از دست میدهد. زن تا با حجاب است زیباست، وقتی که این حجاب را کنار زد آن زیبایی و طراوت خود را از دست میدهد. (۱۴۴)

زنی شوهر را داغ کرد

مشهد: آقای محی الدین با سر و صورت زخمی و پنبه کاری شده در حالیکه دائما با وحشت اطراف خود را نگاه میکرد میگفت: آقا آمده ام از دست زن عفریته ام شکایت کنم شما را بخدا مرا از دست او نجات دهید... چرا آقا؟ مگر همسران چه خطائی کرده خطا؟! اختیار دارید قربان مرحمت آقا... اسمش را نمی شود خطا گذاشت قضیه این است که زن بنده همینکه در و تخته ای به هم میخورد میافتد بجان من و تامی خورم کتکم میزند... امروز هم ضمن یک کتک کاری مفصل، دست و پای مرا با طناب بست و بعد باسیخ کباب ده جای بدنم را داغ کرد... آخر من خجالت میکشم آن جاها را نشان بدهم... عجب پس با این حساب خانم شما... نگویید خانم، قربان بفرمائید هیولا... میدانید آقا من کارمند دولت هستم و ماهی دو هزار تومان حقوق دارم و با آن یک خانواده پنج نفری را اداره میکنم... اما زن بنده درست یکهزار تومان از این پول را هر ماه خرج آرایش و خرید لباس خودش میکند حرف هم که میزنم جوابم را با کتک میدهد تا اینکه امروز خواست برایش یک پالتو پوستی بخرم و چون گفتم چنین پولی ندارم دور از جان شما باسیخ کباب افتاد بجان بنده. (۱۴۵)

قتل در خواب

دختر و پسری که از برتری و زیبایی، جاهت، جذابیت بر خوردار است، باید بداند که او بیشتر در معرض خطر است. خیلی عشقه‌ها، محبت‌ها، روابط، پایه و اساس ندارد مگر در پر تو بنیاد الهی و انسانی تشکّل یابد. اسلام برای جلوگیری از روابط ناسالم و ناشایسته بیاناتی را بیان داشته که قابل توجه هست. کسی که زیباست باید بداند هزاران دام و مکر برایش گسترده شده که برخی از آنها بسیار موقت و زودگذر است، گاهی هم جنبه انحراف و بدبختی است، برخی از آنها موجب پشیمانی و آبرو ریزی خواهد بود. (۱۴۶) این داستان حقایقی را به ما می‌آموزد: من قصد کشتن دخترم را نداشتم ولی بخاطر رفتار ناپسند او که باعث آبرو ریزی من شده بود ناچار به مشروب پناه بردم و در حالیکه از شدت مستی روی پاهایم بند نبودم به خانه وارد اطاق شدم. همسر، دختر و بچه هایم خوابیده بودند و دیگر چیزی نفهمیدم... موقعیکه دخترم چهار ده ساله بود با این جوان آشنا شد. آنها مرتب با هم پنهانی ملاقات میکردند وقتی از مزاحمت های او بستوه آمدم خانه ام را عوض کردم ولی او دست از مزاحمت‌هایش بر نداشت. وقتی چنین دیدم تصمیم گرفتم دخترم را به عقد او در آورم، اما متوجه شدم که دارای زن و فرزند است. به او گفتم دست از تعقیب دخترم بردار! گفت: حاضرم بخاطر ازدواج با او زخم را طلاق بدهم مشروط بر اینکه شهرزاد و پانصد تومان مهریه اش را بدهی، چون آبروی خانوادگیم در خطر بود حاضر شدم، بعد فهمیدم که او فقط میخواهد با دخترم عشقبازی کند. دخترم هم این مطلب را فهمیده بود و قول داد که او را فراموش کند و بدرس خود ادامه دهد، اما باز هم وسائل درس را کنار گذاشت و با جوان رابطه پیدا کرد. دیگر دوستان و آشنایانم سرزنش میکردند و هر کجا میرفتم انگشت نما بودم... و سرانجام با کارد سلاخی دخترش را در خواب بقتل رسانید. (۱۴۷) این مرد اگر از اول، آئین اسلام و حجاب را در خانواده جا می‌انداخت دخترش روی خود را به جوانان دله نشان نمی داد که به اینجا کشیده شود.

چینیها

در چین مردم فاقد سه چیزند و این فقدان نیز خود برای مردم چین سعادت بزرگی است: اول: کاباره و تفریحات زیانبخش. دوم: لوازم آرایش بطرزی که امروز در غالب کشورها رواج دارد. سوم: لباس به سبک غربی. در چین از مینی و ماکسی و شرت داغ خبری نیست. مردم خیلی ساده لباس میپوشند... و همینگونه مسائل، رمز ترقی و تکامل چین است و هرگاه مسلمانان این گونه مسائل را با سرمایه‌ی معنوی اسلام در آمیزند بطور حتم آقائی و رهبری جهان را اشغال خواهند کرد و روزی خواهد رسید که بار دیگر بر دنیا حکومت خواهند کرد و آن روز در اثر پشتکار و جدیت دیر نخواهد بود... (۱۴۸)

لباسهای جلف

دوشیزگان و بانوان فکر میکنند با پوشیدن لباس جلف و زننده، بر دوستانشان میافزایند و شهرت بیشتری پیدا میکنند و آسایش بهتری خواهند داشت، در صورتیکه اینها غافلند که با این جلف بازی ها نه تنها به جوانان ولگرد و منحرف میافزایند، بلکه همانطوریکه در آمارهای یاد شده از آمریکا روشن شد خودشان بیشتر در معرض تجاوز و تهدید هستند. داستانهای تجاوز، اغفال؛ خودکشی و فرار، بیشتر در میان همین جلف پوشان است این داستان حقایقی را به ما می‌آموزد: مشهد: پسر ۱۵ ساله ای که از خانه فرار کرده بود دستگیر شد، وی در باره ی علت فرار خود گفت: مادرم هنگام رفتن به خیابان، لباس های جلف میپوشد و بهمین سبب همسالانم مرا متلک باران میکنند. من چند روز قبل از مادرم خواستم بعد از این لباس مناسب بپوشد، بجای توجه بخواست من چند ناسزا نثارم کرد و شکایتم را پیش پدرم برد و پدرم هم مفصلاً کتکم زد. حال شما بگوئید میشود با این پدر و مادر بی تربیت زندگی کرد؟ همه پدر و مادران از لباس پوشیدن پسران و دخترانشان در رنج و عذابند و من بدبخت از لباس پوشیدن مامانم... وقتی پدر و مادر پسر شاکمی آمدند معلوم شد حق با اوست، زیرا مادر که در حدود چهل و پنج سال دارد لباسی میپوشد که برای

دختران ۱۷ ۱۸ ساله هم مناسب نیست... همین زنها و دوشیزگان جلف هستند که در کوچه و خیابان مورد حمله متلک گویان قرار میگیرند و روز بروز با روش خود بر خیل مزاحمین میافزایند و پس از آن بر زندانیان، تیمارستانیان و خودکشی کنندگان. (۱۴۹)

مثل این باشید

۱ یکی از علماء بزرگ (مرحوم آیه الله سید باقر مجتهد سیستانی پدر آیه الله سید علی سیستانی و مرحوم سید محمود مجتهد سیستانی) در مشهد مقدس برای آنکه به محضر امام زمان عج الله شرفیاب شود ختم زیارت عاشورا در چهل جمعه هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز میکند ایشان فرمودند: در یکی از جمعه های آخرین، ناگهان شعاع نوری را مشاهده کردم که از خانه ی نزدیک آن مسجدی که من در آن مشغول به زیارت عاشورا بودم میتابید، حال عجیبی به من دست داد، از جای برخاستم و بدنبال آن نور بدر به آن خانه رفتم، خانه کوچک و فقیرانه ای بود، از درون خانه نور عجیبی میتابید. در زدم وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر امام زمان عج الله در یکی از اتاقهای آن خانه تشریف داشتند و در آن اتاق جنازه ای را مشاهده کردم که پارچه ای سفید بروی آن کشیده بودند، وقتی من وارد شدم و اشک ریزان سلام کردم، حضرت بمن فرمودند: چرا اینگونه دنبال من میگردی و رنجها را متحمل میشوی مثل این باشید (اشاره به آن جنازه کردند) تا من دنبال شما بیایم! بعد فرمودند: این بانویی است که در دوره بی حجابی (رضا خان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامده مبادا نامحرم او را ببیند! (۱۵۰)

پند

ای بانو و ای دختر مسلمان آیا حجاب تو و زندگی تو مورد رضای امام زمانت هست آیا آنگونه زندگی میکنی که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بتو نظر مرحمت فرماید؟ آیا تقوی و حیاء و عفت و حجاب تو آنگونه است که نامت در زمره یاوران حضرتش ثبت گردد؟ آیا آنگونه هستی که در هنگام مرگ عزیزانت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین به بالین تو آیند و سفارش تو را به فرشته مرگ نمایند و در لحظات سخت واپسین زندگیت آنگونه پاک هست که اگر امام زمان خواست در شهری چند لحظه ای ساکن شود خانه تو را برای زندگی انتخاب کند؟ آیا لباس و پوشش شما اسلامی است (۱۵۱)

نتیجه بدحجابی

یکی از علماء مشهد میفرمود: روزی در محضر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین سید یونس اردبیلی بودیم، جوانی آمد و مسئله ای پرسید و گفت: من مادرم را دو روز پیش دفن کردم و هنگامی که وارد قبر شدم و جنازه مادر را گرفته خواستم صورت او را روی خاک بگذارم کیف کوچکی که اسناد و مدارک و مقداری پول و چک هائی در آن بوده از جیبم میان قبر افتاده، آیا اجازه میدهید نبش قبر کنیم تا مدارک را برداریم و تقاضا کرد که نامه ای به مسئولین قبرستان بنویسند که آنها اجازه نبش قبر بدهند. ایشان فرمود: همان قسمت از قبر را که میدانید مدارک در آنجاست بشکافید و مدارک را بردارید و نامه ای برای او نوشت بعد از چند روز آن جوان را دوباره در منزل آقای اردبیلی دیدیم، آقا از او پرسیدند: آیا شما کارتان را انجام دادید و به نتیجه رسیدید، او غمناک و مضطرب بود و جواب نداد بعد از آنکه دوباره اصرار کردند گفت: وقتی من قبر را نبش کردم دیدم مار سیاه باریکی دور گردن مادرم حلقه زده و دهانش را در دهان مادرم فرو برده و مرتب او را نیش میزند!! چنان منظره وحشتناک بود که من ترسیدم و دوباره قبر را پوشاندم! از او پرسیدند: آیا کار زشتی از مادرت سر میزد؟ گفت: من چیزی بخاطر ندارم، ولی همیشه پدرم او را نفرین میکرد زیرا او در ارتباط با نامحرم بی پروا بود و روگری و حجاب نداشت و با سرو روی باز با مرد نامحرم روبرو میشد و بی پروا با او سخن میگفت و در پوشش و حجاب رعایت قوانین اسلامی را نمی کرد با نامحرم شوخی میکرد و میخندید و از اینجهت

همیشه مورد عقاب و سرزنش بود. (۱۵۲)

حجاب و عفت در کربلا

بعد از ظهر عاشورا وقتی خیمه های حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را آتش زدند و به فرمان حضرت سجاد علیه السلام همه فرار کردند. دخترکی از فرزندان امام حسین علیه السلام میگوید: من فرار میکردم، عربی، مرا دنبال کرد و با نیزه به پشت من زد که بزمین افتادم، آنگاه چنان گوشواره مرا کشیده، که گوشم را درید و من بیهوش شدم، وقتی بیهوش آمدم دیدم عمه ام زینب سر مرا بدامن گرفته نوازش میکند. این دختر دلسوخته ای که آشیانه اش ویران شده، به آتش کشیده شده، پدرش و برادرانش شهید شدند، لب تشنه است، سه روز است آب برویش بسته است، وقتی به هوش آمدم، نگفت: عمه تشنه ام! نگفت: عمه گوشم مجروح است! نگفت: عمه مرا تازیانه زدند! نگفت: پدرم کو! برادرم کو!... فقط وقتی متوجه شد چادر بسر ندارد با گریه التماس کرد! عمه جان چادر ندارم!! آیا چادری نداری که خود را با آن بپوشانم حضرت زینب گریه کرد و فرمود: دخترم چیزی برای ما باقی نگذاشته اند! (۱۵۳)

پدر حجاب

وقتی حضرت سکینه دختر امام حسین علیه السلام روز یازدهم در گودال قتلگاه خود را روی بدن پدر انداخت و عده ای از اعراب با کعب نی و تازیانه او را از بدن بی سر پدر جدا کردند، نگفت: پدر مرا میزنند! نگفت: پدر مرا به اسیری میبرند! نگفت: پدر تشنه ام! بلکه اشک میریخت و فریاد میزد: پدر برخیز بین چادر از سرما کشیدند. بابا سرهای برهنه ما را بنگر. بابا برخیز بین عمه ام زینب را میزنند! (۱۵۴)

چادر نیمه

این جمله معروف از حضرت زین العابدین علیه السلام است: ای کاش مادر مرا نمی زائید، وقتی بود که چشمش به همسر جوانش افتاد که فرزندش حضرت باقرالعلوم علیه السلام را که دو ساله بود در بغل داشت و چادر او آنقدر کوچک بود که اگر میخواست خود را بپوشاند، آفتاب صورت فرزند را میسوزاند و اگر میخواست فرزند را زیر چادر برد، نمی توانست خود را کامل بپوشاند، این بود که حجت خدا و مظهر غیرت پروردگار آهی کشید و فرمود: ایکاش مادر مرا نمی زائید و این روز را نمی دیدم. خواهرم بیا از کربلا آن دانشگاه بزرگ جهان، درس حجاب و عفت و حیا بگیر، بیا از کربلا فقط درس گریه بگیریم بلکه آنچه سیدالشهداء علیه السلام در آن دانشگاه بزرگ، تدریس فرموده نیز بیاموزیم. (۱۵۵)

شهید راه ولایت و حجاب

سرور بانوان دو جهان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) برای حفظ حجاب و در راه دفاع از امام زمانش امیرالمؤمنین علی علیه السلام شهید شد. زیرا وقتی دشمن درب خانه حضرتش را به آتش کشید، در را شکسته خواست وارد خانه شود، الگوی تقوی و حیا برای آنکه نامحرم او را نبیند، خود را پشت در پنهان نمود، آنگاه دشمن احساس کرد فاطمه (علیها السلام) پشت در است در را چنان فشرد که حضرتش محسن را که شش ماهه بود سقط نمود و به همین حادثه و صدمات دیگر از دشمن، مریض شد و به شهادت رسید. ای دختران جوان و ای بانوان شیعه بنگرید که در چه شرایط حساس و سختی بفکر حیا و حجاب و چادر خود بودند و در هیچ لحظه حجاب خود را فراموش نکردند آیا نمی خواهید از مدینه و کربلا درس حجاب واقعی بگیرید آیا نمی خواهید با

حیا و حجاب بیشتر و دقیقتر به حضرت سیدالشهداء علیه السلام و خواهران و بانوان و عزیزانش عشق بورزید آیا نمی خواهید حسینی باشید آیا نمی خواهید زینبی باشید!!؟؟ (۱۵۶)

الگوی تقوی

در مجلس عیدالله ابن زیاد دیدند حضرت زینب (علیها السلام) آن الگوی تقوی و حیا پیوسته صورت مبارک خود را با آستینش میپوشاند مبادا نامحرم صورت زینب را ببیند! (۱۵۷)

ظاهر سازی

گرچه اسلام به تمیزی، نظافت، خوشبو بودن توجه زیادی کرده، ولی اگر این امور موجب تحریک دیگران گردد قطعاً حرام است، اصولاً زن و مرد یک حالت جلوه گری بقول قرآن تبرج نسبت به جنس مخالف دارند، ولی زن از این نکته بیشتر میتواند بهره جوید زیرا از زمینه های بیشتری برخوردار است. اینکه خانمها وقتی میخواهند خیابان بروند لحظاتی را مشغول صافکاری، نقاشی، بتونه کاری و رنگ آمیزی، طراحی، آرایش، پالایش سر و صورت و اندام خود میکنند، برای این است که در نظر دیگران جلوه کنند، بیچاره مردشان همیشه در انتظار وقتی هست که همسرشان میخواهد از منزل خارج شود عروسی برود، مجلس مهمی برود و... نگاهی به حلال خود بکند و لذت ببرد. حُب وقتی زن برای مردان نامحرم بزرگ کند مردان هم از زنان بزرگ کرده خیابان لذت میبرند. خواهر! خیلی به جلوه گری موقتی، وعده های بی حساب، موقعیت های دروغی، علاقه نشان دادن مردان دلگرم نباش که اگر کسی این خصوصیات را واقعا میداشت نیاز نداشت همسر کنار خیابانی انتخاب کند و دنبال همسر پیاده روی و سر کوچه بنشیند و تو خیابان لوس بازی در آوردن نبود، میرفت با پدر و مادر و بزرگان فامیلشان و یک مورد مناسب را پیدا میکرد. خیلی باعزت و احترام فرد مورد نظرش را انتخاب میکرد و آداب و رسوم معمولی و زمینه ازدواج آبرومندان را فراهم میکرد، چرا دنبال این و آن ناشناخته آن هم مخفیانه برود. برادر! خیلی به چهره سفید، نورانی، خوش آب و رنگ و... زنان توجه نکن (ممکن است اینها مصنوعی باشد و یا وسیله انحراف باشد) اگر نه دختر سالم، متشخص و با وفا، در کوچه و خیابان دنبال شوهر نمی گردد، بلکه عفت خود را حفظ میکند تا با احترام و عزت از او خواستگاری کنند و آغاز مستحکمی را داشته باشد و زمینه ساز آینده و آخرت خوبی باشد. اگر پایه زندگی اساسی و حساب شده نباشد پایان رنج آوری خواهد داشت، آخر همه زندگی که مقام، مدرک، زیبایی، اندام، چشم، ابرو، شهرت و... نیست، بله اول زندگی یک مقداری تاثیر دارد ولی بعدها مسائل دیگری مانند: ایمان، صداقت، پاکی، ادب عاطفه، خانه داری، بچه داری، همسرداری... و اساس زندگی را پایدار میدارد. (۱۵۸)

ملاک برتری

نظر اسلام ملاک ارزش و برتری مسائل زودگذر و ظاهری نیست، اگر چه به این امور هم بی توجه نیست، بلکه نهادهای پاینده و قابل افزایش مورد توجه است، آن چیزها ارزش است که زمینه ساز قوا و پایداری خانواده و نیز سبب تقرب و نزدیکی بخدا باشد. زیبایی چهره، چشم و ابرو، لب و دهان، و بینی، سفیدی یا سبزه بودن زن و مرد، خوش اندام بودن و... که ظاهرا دیده میشود در صورتی ارزنده است که در درون فرد ایمان، وقار، ادب، صداقت، پاکی و... قرار داشته باشد و گرنه خود این مسائل زمینه ساز از هم گسستن خانواده میگردد. چه بسا افرادی بخاطر ظاهر جذاب، پیوند زندگی خود را آغاز کرده اند ولی چون از نظر معنوی ضعف داشته اند به ورطه سقوط و پرتگاه بدبختی کشیده شده اند، آنانکه گمان میکنند این عوامل ظاهری ارزشمند است و باید فقط ملاک پیوندها این باشد سخت در اشتباه هستند. زیرا پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: از سبزی کنار زباله ها و کثافات

پرهیز کنید. عرض کردند: یا رسول مقصود شما چیست (خضراء الدمن) فرمود: زن زیبایی که در خانواده پست و بی اخلاقی پرورش یافته باشد. اگر دختر و پسر زیبا و خوش اندامی، در یک خانواده غیر متدین رشد کنند احتمال زیاد دارد که از سلامت معنوی و عفت واقعی برخوردار نباشند. اصولاً هر برتری اگر در کنارش ایمان، عقل و جدان باشد، ارزش پیدا میکند. اگر دختر یا پسری زیبا باشند ولی عقل نداشته باشند، ایمان نداشته باشند نه اینکه سعادت بخش نیست بلکه مصیبت بار میباشد، گاه دختر یا پسر خود مقید هستند، ولی از نظر فکر و اندیشه و اراده ضعیف هستند و به دام صیادان جامعه گرفتار میشوند، این است که باید انگیزه و ملاک ازدواج ایمان باشد، تجربه نشان داده که این امور بدون معنویت سعادتبخش نخواهد بود. ممکن است در ذهن این سؤال پیش آید که پس چرا زیبا رویان زودتر سامان مییابند؟ باید گفت: بخاطر اینکه این اشتباه جامعه است که زیبایی بدون ایمان، بدون تشخص، بدون ادب را بهتر میدانند از سیما و اندام متوسط، اما با ایمان و اراده قوی. ما باید خود ملاکهای واقعی را ارج نهمیم تا به مرور ضد ارزشها فراموش و ارزشها رشد یابد. از آن سوی به آنکه از نظر خودشان احساس ضعف ظاهری میکنند توصیه میکنیم که به جای جلوه گری، طنازی و... به افزایش جنبه های معنوی و انسانی خود پردازند و از خدا و ائمه (علیهم السلام) بخواهند یک مورد مناسب را برای آنها بوجود آورند. در زمان نه چندان دوری موارد مناسبی را خدا تاءمین خواهد کرد، ولی کسی که بخواهد با مثلاً فلان کمبود ظاهری هی گناه کند، دیگران را به گناه وادار نماید، بداند هیچ جاذبیت معنوی نخواهد یافت و... آری در روایات به این امر توصیه شده که زنان شوهران برجسته و نیکو صورت و سیرت برگزینند و مردان هم زنان زیبا و جذاب انتخاب کنند، ولی این بدان معنی نیست که باید تمام نظر زیبایی باشد بلکه باید میزان ایمان او بالاتر باشد، اگر زیبایی، برتری مرد یا زنی مثلاً ۵۰ درجه باشد و پایه ایمانی او ۸۰ درجه نباشد باید بدانند که زندگی موفقیت آمیزی نخواهد داشت، زیبایی و برتری زیاد منهای ایمان خطر آفرین است. و این یک امر طبیعی است هر چه بلندی و تنومندی درخت افزوده گردد باید ریشه هایش قوی تر باشد. و گرنه درخت ثبات ندارد. هر چه میزان مصرف برق بیشتر باشد، باید قدرت تحمل سمیهای داخلی یک ساختمان و کنترل و کابل ورودی به خانه قوی تر باشد و گرنه موجب آتش سوزی و نارسائی در سیستم برقی میگردد. هر چه ارتفاع ساختمان و امکانات آن و تاسیسات آن بیشتر باشد، باید پایه و اساس ساختمان قوی باشد هر برتری مادی و ظاهری که در انسان وجود دارد اگر در کنارش بلکه بیشتر از او ایمان، ادب، و جاهت نباشد همان برتری شکست آفرین خواهد بود. البته این انحصار به جوانب ظاهری ندارد، حتی برتری غیر مستقیم هم همین خطر را دارد. مثلاً دختر یا پسری که دارای علم، مدرک، تخصص و... هستند، همین امکان خطر برایشان وجود دارد. اگر پدر و مادر پولداری داشته باشند همین مشکل در سر راهشان خواهد بود. (۱۵۹)

مسئله

زن نباید گفتارش بگونه ای باشد که عشوه گرانه و محرک باشد. زن نباید طوری راه برود که از صدای کفش و حالت راه رفتنش دیگران متوجه شوند. زن نباید برای غیر همسر خود زینت (آرایش) کند. زن و مرد نامحرم یا محرمی که ترس تحریک باشد) نباید در یک مکان تنها باشند، هر زنی که از روی هوی و هوس به مردان اجنبی و نامحرم نگاه کند خداوند اعمال نیک او را تا آن وقت که انجام داده محو میکند و اگر به بستر غیر شوهر خود رود بر خداوند متعال است که او را با آتش بسوزاند، پس از آن عذابی که در عالم قبر و برزخ بر او روا داشته است. زن نباید پوشش نازکی داشته باشد که بدن نما باشد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم نهی فرمود: که زن با مرد نامحرم پیش از حد ضرورت سخن بگویند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بوی بهشت از فاصله ۵۰ هزار سال قابل استفاده است ولی کسی که به پدر و مادر خود بی احترامی کند و مردی که نسبت به عفت خانواده اش بی توجه باشد بهره ای از بوی بهشت را نمی برد (یعنی اینقدر از بهشت دور است). سؤال کردند: چرا یا رسول الله فرمود: زیرا اجازه میدهد ناموسش (زمینه های زنا را بوسیله جلوه گری، خودنمایی و...) در بین جامعه ظاهر گردد (۱۶۰). (۱۶۱)

ناپاکی، شکست جامعه

کشور اسپانیا در جنوب غربی اروپا قرار دارد و از کشورهای حاصل خیز و خوش آب و هوای اروپاست، این کشور در سال ۷۱۱ میلادی زمان خلافت بنی امیه بدست مسلمانان فتح شد. طارق بن زیاد فرمانده یک لشکر ۱۲ هزار نفری از راه جبل الطارق (که هم اکنون به نام او است) در زمان کمی اسپانیا را فتح کرد و مسلمانان حدود هشتصد سال بر این کشور حکومت کردند. مسیحیان هر چه کردند در این هشتصد سال نتوانستند اسپانیا را با وجود جنگهای خونین پس بگیرند، تا بالاخره زمامداران مسیحی از راه فحشا مسلمانان را شکست داده و از اسپانیا راندند و قتل عام مسلمین صورت گرفت. زمامداران مسیحی با یکی از افسران خائن مسلمان به نام براق بن عمار همدست شده و به کمک وی دو کار کردند: ۱- مشروبات الکلی را به حد و فور در شهرهای اسپانیا با قیمت‌های ارزان و نازل وارد کردند و در اختیار جوانان مسلمان قرار دادند. ۲- دختران طناز و دلربای اروپائی را گروه گروه وارد شهرها کردند و به آنها راه جذب جوانان مسلمان را آموزش دادند و آزادانه در معابر عمومی در اختیار جوانان رخنه کرد و وقتی فساد به زمامداران سرایت کرد مقدمات نابودی و سقوط مسلمین فراهم شد. (۱۶۲)

زنا و زنا

می دانیم که اسلام با هر عاملی که موجب انحراف جنسی گردد مخالف است و به شدت با آن مبارزه میکند: نگاه کردن، لخت شدن، لباس زننده پوشیدن، مطالب بدآموز مطرح کردن: چه از طریق کتاب و چه از طریق فیلم و یا موسیقی، ترانه و یا سرودهای تحریک کننده. در عین اینکه اسلام در مبارزه با مفاسد با علتها مخالفت میکند، با پدیده های مفاسد هم مخالفت میکند، یکی از مفاسد اجتماعی که اسلام از راههای مختلف با آن به مخالفت برخاسته زناست. عظمت مطلب از روایات زیر روشن میگردد: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: وقتی زنا زیاد گردد مرگهای ناگهانی فراوان شود. در روایت دیگری رسول (خدا) ص فرمود: زنا پنج اثر دارد: آبرو را میبرد (نور صورت بر طرف میشود) فقر میآورد، عمر را کوتاه میکند، خدا را عصبانی میسازد و زناکار برای همیشه در جهنم میماند. و در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام است که فرمود: زنا کار سه ضرر در دنیا دارد و سه ضرر در آخرت، در دنیا نور صورتش گرفته میشود، فقیر میگردد و عمرش کوتاه میشود، در آخرت خدا از دست او عصبانی میشود، حسابش سخت است و در عذاب جهنم برای همیشه خواهد ماند. امام صادق علیه السلام فرمود: تجاوز به ناموس مردم موجب تجاوز به ناموس زناکار میگردد. از آنجا که در و دیوار و زمین از گواهان اعمال ما هستند؛ روز قیامت گواهی به کارهای خوب و بد ما خواهند داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ناله ای که زمین برای انجام سه عمل میکند نمونه ندارد: خونی که بی جهت روی زمین ریخته شود، غسل جنابت از زنا و برای نماز صبح خواب ماندن. در مورد عذاب زناکار همین بس که به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم: روز قیامت، خدا به سه دسته اعتناء نمی کند: حرف نمی زند، تصفیه آنها را نمی پذیرد، و به آنها نگاه نمی کند و عذاب ابدی مخصوص آنهاست: پیر زناکار، پادشاه ستمگر و خود خواه مغرور. این روایت شدت عذاب زناکاران را روشن میسازد: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: روز قیامت بوی گندی میوزد که همه مردم از آن ناراحت میشوند و دماغ خود را میگیرند، فریاد میرسد: آیا میدانید این بوئی که شما را آزار داد چه بود؟ مردم میگویند: نفهمیدیم و خیلی ما را ناراحت کرد. گفته میشود: این بوی تعفن از پائین بدن زناکارانی است که توبه نکرده اند و از دنیا رفته اند، خدا آنان را لعنت کرده و شما هم آنان را لعنت کنید. تمام مردم با این فریاد: خدایا زناکاران را لعنت کن. در روایت دیگری فرمود: بوی تعفن آنان تا ۵۰۰ سال راه میرود و مردم آزار میکشند. (و خودشان هم پیش مردم شرمند اند.) رسول (خد) ص در روایت دیگری فرمود: مهمترین گناهان در نزد خدا اینها هستند: کشتن پیامبر، امام، خراب کردن کعبه (قبله مسلمانان) و زنا. (توجه فرمودید که گناه زنا در ردیف

کشتن پیامبر و امام علیه السلام و خراب کردن خانه خدا (مکه) است. اسلام تنها عمل زناشوئی را زنا نمی داند بلکه مقدمه آنرا هم زنا میدانند و برای هر عضوی زنائی در نظر گرفته است: امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فرمودند: اعضای بدن هم زنا میکنند: زناى چشمها نگاه کردن است، زناى دهان بوسیدن و زناى دستها بدن نامحرم را لمس کردن، خواه این مقدمات به عمل زناشوئی برسد یا نرسد. نه تنها اعضای بدن در گناه زنا شریک هستند، بلکه واسطه ای که در زنا فعالیت میکند در گناه زناکار سهیم است و امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم واسطه گر را لعن نموده است. ناگفته نماند که عمل جنسی با حیوان هم در حکم زنا است. این نکته قابل تذکر است که گاهی غیرت مرد به جائی میرسد که حتی برای حفظ ناموس خود غیرت خروس را هم ندارد و خوک صفت همسر خود را برای دیگران میبرد که چنین فردی گناهش بیشتر از واسطه هاست. این فرد در روایات به عنوان دئیوث معرفی شده است و این عذابها را دارد: خدا در قیامت با او حرف نمی زند، به وی اعتناء نمی کند، مورد تصفیه قرار نمی گیرد، عذاب ابدی دارد بوی بهشت که از ۵۰۰ سال راه فاصله شنیده میشود او نمی شنود و نماز آنها در دنیا قبول نمی گردد. در عین این عذابها خداوند راه توبه را باز گذاشته است و هر چه زودتر باید زن و مرد این چینی توبه کنند و پس از توبه واقعی، بتدریج روح ایمان به آنان باز میگردد و روز قیامت در بهشت خواهند بود. امام صادق علیه السلام فرمود: در روز قیامت سه دسته آزادند تا حساب پایان یابد: کسی که هیچگاه قصد زنا نکرده، کسی که مال او به ربا (بهره) مخلوط نشده و کسی که واسطه زنا و ربا نگردیده است. (۱۶۳)

محرم و نامحرم

در ادیان آسمانی عده ای از زنان را برای مرد محرم شناخته اند و مرد نمی تواند با آنها ازدواج کند و نگاه به آنها بدون قصد لذت بردن گناه ندارد. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۲۴-۲۳ زنائی که محرم هستند و نمی توان با آنها ازدواج کرد چنین معرفی میفرماید: ۱- زن پدر (نامادری مادر دوم) ۲- مادر ۳- دختر ۴- عمه ۵- خواهر ۶- دختر برادر ۷- دختر خواهر ۸- خاله ۹- دایه (زنی که پسر را شیر میدهد اگر چه یکشنبه روز پشت سر هم شیر داده باشد). ۱۰- خواهر رضاعی: دختری که با پسر همشیر بوده و از مادر آن دختر شیر خورده حداقل ۲۴ ساعت تمام شیر خورده باشد که از شیری که میخورد گوشت روئیده شود. ۱۱- مادر زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است. ۱۲- دختر زنی که با او ازدواج کرده و دختر را از شوهر دیگر داشته است. ۱۳- زنی که برای پسر حلال شد، محرم پدر میشود و پدر هیچوقت نمی تواند با او ازدواج کند (چون عروس او است و پس از مرگ پسرش نمی تواند با او ازدواج کند). ۱۴- جمع میان دو خواهر در یک زمان، یعنی نمی توانیم دو خواهر را با هم بگیریم ولی میتوانیم یکسال با یکی از آن دو ازدواج کنیم و سال دیگر با آن یکی (البته بصورت صیغه وعقد موقت چون وقتی عقد دائم باشد پس از سه طلاق نیاز به محلل دارد. و پس از ۹ طلاق برای همیشه حرام میگردد). ۱۵- با زن شوهردار هم نمی توان ازدواج کرد و محرم انسان هم نیست و باید مثل زنان غریبه با او رفتار کرد. در اسلام، با این ۱۵ دسته نمی توان ازدواج کرد و ازدواج با آنها باطل و حرام است و عمل زناشوئی با آنها کیفر بیشتری دارد، اما نگاه به آنها بدون قصد لذت گناه ندارد اما نگاه به ما بقی زنها غیر از این ۱۵ مورد حرام است. با توجه به نکته های یاد شده دامادی که با طائفه ای خویشاوند میگردد فقط با مادر دختر محرم میشود و میتواند به او نگاه کند و ازدواج با او حرام است، اما سایر بستگان دختر به پسر محرم نمی شوند و حق نگاه کردن به آنها و یا صحبت با آنها (بیشتر از حد ضرورت) را ندارد، خواهر، عمه و خاله دختر (عروس) همه و همه به پسر (داماد) نامحرم هستند از سوی دیگر دختر که وارد طایفه جدید میشود فقط به پدر پسر محرم است و پدر شوهر میتواند به او نگاه کند اما برادر داماد، دائی، عمو و سایر اقوام پسر محرم دختر نمی شوند و باید از آنها پرهیز کند و رو بگیرد. به تعبیر دیگر اگر شوهرش از دنیا رفت در طائفه جدید فقط به پدر شوهرش نمی تواند شوهر کند، اما با سایر افراد طائفه مانعی ندارد. در صدر اسلام دختران را که به اسارت

میگرفتند به کنیزی میخریدند و با بچه دار شدن آزاد میگردیدند که به اصطلاح فقهی آنها را اِماء می‌گفتند و این برنامه فعلا منسوخ گردیده است. ناگفته نماند که در تورات چهارده موردی که در اسلام برای ازدواج ممنوع کرده و در ردیف اول ذکر شد منع شده است، اما بجای شماره ۱۵ که در اسلام منع شده در تورات زن برادر ممنوع گردیده است. اما هنگامیکه برادر میمیرد، گرفتن زن برادر را بر برادر واجب میدانند. از این نظر که انجیل حضرت عیسی علیه السلام در دسترس پیروان آنحضرت نیست و آنچه فعلا انتشار پیدا میکند مطالبی است که نویسندگان عهد جدید بیش از یک ربع قرن از تاریخ میلاد نوشته اند و بصورت تاریخ حضرت عیسی علیه السلام است نه احکام و قوانین آنحضرت، پیروان کلیسا احکام الهی ندارند و از احکام تورات استفاده میکنند. در هر صورت پیروی از هر دینی از ادیان آسمانی بنمائیم باید به محرم و نامحرم بودن دقت کنیم و مقررات آنرا رعایت نمائیم، چه نگاه کردن و چه ازدواج نمودن. از جمله این مقررات است که نگاه به نامحرم نکنیم، در یک اطاق با هم تنها نباشیم و از مسائلی که مورد اتهام است و سوء ظن ایجاد میکند، مثل عکس گرفتن دسته جمعی و یا دو نفری حتما پرهیز کنیم که زمینه آبروریزی را برای خود فراهم کرده ایم و چه بسا عکسی که در دست دشمن میافتد و حداکثر استفاده را از آن مینماید و آبروی صاحب عکس را پاک میبرد.

بقیه مسئله

غیر از ۱۵ دسته ای که ذکر شد که در متن قرآن آمده است تعداد دیگری از زنان نیز برای پسر و برای دختر همیشه حرام میشوند که این حرمت بخاطر عوامل مختلفی پیش میآید. ۱- خواهر، مادر و دختر کسی که با او عمل قوم لوط انجام شده بر فاعل حرام میگردد. ۲- اگر فردی با دختری که هنوز بالغ نشده عمل زناشویی انجام داد و بر اثر آن دختر افضاء شد آن دختر بر مرد برای همیشه حرام خواهد شد و باید مهر المثل را به دختر بدهد. ۳- تزویج زنی که در عده دیگری است و عده طلاق و یا عده و فاتش تمام نشده است. (یعنی اگر کسی با زنی که عده طلاق یا وفات شوهر قبلیش تمام نشده ازدواج کند، آن زن تا ابد برای آن مرد حرام است یعنی نمی تواند با او ازدواج کند). ۴- ازدواج زن مسلمان با مشرک، یهودی و مسیحی (حرام است) ولی مرد مسلمان میتواند زن یهودی و مسیحی را صیغه کند، اما از مذاهب دیگر ممنوع است و در هر صورت خطر انحراف دینی دارد و مرد باید خیلی مواظب باشد. ۵- کسی که بداند در جریان احرام ازدواج حرام است و ازدواج کند (یعنی عقد نماید) زن برای همیشه به او حرام میگردد. تعدادی از زنان هم بطور موقت حرام هستند و بعد از رفع محدودیت حلال میشوند: ۱- موقع اعتکاف که سه روز است و در مسجد جامع برگزار میشود و در طول این سه روز نباید از مسجد خارج شوند و یا عمل زناشویی انجام دهند. ۲- کسی که چهار زن عقدی دارد نمی تواند زن دیگری بگیرد مگر اینکه بصورت صیغه باشد یا یکی از آنها را طلاق دهد و عده طلاق هم تمام شود. ۳- موقعی که زن در جریان حیض است (خون ماهیانه) که حداقل سه روز و حداکثر ده روز میباشد. ۴- موقعی که زن بچه دار شده که حداکثر تا ده روز باید از عمل زناشویی پرهیز شود. ۵- با دختر که هنوز بالغ نشده نمی توان ازدواج کرد و عقد باطل است، ولی اگر با اجازه پدر یا حاکم شرع باشد عقد صحیح است. ولی عمل باید بعد از ۹ سالگی شروع شود. ۶- در هنگامیکه زن و مرد در احرام مکه هستند که اگر عملی انجام دادند باید شتر قربانی کنند. ۷- زنی که سه مرتبه طلاق داده شده با اجرای مُحلل حلال میشود. باز هم سه مرتبه که طلاق داد با محلل حلال میگردد اما مرتبه نهم که طلاق صادر شد زن برای مرد برای همیشه حرام میگردد. در جریان لعان وظهار نیز زن بر مرد بصورت موقت حرام میگردد که این دو مسئله با مسائلی که مربوط به کنیز است فعلا در جامعه ما وجود ندارد و از توضیح آن خودداری میشود. (۱۶۴)

مسلمان قیافه اش باید مثل بچه مسلمان باشد جوانهایی که با یک شکلهایی خودشان را درست میکنند و اسم خاصی را هم برای خودشان میگذارند، اینها درست نیست. آگاه باشید که دینتان را با یک سری برنامه های ضد دینی نبرند. یک نفر از خارج آمده بود میگفت: کثیف ترین، رذل ترین، معتادترین، لجن ترین گروه را در آمریکا گروه رپ میگویند. دیگه از آنها کثیف تر و لجن تر نیست، اون وقت این جوانها در اینجا فکر میکنند اینها آدمهای خوب و متمدن و متفکر و دلسوز اجتماع و خیر خواه مردم هستند و جوانهای ناآگاه این کثافتها را الگو و سر مشق خودشان قرار میدهند و از آنها تبعیت میکنند. وقتی به آنها نگاه میکنی اینجوری خودشان را درست میکنند و یک پیراهن زنانه به تن میکنند و با موهای آنچنانی بیرون میآیند فکر میکند مثلاً خیلی متجدد است. نه بابا تو خودت را شبیه لجن ترین لجن آمریکا درست کردی، که پیغمبر هم لعنت کرده. و میفرماید لعن الله متشبهین، پیغمبر لعنت کرد اون کسانی را که، نامردهایی را که خودشان را شبیه زنها درست کنند و زنهایی را که خودشان را شبیه مردها درست کنند.

موعظه

ای مسلمان، ای مرد، ای زن، ای جوان چقدر به امام زمانت علاقه داری واقعاً حاضر هستی جانت را فدای امام زمانت کنی بیا از فردا صبح یک چادر بردار روی سر خانمت، دخترت یا خواهرت بینداز، و یا اگر مانتوی هستند، آنها را برای خاطر امام زمانت چادری کن. وقتی زن نامحرم میآید دم مغازه ات با او زیاد گرم نگیر، بخاطر دو سه روز جیفه دنیا، خودت را جهنمی نکن، یکی از بزرگان برایم تعریف کرد: یک شب حضرت امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم که بدنشان مجروح است و ناراحتند. گفتم آقا جان مگر شما را مسموم نکردند پس چرا مجروحید؟ حضرت فرمودند: این زنهایی که با این وضع به اینجا میآیند و چادر ندارند و بد حجاب راه میروند و توی بازار و خیابان با این وضع اسفبار قدم میگذارند و برای خرید به بازار میروند و با مغازه دارها بگو و بخند میکنند... و زلفهایشان را بیرون میاندازند... ناراحتم و آنها نمی دانند که با این عملشان تیری به جان من میاندازند و تمام این زخمهایی که میبینی از اعمال آنها است. هر زلفی که بیرون باشد نیزه ای است که به بدنم وارد میشود. دختر خانم تو، زلفهایش را بیرون میگذارد و دنبال عزای حسین علیه السلام میآید. این عوض ثواب، فعل حرام انجام میدهد، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در دوره آخرالزمان برامت من برسد که زنه‌های آنها موهایشان را مثل کوهان شتر بیرون بگذارند، داریم میبینیم، تیر نزنید به دل امام زمانتان، نمی خواهد برایش خدمت کنید. به همین اندازه اگر دوستش داری جگرش را نسوزان آدم چیزهایی میبیند که واقعاً دلش به درد میآید. مرد مسلمانی که پیراهن سیاه برای امام حسین علیه السلام تنش میکند معنا ندارد که زنش با موهای بیرون آمده و بالباس افتضاح دنبالش بیاید، آخر این پیراهن سیاهت چیه خوش غیرت تو عزادار امام حسینی آخر بابا امام حسین برای حجاب کشته شد، آخر این کار تو یزیدی است، یزید حجاب اهل بیت حضرت ابی عبدالله علیه السلام را برداشت، آخر تو بدتر از یزیدی بابا باز به غیرت یزید. ای مردم با اعمال نیک دینی تان امام زمان علیه السلام را یاری کنید، امام زمانتان را اذیت نکنید. مگر نمی خواهید آقا توی خانه های شما نگاه رحمت کند، جلوی ناموست را بگیر تا بدحجاب بیرون نیاید.

اثر کتابهای دینی

یکی از علمای ربانی فرموده بودند: از یکی از شهرهای عراق به شهر دیگری میرفتم وقتی سوار قطار شدم داخل کوپه نشستم مسافره‌های دیگر، زنهای بی حجاب بودند، دیدم باید این مسیر طولانی را با این زنهای بی حجاب طی کنم، گفتم چه کنم که محیط را عوض کنم، (چون آدم مسلمان وقتی در محیط گناه قرار گرفت باید سعی کند محیط را عوض کند). یادم آمد که یک نسخه از صحیفه سجاده‌یه را همراه دارم صحیفه را در آوردم یکی از فرازهای نورانی صحیفه را خواندم و چون اینها عرب بودند و زبان مادری آنها بود، مفاهیم را درک میکردند و میفهمیدند. دیدم کلمات نورانی صحیفه آنها را عوض کرد، یکی از آنها بلند شد یک

روسی سرش کرد، یکی شون چشمانش اشک آلود شد، خلاصه محیط عوض شد بعد اتمام دعای صحیفه برگشتند به من گفتند: آقا این حرفها مال کی بود که مهم بود؟ گفتم: کلمات نورانی صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام است. گفتند: ما متأسفانه از این معارف محروم هستیم اگر میشود این کتاب را به ما بدهید. می فرمود: با خواهش و تمنا این نسخه را از من به عنوان یادگار گرفتند. خلاصه مسلمان باید محیط را اسلامی کند یعنی از خودش رنگ بدهد، نه رنگ بگیرد، خانم مسلمان بی حجابی و بد حجابی مال کفار و بی دینان است شما که مسلمان هستید باید با بی حجابی و بدحجابی مبارزه کنی مثل امام حسین علیه السلام مثل حضرت زهرا (علیها السلام) یا مثل حضرت زینب (علیها السلام)، که با بی حجابی و بدحجابی مبارزه کردند. ولی متأسفانه گاهی اوقات دیده میشود مادر چادری، ولی دختر بدحجاب و بی حجاب، من نمی دانم اینها فردای قیامت جواب خدا را چه میخواهند بدهند.

انواع بدحجابها

یکی از علماء میفرمودند: من یک وقت راجع به افرادی که بد حجاب هستند فکر میکردم حساب کردم و شمردم چند نوع بدحجاب داریم همه یک رقم نیستند. ۱- بعضی بدحجابها بسیار آدمهای خوبی هستند، منتها محیط خانوادگی و فامیلیشان بدحجاب بوده این هم هیچ غرضی نداشته و اینجور بار آمده. ۲- بعضی ها مادرهایشان بدحجاب هستند و او هم یاد گرفته. ۳- بعضی ها مادرهایشان حجاب دارد این لاج میکند. ۴- بعضی ها مسأله را نمی دانند که بی حجابی یا بدحجابی حرام است. ۵- بعضی ها مشکل روحی دارند. ۶- بعضی ها کمبود دارند. ۷- بعضی ها گلامیخواهند به دین دهن کجی کنند. ۸- بعضی هاتقلیدی هستند مثلاً چون دختر خاله اش یا همسایه اش اینجوری است آنها باید اینجور باشد. ۹- بعضی خیال میکنند تمدن و تجدد است. ۱۰- بعضی ها خانوادگی روانی و خیالی هستند. ۱۱- بعضی ها پول گرفته اند که فرهنگ بدحجابی یا بی حجابی را رواج دهند. و فرهنگ مبتدل غربی را در کشور مذهبی بیاورند و مردم را بی قید و بی بند و بار و بی دین و لامذهب بار بیاورند و هرکاری که میخواهند انجام دهند. ۱۲- بعضی ها بر اثر رفت و آمدها و روابط دوستانه و مسخره کردن دوستانشان... بی حجاب یا بدحجاب شده اند.

خانم س، ص بانوی تازه مسلمان آمریکایی ساکن آمریکا

من در آمریکا چشم به جهان گشودم و در بدترین شرایط اجتماعی، در میان مفاسد جامعه آمریکا بزرگ شدم. قبل از اینکه مسلمان گردم در طول مدت عمر گذشته ام (از طفولیت تا زمانی که دورادور با مسلمانان و بعد با اسلام آشنا شدم) در آمریکا با مشکلات اجتماعی بسیار و حوادث ناگوار و قبیح و زشتی های تمدن غرب که برخی از آنها مخصوص آمریکاست روبرو شدم. در اثر تماس های حضوری و ارتباطات بعدی با برخی از بانوان ایرانی ساکن آمریکا با اسلام آشنا شدم... در این میان با یک مهندس مسلمان ایرانی آشنا شدم که منجر به ازدواج با او گردید، و پس از کسب اطلاعات نسبتاً بیشتری در باره اسلام از او، متوجه شدم که حجاب باید بگیرم و دلایلی که شوهرم مطرح کرد، مرا قانع نمود، بخصوص که از مردان شهوتران این جامعه بی روح و بی محتوی و فاسد، به ستوه آمده بودم. این بود که حجاب را بهترین وسیله محافظت خود در برابر این مردان یا بهتر، این وحشیان ظاهراً متمدن دیده و با رضایت خاطر قبول کردم. از وقتی که خواستم حجاب داشته باشم (روز بعد از ازدواج احساس کردم که قدم در مسیر کمال برداشته ام...) در باره اثرات مفید و مثبت حجاب و به طور کلی پوشیده شدن بدن زن، مخصوصاً در آمریکا هر چه بنویسم، که نوشته ام و برعکس از اثرات نامطلوب برهنه شدن زن (قسمتی یا بعضی از اعضا برهنه باشد یا خیلی از جاهای بدن) در فاسد کردن مردان و فاسد شدن خودشان و بالاخره زیانهای ناشی از عدم پوشش زن در جامعه، هرچه بگویم که گفته ام. اما برای اینکه شما را با روح قضایا آشنا سازم، ترجیح میدهم به مسائلی در اینجا پردازم، تا شما را سریع تر با روح مریض جامعه آمریکا آشنا کند، و

آنگاه خودتان درباره اهمیت و نقش حجاب و مراتب ضرورتش در این جامعه عقب ماندها از انسانیت، و رشد کرده از نظر صنعت پی ببرید: در زمستان که مردم مجبورند به جهت سردی هوا خود را پوشانده و پوشش بیشتری داشته باشند به طور طبیعی و کاملاً محسوس، در آمریکا تجاوز به عنف نسبت به زنان کمتر میشود، لکن در تابستان که زنان علاوه بر گرمای هوا به پیروی از مدهای جلف و فاسد کننده، خود نیز دنبال بهانه ای هستند تا هر چه ممکن است لباس خود را سبک نموده و به بهانه گرما اعضای حساس بدن خود را در معرض دید مردها قرار دهند. تجاوز به عنف نسبت به زنان، حتی پیرزنان نیز افزایش مییابد، و تا آنجا پیش میرود که در این فصل راهبه ها نیز مورد حمله مردان جنایتکار قرار میگیرند. علتش آن است که زنان آمریکا با آزاد کردن اعضاء بدنشان در رفت و آمدها، بصورت عریان یا نیمه عریان، در میان مردان ظاهر شده و موجبات تحریک آنها را فراهم میکنند، که در برخی این هیجانات نامطلوب تا به سرحد جنون پیش میرود، و منجر به تجاوز به عنف میگردد، یعنی سلامت روح مرد و جامعه با نوع و کیفیت پوشش زن رابطه مستقیم و غیر قابل انکاری دارد، در حالی که یقیناً در بین زنانی که خود را پوشیده اند، مخصوصاً مسلمانان، این بیماری فصلی یا... وجود ندارد و یا تا به این حد جنون آمیز شدت پیدا نمی کند، یعنی عملاً به آثار و نتایج وجود و عدم حجاب در زن پی برده ام... (۱۶۵)

خانم ن، ق، ز دانشجو تهران

... بنده عقیده دارم آن حجابی که به صورت لباس گشاد، یا مانتو و روسری باشد، اثر زیادی در منع نگاه آلوده ندارد، بلکه مسئله مهم صورت و چهره است که باعث تحریک جنس مخالف و جلب توجه او میشود، یعنی من برای خود، چادر و حجاب را یک عامل نجات بخش در رویارویی با مرد نامحرم میدانم، به خصوص وقتی که متوجه میشوم مردی یا مردانی نگاههای آلوده ای دارند. در آن موقع که چادرم را محکمتر میگیرم تا صورتم در تیررس رؤیت آنها نباشد، یک احساس امنیت توأم با رضایتی به من دست میدهد، و به خاطر اینکه هم توانستم او را ناکام بگذارم و هم خود را از نگاه آلوده و مسموم کننده اش مصون دارم، در خود احساس آرامش میکنم. از آنجا که خوشبختانه در سن نوجوانی با اصول صحیح دینی و تعالیم آسمانی آشنا شدم، از این به بعد حجابم کامل گردید، ولی قبل از آن، حجاب کامل نداشتم، و وقتی این دو دوره را با هم مقایسه میکنم، میبینم که حجاب باعث شد که خودنمایی در من خیلی کاهش پیدا کند، زیرا در حالت بدحجابی، احساس میکردم که گرفتار این نقیصه روحی (یعنی خودنمایی) شده بودم و به خوبی میتوانم به دیگران بیان نمایم که غرض از بدحجاب در هر زنی چیست، و چرا برخی از زنان که میتوانند از روسری و لباس گشاد بجای چادر استفاده کنند اصرار دارند که از چادر استفاده کنند آن هم نه به طور کامل، بلکه نیمه حجابی که به نوعی قسمتی از صورت را نمایان ساخته و بدان وسیله میل و هوس مردان و جوانان را تحریک نموده و با این خودنمایی، به نوعی خودخواهی خود را ارضاء کنند، و احساس حقارت خویش را (که دامنگیر همه زنان در همه جوامع بوده و سهم بیشتری هم نصیب زن مسلمان گشته است! به جهت تحقیر و توهین دختر بچه ها و دختران نوجوانان) و یا در جامعه (به جهت تحقیر عمومی زنان) را بدینوسیله جبران نمایند. آری! من خود در دوران گذشته و در سایه جهل و غفلت، حظ کاذب خودنمایی به جوانان را به وسیله نیمه، حجاب، احساس کرده ام و از قصد و نیت بسیاری از زنان و دختران بدحجاب امروز به خوبی آگاهم مگر زنان روستایی و بیلاقی که از روی سادگی و بی اطلاعی و چه بسا با خوش قلبی کاملی بدحجابی را پیشه خود کرده اند البته از آن موقعی که به اهمیت حجاب پی بردم به وظایف دینی خود خوب آشنا شدم و نیز به حساسیت امر واقف گردیدم بیشتر در این مورد حساس شدم. آنچه به نظرم میرسد و برای خواهران عقیف دینی میتوانم توصیه کنم این است که: اگر ما حجاب را برای مصونیت خود برمی گزینیم، چه بهتر که حجاب کاملتر را برگزینیم که مصونیت بیشتری داشته باشیم. از این رو چادر میتواند نقش مهمی در مصونیت زن از نگاههای آلوده مردان داشته باشد. نکته ای که در آخر به نظرم رسید این است که حجاب میتواند بخصوص اگر از

روی آگاهی باشد، زن را به خیلی از اصول و موازین عقلی و شرعی دیگری معتقد کند و او را از گمراهیهای دیگر نجات دهد، از جمله اینکه میتواند او را تا حدی از احساس برتری‌ها و خودنمایی‌ها نجات دهد. همچنین میتواند منشأ ایجاد مهر و محبت و انس و اُلفت در بین جامعه شود، چرا که هر چه خودخواهی‌ها کاهش یابد در قبالتش عواطف، تقویت خواهد شد، در حالی که برعکس، خود فساد، عامل کُشنده محبت و عاطفه انسانی است، چرا که مفسد از رشد و تقویت غرایز و خودخواهی‌ها سرچشمه میگیرند. (۱۶۶)

خانم ب، الف خانه دار تبریز

... به هر حال، زن بی حجاب، چون ارتباط مستقیم با مرد اجنبی دارد لذا آن لطافت روحی خود را در تماس بیشتر از دست داده و آن عفت و پاکدامنی خود را در اثر کثرت معاصی نمی‌تواند حفظ، و یک نوع حالات و خصوصیات مردانه به او القاء میشود. اما زن با حجاب در وراء حجابش همیشه روح خود را در آرامی میبیند و عواطف و احساسات خود را فقط برای همسر و فرزندش معطوف و ابراز میکند و حیاء را پیشه خود میسازد، به طوری که از همسر خود نیز در بعضی از مواقع شرم دارد. حجاب زن در واقع سنگر اوست در مقابل تیره‌های آلوده، که از چشمان پُر هوس هر مردی به او نشانه رفته. حجاب زن تیغ بُرنده‌ای است در مقابل هر مرد متلک گوی پست فطرت، و حجاب زن دیواری است از سیم‌های خاردار در مقابل دست آلوده مرد اجنبی که خواسته دامنش را بیالاید. و بالاخره حجاب زن مهد آسایش و آرامش روح اوست. با آنکه رنگ سیاه از رنگهای مکروه است، اما با وجود این برای زن مجبّه، زینت بخش است، به طوری که خداوند در نزد خویش برای زن که عصمت و عفت خود را حفظ میکند، اجر کریم قائل شده است، که در سوره مبارکه احزاب، آیه شریفه ۵۳، خداوند خطاب به مردان مؤمن، در مورد رفتار با همسران پیامبر میفرماید: زمانی که سؤال کردید از انسان چیزی را، پس سؤال کنید از ورای پرده، این کار شما پاکیزه تر است، هم برای قلبهای شما و هم برای قلوب آنها پس آیه شریفه این را می‌رساند که هر حجاب و حایل واقعی هم برای پاکی قلوب مردان بهتر هست و هم برای پاکی قلوب زنان، تا هیچکدام خصوصاً مردان را به هوس نیندازد و آنان را به گناه آلوده ننماید (۱۶۷)

خانم ر، ح معلّمه تهران

به هر حال کلاس چهارم و پنجم گذشت و من از پدر و مادرم خواستم چادری نو، برایم بخرند، و با خود عهد کردم که در مدرسه جدید از ابتداء چادر سر کنم و چنین هم کردم و همین امر باعث جدا شدن من از دوستان سالهای قبلی ام شد و نیز جدا شدن راه زندگی ام. آنها کم کم دخترانی بی قید و بند و منحرف شدند و سر راه مدرسه به هر کس و ناکسی می‌خندیدند (هم از روی نادانی به عواقب کارشان و هم به علت بی خبری از حالات و احوال درونی مردان و جوانان، و شاید به قصد لذّت نفسانی خود) اما من سرم را پایین انداخته، رویم را محکم می‌گرفتم و به تنهایی به مدرسه میرفتم. و همین چادر، مرا از گمراهی که در اثر دوستی با آنها دامنگیرم میشد نجات داد. البته حجابم شُل و سفت میشد تا بعد از انقلاب، و هم اکنون (بخصوص بعد از آشنایی با حقایق) مانند یک حصار محکم بدان نیازمندم. در سایه آن احساس امنیت میکنم و به قول گروهی از بانوان مؤمنه حقیقی، چادر برای ما نه تنها سنگینی نیست، بلکه با آن احساس آرامش میکنیم اگر نگاه آلوده‌ای ما را تعقیب کند، با محکمتر گرفتن آن، او را از خود میرانیم و می‌فهمانیم که اجازه نامردی ندارد. (۱۶۸)

خانم م بانوی تازه مسلمان انگلیسی الاصل خانه دار مشهد

از زمانی که اینجانب به دین مقدّس اسلام مشرف شدم، حجاب یکی از چیزهای با ارزشی است که از اسلام به دست آورده ام. لذا

از همان ابتداء سعی نمودم تا به طور کلی با قوانین اسلام مخصوصاً قوانینی که شامل حال زنان میشود، آشنا شوم. در نتیجه پس از مطالعه و درک مسئله حجاب، آن را پذیرفته و تا حدودی احساس امنیت نمودم (احساسی که در زمان قبل از داشتن حجاب، خیلی کم با آن مواجه شده بودم) و بدینوسیله تصور کردم که میتوانم خود را از گزند دنیای ظالم و همچنین از جامعه‌ای که شخصیت زن در آن به اندازه ظاهر و بازوی او اهمیت ندارد، حفظ نمایم. با اینکه کاملاً به ارزش امنیت درونی که در من ایجاد شده بود پی نبرده بودم، ولی هیچ مشکلی قادر نبود که عقیده و تصمیم مرا در باره حجاب عوض نماید. با وجود اینکه پس از پوشیدن حجاب، اندکی از تحرک و راحتی من کاسته شده بود ولی در مقایسه با مشکلات قبل از حجاب، این موضوع نمی توانست برای من مهم جلوه نماید. همان طور که اشاره نمودم در جامعه‌ای که من متولد شده بودم، برای زنان جز یک پوسته خالی ظاهر، چیز دیگری باقی نمانده است. تمام زنان و یا حداقل بیشتر آنان میدانند که اسیر ظاهر خود گشته اند و با اینکه این اسارت، آنها را از پا درآورده است ولی چاره‌ای دیگر ندارند، زیرا در چنین اجتماعی (منظور اجتماع غرب) راهی دیگر برای آنها وجود ندارد. من به نوبه خود میدیدم که رفتار و لباس پوشیدن زنان غرب، همه چیز را از مسیر راست خود منحرف میکند. قبل از پوشیدن چادر، وقتی به خیابان میرفتم احساس میکردم که یکی از کالاهای عرضه شده در آن فروشگاهها میباشم. حتی در هنگام قدم زدن متوجه تماشاگرانی میشدم که مانند خریدار، به منظور ارضاء لذائذ نفسانی خود برای زنان بها تعیین مینمودند، و به این دلایل من خود را در حجاب محصور نمودم. پس از آمدن به ایران خداوند معلمین حقیقی را به عنوان یک موهبت و نعمت به من اعطا کرد که مسلماً پیشرفت من بدون وجود آنها غیر ممکن بود... (۱۶۹)

خانم ب، ن متخصص مامایی از آمریکا دانشگاه مشهد

.. آنچه را اکنون از حجاب گرفتن در خود احساس میکنم این است که خیلی احساس آرامش و آسایش خیال، در خیابان و اجتماعات مینمایم و از اینکه از نگاههای زهرآگین مردان بی شرم بیشماری خود را محفوظ مینمایم، از حجاب گرفتن خود بسیار خرسند میشوم و این در حالی است که هنوز در خانواده و ضمن معاشرت دوستان، رعایت حجاب از طرف من قبولش برای آنها مشکل است. ولی من در این مورد نه تنها با وجود تنها بودن در بین عده‌ای از معاشرین فامیلی، خود را ناراحت نمی بینم بلکه از خداوند متعال که توفیق داد آن را آگاهانه بپذیرم و همچنین از مسیبین و مشوقین دلسوزی که مرا با دلیل، به حجاب گرفتن دعوت نمودند (از جمله کتاب بهای یک نگاه! و نشریه مقدماتی نگاه پاک زن و نگاه های آلوده به او) بسیار ممنون و سپاسگزارم. اکنون وقتی زنی را که در اثر ناآگاهی، بی حجاب مینمایم، دلم به حال او میسوزد و در صدد هستم به هر صورتی که ممکن شود، او را متوجه سازم که متمدن نشان دادن خود فقط در این نیست که با پیروی از مبدپرستی و جلب نظر دیگران و به صورت زننده‌ای آرایش کردن، جلوه شوی. من در گذشته، چه در ایران و چه در خارج، متوجه ناامنی‌ها و چشم چرانی‌های مردان به زنان بودم که چقدر موجب عذاب عده‌ای از دختران و زنان پاک قلب بوده و چه بسا اتفاقات ناگواری را که موجب هتک حرمت و رفتن آبروی خیلی‌ها میشد، دیدم یا شنیدم که شرح تفصیلی آن از حوصله این مختصر خارج است. به امید روزی که از هر جهت امنیت در جهان برقرار گردد (۱۷۰)

خانم الف، ن متخصص بیولوژی از آمریکا دانشگاه مشهد

... در اوقات مختلف با دوستان آمریکایی خود در این زمینه (حجاب) صحبت میکردیم و با کمال تعجب باید بگویم که آنها بیشتر از زنان در ایران از واژه حجاب مطلع بودند و توضیح میدادند که حتی الی سال پیش برای رفتن به کلیسا از روسری و کلاه استفاده میکردند. و زن جوان این پوشش را بر سر مادران خود به یاد می‌آورد. در مورد صحبت با یکی از این دوستان آمریکایی فقط همین

را بگویم که وقتی مسئله حجاب مطرح شد، او در یک جمله ساده گفت: من این قسمت از قوانین اسلام را خیلی میپسندم، چون که دیگر لازم نیست در زمان رعایت پوشش اجباری نگران نگاه شوهرم به سینه باز فلان خانم باشم... و گاهی من ندانسته سؤال میکردم که چرا اینقدر در آمریکا زن و شوهر به هم مهربانند و دائما دستان یکدیگر را میگیرند: یعنی همیشه دست به دست هم داده، راه میروند و یا لاقل در انظار تظاهر میکنند، او در جواب میگفت که این دلیل مهربانی بآنها به هم نمی باشد، بلکه آنها از نگاههای آلوده به زوج خود و یا بعکس از طرف مقابل به دیگران نگرانند. این شواهد کم کم مرا از اهمیت رعایت حجاب با خبر میکرد... (۱۷۱)

خانم س، الف مدرّس دانشگاه تهران

... نمی خواستم در کوچه که راه میروم آنقدر شخصیتم پایین باشد که مورد پسند هر کس و ناکسی قرار گیرد و باران متلک ها به سرم فرود آید. حجاب، مرا از بسیاری از این ناامنی ها که در جامعه بود راحت کرد، دنبال سر افتادن ها و متلک ها و نگاههای ناجور و... خیلی خیلی کمتر شد. با انتخاب آن حجاب اولیه، احساس امنیت و بی نیازی از آن نگاههای آلوده و پست میکردم و از طرفی خود راحت بودم و آنها برایم بی اهمیت شده بودند... با حجاب گرفتن و تکمیل آن، توفیقات خداوندی شامل حالم میشد. گویی راه، صاف شده بود، نماز و روزه و سایر وظایف، حلاوت و شیرینی پیدا کرد، حقایق و علوم را به راحتی یافته، با آنکه ظاهرا دنبال آنها میگشتم ولی آن سعی ناچیز کجا و آن همه نتایج کجا؟! (یعنی با اندکی تلاش، بیشترین سهم در درک علوم و حقایق نصیب میشد). بعد از اولین قدمهای با حجاب شدنم، دیگر همه قدمها را تندتر بر میداشتم. پیشرفت در این مسیر و پیاده کردن حقایق خیلی با سرعت بود، ولی بعد از ۳۲ سالی که به همین منوال گذشت (البته باید تذکر دهم که پوشش، دائم کاملتر میشد تا اینکه در اواخر، مانتوی خیلی گشاد و تیره و روسری بزرگ میپوشیدم) ولی انگار مانعی در جلوی راهم بود. تا جایی رسیده بودم، ولی بیشتر نمی توانستم بروم و دائم احساس وقفه و رکود میکردم، تا اینکه چادر پوشیدم. این پوشش، بعد از یقین به برحق بودنش، همه آثار مفید ذکر شده را به حدّ کمال خود داشت. امنیت و راحتی را واقعا حس میکردم. از طرفی از این که توانسته بودم وظیفه ای را انجام دهم و پشت پا به بسیاری از وابستگی های دنیوی بزنم، خود را آرام مییافتم... از طرفی در جامعه که حضور مییافتم در مقابل آن همه زشتی ها و نگاههای پست و آلوده به مقاصد ناپاک، خود را حامل زرهی مییافتم که از این حملات شیطان صفتان، مرا حفظ میکرد (۱۷۲)

خانم ل، ق معلّمه تهران

فکر میکنم زن اگر فطرتا سالم باشد و پیرو هوی و هوس و خودنمایی نباشد، دوست دارد که حجاب و حائلی بین او و مرد نامحرم وجود داشته باشد، حتی اگر این حجاب در پایین ترین مرتبه باشد. یک روز در دبیرستان در کلاس دینی یکی از همکلاسی هایم در برابر سؤال معلم که در مورد حجاب بود. این مثال را آورد که: اگر دو تخم مرغ را در معرض جریان هوا قرار دهیم در حالی که یکی با پوست و دیگری بدون پوست باشد، آن تخم مرغ پوست کنده زودتر در برابر جریان هوا خراب و فاسد میشود، تا آن تخم مرغی که در زیر پوسته آن قرار دارد و مسلما افرادی که دارای ذائقه سالم باشند در انتخاب این دو تخم مرغ، به سراغ آن تخم مرغی میروند که با پوست باشد. زن هم همینطور است اگر زن بدون حجاب باشد، در برابر عوامل مختلفی که در جامعه وجود دارد، زودتر آن صفا و پاکی خود را از دست میدهد... من فکر میکنم همه زنان و یا لاقل اکثریت قریب به اتفاق آنان فواید ناشی از رعایت کردن حجاب را در جامعه میدانند، اما برخی به خاطر امیال و هوسها و خودنمایی های خودشان حاضر نیستند که آن را رعایت کنند. بهترین و بیشترین فایده ای که رعایت حجاب به ارمغان میآورد، همانا حفظ آرامش روحی برای زن است. یعنی همان

چیزی که زن به آن شدیداً احتیاج دارد بخصوص برای تربیت فرزندان لازم است و همینطور برای عدم دلهره و اضطراب... البته حجاب من قبلاً در حد استفاده از یک چادر معمولی و بدون مقید بودن به رو گرفتن بوده است، اما همان موقع به خاطر اینکه در میان دختران همسن و سال و بخصوص دختران فامیل تحقیر نشوم، از چادر متنفر بودم و حجاب در حد معمولی را میخواستم رعایت کنم، اما همان موقع احساس میکردم که این افراد بی حجاب انگار چیزی کم دارند و احساس میکردم که آنها نمی توانند تکیه گاه محکمی برای من باشند و گاهی اوقات از آنها میترسیدم و اگر هم یکوقت، احساس عذاب وجدان و ناراحتی روحی میکردم و از خودم بدم میآمد. حجاب کامل من از وقتی بود که با حقایق و روح دین آشنا شدم و هر قدر بیشتر با این حقایق آشنا میشدم، علاقه من به حجاب و بخصوص به چادر بیشتر میشد... (۱۷۳)

خانم ز، ف معلمه تهران

حجاب یکی از وسایلی است که امکان تحقق بُعد معنوی را برای زن فراهم میکند، بی حجابی یکی از مقدمات گرایش زن به بُعد غریزی میتواند به شمار آید و بخصوص در گرایش زن به بُعد عاطفی از طریق ایجاد حالات جلب توجه در برابر مردان، میتواند شخصیت او را وابسته به مرد ساخته، اسیر خواست او گرداند. شخصیتش آن میشود که مرد خواهان آن است، و بدین لحاظ در جامعه هر روز به صورتی در میآید و به خودآرایی میپردازد تا در اجتماعات، بیشتر از سایرین (با توجه به بُعد غریزی) مورد توجه مردان قرار گیرد (به جهت احتیاج به ارضاء بُعد عاطفی در خود). این مسئله یکی از اساسی ترین مسائلی است که مانع ترقیات زن در بسیاری از ابعاد میتواند به شمار آید، از جمله: تحصیل علم و حتی تکامل شخصیت در این جهان... با توسل به حجاب، از گوهر وجود خود میتوان محافظت کرد، چرا که با بی حجابی، تنها این مورد نیست که شخصیتش به حد غریزی تنزل میکند، بلکه زن نیز احساس خفت و خواری میکند. زن با حجاب احساس حقارت نمی کند، بلکه به عنوان یک شخصیت مستقل به حساب میآید. اگر در محیطی با مردان ناسالم مواجه شود، مطمئن است که لااقل خود، موجد انحراف فکری نیست و حساب مردان ناپاک، پای خودشان است که به تناسب عدم تقوای مردان مختلف، سرکشی و معصیت شان پای خودشان نوشته میشود... (۱۷۴)

خانم ن، خ دبیر دینی تهران

... حجاب و پوشش است که خود بخود زن را در پایگاه محکم و استواری، از خطرات جدی که او را تهدید میکند، حفظ و نگهداری مینماید. خطراتی که نه تنها جسم او را، بلکه تا اعماق روحش را نیز در برمی گیرد و از زن، یک موجود بی معنا و بی ارزش میسازد و زمانی که زن در نظر خود و دیگران موجود بی محتوا و بی ارزش تلقی شد، تن به هر پستی و ذلتی میدهد و خود را فدای شهوات و هوسهای هر فرد اسیر دربند آماره میکند. هنوز خاطرات شوم وضعیت زنان در رژیم گذشته از یادها نرفته که به علت بی حجابی و عدم دسترسی به ایمان و تعالیم صحیح، تبدیل به عروسکهای کوکی شده بودند که کارشان از صبح تا شام این بود که پای آینه بنشینند و به سر و صورت خود ور روند، تا مورد توجه هر بی سر و پاییی در محیط ادارات، گوی سبقت از یکدیگر برابند و به جای کار و فعالیت سازنده، مردان همکار خویش را نیز با آرایشها و پوشش های محرک از کار بیندازند و آگاهانه و ناآگاهانه خود را مورد طمع هر بیمار دلی قرار دهند و بالاخره مانند بره ای در دست گرگ، با انواع حقه ها و حيله ها، گوهر عفت و عصمت را به رایگان از کف بدهند و به جای اینکه انسان باشند و انسانی زندگی کنند، تنها وسیله و ابزاری شدند در دست هر شیادی که از او بهره برداری جنسی کند. اینجاست که حجاب و پوشش، زن را از طمع هر طماع و از مکر هر مکار، در امان نگه میدارد و ریشه بدبختی های زن و حتی مرد و جامعه بشری را میخشکاند و سلامت روحی زن و پاکی محیط و خانواده و جامعه را تضمین میکند و نطفه فساد و تباهی فرد و جامعه را که نگاههای هوس آلود به بدنهای نیمه عریان است از بدو تشکیل، از بین

میرد... حجاب نقش مؤثری در جهت حفظ بنیان خانواده، پاکی و سلامتی روحیه‌ها و در امان نگه داشتن و آرامش و سکینه روح و روان انسانها دارد و جامعه را از خطر بیماریهای روانی حاصله از شکست در ماجراهای عشقی حفظ میکند، چرا که تجربه نشان داده که کم نبوده اند جوانانی که به علت دل در گرو معشوق نهادن، و عدم وصال و منجر نشدنش به ازدواج، و خلاصه ناکامی در عشق، دست به خودکشی زده یا پناه به الکل و اعتیاد برده، سرمایه عمر را به ریگان از دست داده اند و یا دچار بیماریهای روحی و عصبی شده اند و یا در اثر این شکست، تحرک در درس و تحصیل و کار و فعالیت را از دست داده، به عنصری بیکار و ولگرد و طفیلی تبدیل شده اند. و نیز میتوان نقش مفید حجاب را از این دانست که زنان، خود بخود از پرداختن به شغل‌های مبتذل و از بین برنده شخصیت و انسانیت از قبیل مانکن شدن یا در کاباره‌ها به رقص و آواز مشغول شدن و یا در ادارات ملعبه رئیس و هر مرد فاسدی گردیدن... مصون میمانند. البته آنچه که نباید فراموش کرد این است که قبل از حجاب ظاهری، زن و حتی مرد بایستی از حجاب باطنی و قلبی برخوردار باشند و قبل از همه، مراقب دل و نیت خود باشند و الا آن آثار مفید و مثبتی که از حجاب و پوشش مورد نظر است، بدون حجاب قلبی و باطنی به دست نخواهد آمد یا اثراش کم میشود، پس نقش مفید حجاب، این است که زن قبل از اینکه از بُعد غریزی مطرح باشد، در وهله اول، انسان است و دارای گرایشها و استعدادهای عالیه انسانی، و شارع مقدس نیز همین را برای زن میخواست که با قرار دادن پوشش برای زن، در اجتماع، زن را از بُعد معنوی و انسانی مطرح کند و از این طریق، شخصیت معنوی و ملکوتی زن را شکوفا کند... (۱۷۵)

خانم م، ز دانشجو تهران

.. به غیر از حجاب کامل، هر نوع حجابی به نوعی بر ناامنی زن میافزاید... زیرا حجاب ناقص هم، خود به نوع دیگری زن را جالبتر میکند. کسانی که حجاب کاملی ندارند و یا میخواهند توجیهی برای نوع حجابشان داشته باشند، میگویند که: حجاب مانع فعالیت‌های اجتماعی میتواند باشد، و به عبارتی دست و پاگیر است. اما در بانوان با حجاب بسیاری، در مشاغل گوناگون، در سمت‌های مختلف و فعالیت‌های اجتماعی متفاوت، (از قبیل: پزشک، مدرس دانشگاه معلم و...) خلاف این موضوع به خوبی اثبات میگردد. سهل است که اگر مسئله حجاب برای آنها مطرح نبود، نمی توانستند به این اندازه و تا این حد در این فعالیت‌ها مؤثر باشند... و به علاوه زنان مؤمنه تحصیل کرده‌ای که مراعات حریم حجاب را میکنند، عملاً از نظر مراتب معنوی و روحی و تقوی و تزکیه به ترقیات بیشتری نائل میگردند تا بانوانی که در آن شرایط و با همان امتیازات عقلی و علمی، بدحجابی را (که خود نوعی تمرد از حریم دین و سرکشی به اوامر الهی بوده و با مقام تسلیم و رضا منافات دارد) برای خود پیشه ساخته اند، زیرا در آن حال بهتر میتوانند نظر مردان هوسباز را به خود جلب کنند و عامل مؤثری در کشاندن مردان به معصیت به شمار رفته، خود شریک معاصی دیگران به شمار روند و در نتیجه از ترقیات روحی و معنوی (به علت عدم تقوی) محروم بمانند... (۱۷۶)

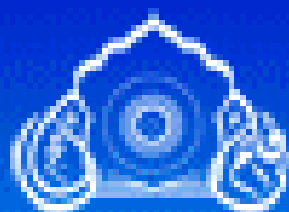
----- (۱). سوره نور: آیه ۳۰. (۲). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۲۲. (۳). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۲۸. (۴). همان مدرک. (۵). فروع کافی: ج ۵، ص ۵۱۹ / حجاب برتری: ص ۵۷. (۶). بحارالانوار: ج ۱۰۳، ص ۲۴۹ / حجاب برتر: ص ۶۳. (۷). سنن ترمذی: ج ۳، ص ۲۷ / حجاب برتر: ص ۷۳. (۸). مجمع البیان: ۷/۲۲ / حجاب برتر: ص ۹۱. (۹). نهج الفصاحه: ۳۶ / فلسفه حجاب: ۱۳۵. (۱۰). سنن ابی داود: ۲/۶۸۵ / فلسفه حجاب: ص ۱۳۶. (۱۱). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۴۳/۱۴۲ / فلسفه حجاب: ص ۱۳۷. (۱۲). همان مدرک. (۱۳). پوشش زن: ۱۹ / فروع کافی: ۱۹۵. (۱۴). شهاب الاخیار / داستان زنان: ۱۱. (۱۵). گوهر صدف: ۳۹ / مستدرک حاکم: ۴۳۶. (۱۶). کنز العمال: ۱۶/۳۷۹ / گوهر صدف: ۴۰. (۱۷). مستدرک الوسائل: ۲/۵۴۹، آنچه باید یک زن بداند: ۱۶۳. (۱۸). نهج البلاغه: نامه ۳۱ / حجاب برتر: ۵۶. (۱۹). بحارالانوار: ۸۳/۱۸۳ / حجاب برتر: ۶۰. (۲۰). ثواب الاعمال: ۲۰۱ / بحار: ۱۰۳/۲۴۳ / حجاب برتر: ۶۶. (۲۱). بحارالانوار:

- ۱۰۳/۲۴۳ / حجاب برتر: ۶۷. (۲۲). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۹ / حجاب برتر: ۷۷. (۲۳). حجاب بیانگر شخصیت زن: ۷۷. (۲۴). فروع کافی: ۵/۱۹ / حجاب برتر: ۵۷. (۲۵). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۳۴ / فلسفه حجاب برتر: ۱۳۸. (۲۶). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۶۳ / فلسفه حجاب: (۲۷). بحارالانوار: ج ۸، ص ۳۰۹، روایت ۷۵، باب ۲۴. (۲۸). خواهرم حجاب سعادت است: ۱۴. (۲۹). فروع کافی: ج ۵، ص ۵۲۹. (۳۰). بحارالانوار: ۴۳/۵۴ / حجاب بیانگر شخصیت زن: ۱۱۷. (۳۱). روزنامه رسالت: ۲/۳/۶۶ به نقل از روزنامه ملیت چاپ آنکارا / حجاب بیانگر شخصیت زن: ۱۲۳. (۳۲). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۴۵. (۳۳). نقش حجاب: ۳۴. (۳۴). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۳۱. (۳۵). نقش حجاب در پیشرفت جامعه: ۲۵. (۳۶). ملحق روزنامه لبنانی النهار: سال ۱۹۷۲ م. (۳۷). نقش حجاب: ص ۳۸. (۳۸). نقش حجاب: ۳۶. (۳۹). مجله Sciencediyest: ص ۴۵، سپتامبر ۱۹۶۷. (۴۰). در جستجوی خوشبختی: ۳۶. (۴۱). آئین زندگی: ۱۸۲. (۴۲). مجله خواندنیها: شماره ۵۴۸. (۴۳). فلسفه حجاب: ۵۲. (۴۴). بنقل از مجله خانواده ارتشی شماره ۶۷ آذر ۶۵. (۴۵). کیهان: ش ۱۳۵۸۶ / ۲۲ / ۱ / ۶۸. (۴۶). جمهوری اسلامی: ۲۳/۹/۶۴. (۴۷). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۷۶. (۴۸). تمثیلات جلد اول ۱۲۱. (۴۹). تمثیلات ج ۲ ص ۱۳۹. (۵۰). تمثیلات ج ۲ ص ۱۳۹. (۵۱). تمثیلات ج ۲ ص ۱۴۰. (۵۲). مجله پیجت ژوئن ۱۹۶۵ ص ۳۱ شماره ۱۲. (۵۳). عوامل فساد ۸۵. (۵۴). عوامل فساد ۸۵. (۵۵). مجله زن روز ش ۱۰۵. (۵۶). فلسفه حجاب ۵۸. (۵۷). مساله حجاب ۷۸. (۵۸). فلسفه حجاب: ۶۳. (۵۹). انسان موجود ناشناخته ص ۱۵۶ و ۱۲۷. (۶۰). آئین زندگی ص ۴. (۶۱). فلسفه حجاب ۵۰. (۶۲). احزاب: ۵۳. (۶۳). مبانی جرم شناسی ج ۲. (۶۴). فلسفه حجاب ۴۸. (۶۵). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۷۶. (۶۶). فلسفه حجاب ۵۹۰. (۶۷). احزاب: ۵۹. (۶۸). فلسفه حجاب: ۳۴. (۶۹). روح بشری: ص ۲۱۱. (۷۰). فلسفه حجاب ۳۷. (۷۱). فلسفه حجاب ۴۰۰. (۷۲). فروع کافی ج ۵ ص ۲۳۵ و ۲۳۴. (۷۳). فلسفه حجاب ۴۱. (۷۴). فلسفه حجاب ۴۲. (۷۵). حجاب بیانگر شخصیت زن ۸۵. (۷۶). پاسداران حجاب صفحه ۳۵. (۷۷). همان: ص ۲۵. (۷۸). همان: ص ۳۶. (۷۹). همان: ص ۳۶. (۸۰). همان: ص ۴۳. (۸۱). همان: ص ۴۴. (۸۲). همان: ص ۴۹. (۸۳). همان: ص ۵۰. (۸۴). همان: ص ۵۳. (۸۵). همان: ص ۵۴. (۸۶). همان: ص ۵۶. (۸۷). زن از دیدگاه اسلام صفحه ۱۵. (۸۸). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۸۹. (۸۹). حجاب بیانگر شخصیت زن ۹۳. (۹۰). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۹۳. (۹۱). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۱۸. (۹۲). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۱۲۱. (۹۳). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۳۰. (۹۴). حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۳۳. (۹۵). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۱۳۶. (۹۶). اقتباس از تاریخ ۲۰ ساله ایران ج ۴ ص ۲۸۴ ظهور و سقوط پهلوی ج ۱ ص ۶۸ و ۶۹. حجاب بیانگر شخصیت زن صفحه ۱۳۷. (۹۷). حجاب بیانگر شخصیت زن: ص ۱۴۱. (۹۸). پوشش زن در اسلام: ص ۴۸. (۹۹). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۷. (۱۰۰). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۸۸. (۱۰۱). پوشش زن در گستره تاریخ ص ۱۱۹. (۱۰۲). نکاتی از شخصیت اسلامی زن صفحه ۲۲. (۱۰۳). یکصد داستان خواندنی ۴۳. (۱۰۴). مثلها و پندها: ۸/۱۰۱. (۱۰۵). همان مدرک. (۱۰۶). مثلها ۸/۱۸. (۱۰۷). لطیفه ها و خاطره ها: ص ۱۰۲. (۱۰۸). آنچه باید یک زن بداند. (۱۰۹). آنچه باید یک زن بداند: ص ۲۱۲. (۱۱۰). حجاب از نظر آیات و روایات و عقل: ص ۲۲۵. (۱۱۱). فلسفه حجاب: ص ۷۰. (۱۱۲). فلسفه حجاب: ص ۷۵. (۱۱۳). فلسفه حجاب: ص ۸۱. (۱۱۴). سوره اعراف آیه ۲۷. (۱۱۵). (نور ۲۰) (۸۴ فلسفه حجاب). (۱۱۶). فلسفه حجاب: ص ۸۶. (۱۱۷). فلسفه حجاب: ص ۹۳. (۱۱۸). فلسفه حجاب: ص ۹۶. (۱۱۹). فلسفه حجاب: ص ۱۰۱. (۱۲۰). فلسفه حجاب: ص ۱۰۴. (۱۲۱). فلسفه حجاب: ۱۱۴. (۱۲۲). فلسفه حجاب: ۱۱۸. (۱۲۳). فلسفه حجاب: ص ۱۲۱. (۱۲۴). بحار / ۱۰۳ / ۲۵۰. (۱۲۵). کلمه الرسول ۴۴۹. (۱۲۶). فلسفه حجاب ۱۳۵. (۱۲۷). نسخ التواریخ: ۲. (۱۲۸). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۸۵. (۱۲۹). سنن ابن داوود ۲/۶۸۵. (۱۳۰). سنن ابن داوود ۱/۱۰۹. (۱۳۱). وسائل الشیعه: ۱۴/۱۴۲ و ۱۴۳. (۱۳۲). همان مدرک: ۱۴۳. (۱۳۳). کلمه الرسول: ۴۱۳. (۱۳۴). وسائل الشیعه ۱۴/۱۷۳. (۱۳۵). وسایل الشیعه ۱۴/۱۴۳. (۱۳۶). تحریر الوسیله ۲/۲۴۵. (۱۳۷). وسایل ۱۴/۱۷۳. (۱۳۸). وسایل ۱۴/۱۶۳. (۱۳۹). بحار ۱۰۳/۲۵۸. (۱۴۰). فلسفه حجاب: ص ۱۳۳. (۱۴۱). خودکشی: ص ۱۵. (۱۴۲). خودکشی: ص ۶۵. (۱۴۳).

خودکشی: ص ۷۳. (۱۴۴). تمثیلات: ج ۲ ص ۱۴۰. (۱۴۵). خودکشی: ص ۸۶. (۱۴۶). چشم، نگاه و چشمک: ص ۴۹. (۱۴۷).
 خودکشی: ص ۱۸۳. (۱۴۸). خودکشی: ص ۱۵۳. (۱۴۹). خودکشی: ص ۱۵۸. (۱۵۰). گوهر صدف: ص ۴۸. (۱۵۱). گوهر صدف:
 ص ۵۴. (۱۵۲). گوهر صدف: ص ۵۵. (۱۵۳). همان: ص ۵۷. (۱۵۴). همان: ص ۵۸. (۱۵۵). همان: ص ۵۹. (۱۵۶). همان: ص ۶۰.
 (۱۵۷). همان: ص ۵۸. (۱۵۸). چشم، نگاه و چشمک: ص ۳۸. (۱۵۹). چشم، نگاه و چشمک: ص ۴۱. (۱۶۰). وسائل ۷/۱۰۹.
 (۱۶۱). چشم، نگاه و چشمک: ص ۵۲. (۱۶۲). چشم، نگاه و چشمک: ص ۱۸۲. (۱۶۳). بلوغ و غریزه جنسی: ص ۱۴۵. (۱۶۴).
 بلوغ و غریزه جنسی: ص ۱۶۴. (۱۶۵). دکتر احمد صبور اردوبادی، آئین بهزیستی اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ
 دوم، جلد سوم، ص ۲۱۹. (۱۶۶). همان کتاب، ص ۲۲۵ تا ۲۲۷. (۱۶۷). همان کتاب، ص ۲۴۷ تا ۲۴۸. (۱۶۸). همان کتاب، ص
 ۲۴۸. (۱۶۹). همان کتاب، ص ۲۱۴. (۱۷۰). همان کتاب، ص ۲۱۵ تا ۲۱۶. (۱۷۱). همان کتاب، ص ۲۱۷. (۱۷۲). همان کتاب، ص
 ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹. (۱۷۳). همان کتاب، ص ۲۳۰ تا ۲۳۸. (۱۷۴). همان کتاب، ص ۲۴۰. (۱۷۵). همان کتاب: ص ۲۷۰ تا ۲۷۱.
 (۱۷۶). همان کتاب، ص ۳۰۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و
 جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که
 امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی
 از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد
 بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر
 اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل
 الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ
 وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری
 شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب
 از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از
 حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به
 بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد
 بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،
 گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت
 سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن
 همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در
 سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با
 برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید
 نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه
 www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات
 نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

